

الكتاب: صحيفة المهدي (ع) (فارسي)

المؤلف: جمع الشيخ جواد القيومي

الجزء:

الوفاة: معاصر

المجموعة: مصادر سيرة النبي والائمة

تحقيق: مؤسسة النشر الإسلامي

الطبعة: الثانية

سنة الطبع: ١٣٧٥ ش

المطبعة: دفتر تبليغات إسلامي

الناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة

ردمك:

ملاحظات:

صحيفة المهدي (عج)
تأليف
جواد القيومي الاصفهاني
تحقيق
مؤسسة النشر الاسلامي
التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة

صحيفة
المهدي (عج)
مؤلف: جواد قيومي أصفهاني
قطع: وزيري
موضوع: دعا و كلمات امام زمان (عج)
نوبت چاپ: دوم
محل چاپ: چاپخانه دفتر انتشارات اسلامي
تعداد مجلدات: يك جلد
تعداد صفحات: ۳۹۲
تاريخ انتشار: تابستان ۱۳۷۵
تیراژ: ۲۰۰۰
قیمت: ۸۰۰ تومان
دفتر انتشارات اسلامي
وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

بسمه تعالی دعا و زیارت، مطلوب و محبوب رب جلیل است. دعا و نیایش، نوع علی عبادت و خضوع در برابر قادر متعال است. دعا و مناجات با رب متعال - آن هم از روی خوف و خشیت از مقام کبریائی حضرت احدیت - مایه آرامش دل و تسکین ضمیر است. دعا، بلا و قضا را بر گردانده ورد می کند. دعا، باعث نجات انسان از اعداء و موجب فور ارزاق است. دعا، وسیله فیض و موجب وصول به مقامات عالیه است. و نیز:

زیارت وسیله توسل به پاکان و آبرومندان حضرت احدیت می باشد. و بالاخره:

دعا مستجاب می شود: " ادعونی استجب لکم "، أما...

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

" دعا کننده باید دقت کند که کسب او طیب و از مظالم ناس بری باشد ". و نیز می فرماید:

"... قال الله تعالی: وعزتي وجلالی لا اجیب دعوة مظلوم دعاني في مظلمة ظلمها ولاحد عنده مثل تلك المظلمة".

به عزت و جلالم سوگند مستجاب نمی کنم دعای مظلوم را در حالی که مثل همان مظلومه در نزد او باشد

مجموعه دعاها و زیارات و کلماتی که در پیش روی شما است، از منابع و مآخذ روایی و حدیثی معتبر و معروف، بوسیله برادر تلاش گر فاضل گرانمایه جناب آقای جواد قیومی ادام الله توفیقاته گرفته و جمع آوری شده است.

و از آن جایی که تمامی این دعاها و کلمات در منابع یاد شده، به کعبه مقصود، هسته مرکزی وجود، صاحب رایت هدی، و مشعل پر فروغ فلاح، منتقم خون الشریف، منتسب و مستند شده، لذا این مجموعه بنام:

" صحیفة المهدي (عج) "

نام گرفته است.

باشد که گام مبارکی باشد، تا مجموعه و صحیفه های دیگر از اختران تابناک عصمت و امامت علیهم السلام، در آیندای - نه چندان دور - به بوسیله این دفتر، تقدیم عاشقان معارف الهی، از سرچشمه زلال خاندان وحی و رسالت صلوات الله علیهم اجمعین گردد.

دفتر انتشارات اسلامی
وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

اهداء کتاب:

سزاوار بو که کتاب حاضر را به پیشگاه والای این واژه ها و دعاها، کعبه مقصود و قبله موعود تقدیم دارم، اما چه کنم که هر چه اندیشیدم شایستگی این جسارت را در خود نیافتم، تابستان موری این اثر را به خاک پای سلیمان اقلیم وجود اهداء نمایم. از این رو آن به پدر و مادر بزرگوار و پر مهری تقدیم می دارم که مرا شیفته آن حضرت و نیاکان گرانقدرش تربیت کردند، و مهر و محبت آنان را با جانم آمیختند، آری پاداش این اثر را به آن دو تقدیم می دارم. فرزندان جواد.

امام رضا علیه السلام فرمودند
در قنوت نماز جمعه بخوان
بار خدایا! کار [ظهور و قیام پر شکوه] بنده [برگزیده] و خلیفه
شایسته ات را بدان وسیله که کار پیام آوران و فرستادگان
گرانقدرت را بسامان آوردی، آنگونه که زینده است، بسامان
آر، و او را [از سر مهر] با انبوه فرشتگان بشمارت در بر گیر،
و بوسیله فرشته وحی از جانب خود نیرویش بخش، و از پیش
رو و پشت سرش مراقباتی روان ساز، تا او را از هر رخداد بد و
ناخوشایند محافظت کنند، و نگرانی و هراسش را به امنیت و
آرامش خاطر تبدیل نما، که او تنها تو را میپرستد و نظیر و
همتائی برای تو نخواهد گرفت، و به هیچ يك از پدیده ها و
آفریدگانت ذره ای چیرگی و اقتدار به زیان دسوت [و
سر رشته دار امور بندگانت] قرار مده، و اجازه پیکار بر ضد
دشمنان و دشمنانش را به او عنایت فرما، و مرا از یاران
پاك باخته اش قرار ده، که تو [ای آفریدگار من] بر انجام
هر کاری توانائی.

ولادت آن اختر تابناک:

در پگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری آفتاب عالمتابی رخ نمود که پرتوهای پرتوانش رمق در کالبد انسانیت دمید و مایه هستی کائنات گردید. سرانجام وعده های الهی علیرغم اقدامات منکران حضرتش به وقوع پیوست و حضرت مهدی (علیه السلام) متولد گردید، و کوششهای خلفای اموی و عباسی و مخالفین آن حضرت که مذبوحانه برای خاموش کردن نور خدا قیام کرده بودند، مفتضحانه به ناکامی کشیده شد.

چرا که هر گاه اراده خداوندی بر امری تعلق گیرد کسی توان گردنکشی و مبارزه با آن را نخواهد داشت، آیا ممکن است وعده های قطعی الهی تحقق نپذیرد، و شیادان زورگو، عنان گسیخته با مقدرات و سرنوشت رقم خورده الهی به پیکار برخیزند؟

باری در سحرگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری امام حسن عسکری (علیه السلام) سیمای ملکوتی و درخشان فرزندش را دید، سیمای فرزندی که سالیان دراز زندگانی خواهد کرد و تمام وعده ها و بشارات الهیه را تحقق خواهد بخشید.

امامت آن بزرگوار:

آن حضرت فرزند خود را دور از دسترس دشمنان و اغیار قرار می داد، و تنها گهگاه شیعیان با فضیلت به حضورش بار می یافتند، تا آنکه در سال ۲۶۰ هجری امام حسن عسکری (علیه السلام) رحلت فرموده و امر

ولایت الهی به آخرین گوهر تابناک خاندان پیامبر، حضرت صاحب الامر (علیه السلام) رسید.

هر چند آن بزرگوار در میان خلق ظاهر نمی شدند اما افراد مورد اعتمادی مرتب خدمت ایشان رسیده و مشکلات شیعیان را عرض نموده و راهنمائیها و فرامین آن پرتو فروزنده الهی را به مردم ابلاغ می کردند، این اشخاص که از نظر ایمان و پرهیزکاری و اعتماد و وثوق، سرآمد مسلمانان آن دوره بودند، واسطه بین مردم و آن حضرت بشمار می رفتند و راهنمائیها و ارشادات ایشان را به مردم می رساندند.

از میان نواب آن حضرت چهار نفر مشهورتر و خاص تر می باشند، که واسطه بین ایشان و عموم مردم بوده و به نواب اربعه معروفند و عبارتند از: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان بن سعید عمری، حسین بن روح نوبختی، علی بن محمد سیمری.

غیبت کبری آن حضرت:

نواب اربعه سالیانی واسطه فیض بین امام و مردم بودند، تا آنکه در سال ۳۲۹ هجری این طومار بسته شد و بر اساس مشیت الهی غیبت کبری آن حضرت آغاز گردید، همان غیبتی که از مدتها پیش پیامبر و امامان شیعه بدان خبر داده بوده، و مسلمانان در آن دوره آزمایش می شوند، تا هنگامیکه حضرتش بفرمان پروردگار توانا ظهور کرده و لباس تحقق بر آرمانهای الهی بپوشاند.

از سال ۳۲۹ هجری که غیبت کبری آغاز می گردد باب نیابت خاصه آن حضرت مسدود می شود، و در دوران غیبت هر کسی ادعای بابیت و نیابت کند بنا به تصریح خود ایشان دروغگوست.

در احادیث ائمه (علیهم السلام) فائده امام را در زمان غیبت به فائده خورشید، آن هنگام که در پس ابرها قرار دارد تشبیه کرده اند، هم چنان که خورشید در پس ابر نیز سبب حیات و بقای جانداران است امام در حجاب غیبت نیز مایه هستی و دوام جهان آفرینش است.

در زمان غیبت بسیاری از افراد به خدمت حضرتش بار یافته و به زیارت آن بزرگوار فائز گشته اند، اما هیچ يك ادعای نیابت ننموده اند. آری! ایشان آفتاب را به چشمان خود دیده اند و قلبهایشان مالا مال از ایمان به امام عصر (علیه السلام) شده است.

این افتخار ویژه برخی از دانشمندان والامقام شیعه نبوده بلکه بسیاری از مردم پارسا و عامی نیز به این افتخار نائل آمده اند، حتی با کمال تعجب کسانی را می بینیم که در گناهان و اعمال ناشایست غوطه ور بوده اند اما پس از آنکه واقعا پشیمان شده و توبه کرده اند و قلبشان از محبت مولای خود لبریز شده به این شرافت کبری رستگار شده اند.

همچنین در دوران غیبت برای افراد و بزرگانی از علمای اسلام توقیعی از جانب آن حجت بر حق صادر گردیده که در آنها حل دشواریها و مسائل جدید ذکر و راهنماییهای لازم آمده است. شیعه هم اکنون در دوران غیبت کبرای امام خود بسر برده و حساس ترین لحظات خود را می گذراند.

در احادیث آنگاه که از غیبت ولی عصر (علیه السلام) صحبت می شود، به شدت و دشواری این امتحان الهی که همان عدم حضور امام است اشاره شده، چگونگی ایمان این شیعیان را با ایمان آورندگان انگشت شمار نوح پیامبر، که پس از امتحان دشوار بر آن حضرت باقی ماندند، تشبیه شده است.

مهدی (علیه السلام) در سائر مذاهب:
البته شیعه در این عقیده تنها نیست، بلکه او در این راه پیشتاز کاروانی
است که دین باوران و دیگر مردمان را نیز با مسافتهای کم و زیاد بدنبال
دارد، زیرا که آرمان پیروزی صالحان در انجام جهان و پیدائی راهبری
یگانه و رهنمایی الهی، فصل مشترك تمام یا بیشتر باورداران به
مذاهب راستین خدایی است، و آنچه که شیعه را به کاروان سالاری این
قافله رسانده، روشنی افزون تر زوایای این عقیده و چهره درخشان آن در این
مکتب می باشد، که ویژگیهای " راهبری "، " رهبری "، " هنگامه ظهور " و دیگر
مسائل تشکیل آن حکومت جهانی در تمامی ابعاد آن طرح شده است، و از
اینرو است که انتظاری واقعی با برخورداری از آمادگی و تحرك در شیعه
بوجود آورده است.

جمعی از متفکران بشر در گذشته و حال طرحهایی مشابه را برای
آینده پیشنهاد می کنند، که " مدینه فاضله افلاطون " نموداری بر
عقیده مندی گذشتگان، " اتوپیا "، " جورجیا " و " کشور خورشید " نمودی از
تلاش جاری

بشر در تدارك و طرح ریزی آن آینده بهشت گونه است. چرا که تکنولوژی
پیشرفته نتوانسته است او را غنی سازد بلکه بر سرگردانی و یأس او افزوده،
و می یابد که نیازمند رهبری است تا نابسامانیش را به سامان رساند، و شیعه
پیشتاز کاروانیانی است که حل نهایی مسائل جامعه اسلامی را در سایه
راهبری الهی می جویند.

وظیفه ما در دوران غیبت:

ما اکنون در زمان غیبت کبرای آن حضرت قرار گرفته ایم، وظیفه ما

چیست و چه مسئولیتهائی بر دوش ما است؟
بی گمان اولین وظیفه ما آشنائی با خود آن حضرت است، او را شناخته و به او مأنوس باشیم، شناسایی آن حضرت بقدری پر اهمیت و حساس است که در حدیثی از پیامبر خدا چنین می خوانیم:
" هر کس از دنیا رود، در حالی که نسبت به امام زمانش عرفان و شناخت نداشته باشد، همچون کسی است که در دوران جاهلیت مرده است "

مرگ در دوران جاهلیت یعنی از اسلام و ایمان بی بهره بودن، و پیداست آن کسی که امام زمانش را شناخته باشد در زمره بی ایمانان معرفی شده است.

وظیفه دیگر شیعیان در زمان غیبت مسأله انتظار فرج است که ائمه علیهم السلام مکررا بدان اشاره فرموده اند.

" منتظر " کسی است که خود را برای ظهور امام خود آماده کند، ویژگیها و صفات یاوران آن حضرت را دارا باشد و از بذل جان و مال خویش در راه او دریغ نرزد، از اینرو ست که امام صادق (علیه السلام) می فرماید:
" آن کس که منتظر امر ماست همانند کسی است که در راه خدا در خون خود غوطه ور باشد. "

در حدیثی دیگر از آن حضرت در شأن یاوران حضرتش چنین آمده است:

" هر که شور یاوری قائم را دارد باید انتظار کشد، در حال انتظار پرهیزکارانه عمل کند و رفتار نیکو و شایسته پیش گیرد، این چنین فردی اگر هم مرگ را در آغوش کشد، و قائم، پس از مرگش قیام نماید، پاداشی همچون یاران و یاوران حضرت را خواهد داشت، پس بکوشید و منتظر

باشید، (و این کوشش و انتظار) گوارایتان باد ای گروه آمرزیده! " پس از خدا بخواهیم تا از منتظران امام زمانمان باشیم، اعمال و رفتارمان نیز نشان دهنده درستی ادعایمان باشد، ابتدا خود در مسیر شناسایی حضرتش گام برداریم، و سپس دیگران را نیز دلالت کنیم، منکران و مخالفان حضرتش را ارشاد و راهنمایی نماییم، ویژگیهای یاوران حضرت مهدی (علیه السلام) را داشته و هر لحظه منتظر باشیم تا آن حضرت ظهور کرده، آنگاه جان بی ارزش خود را با فداکردن در قدمش ارزشمند و گرانقدر نماییم.

آری! شیعه در زمان غیبت باید پیوسته در سرش شور او، قلبش مالامال از عشق به او، سینه اش لبریز از محبت او، اندیشه اش جانفشانی در رکاب او، آرزویش دیدار او، دعایش صلوات بر او، نیایشش گشایش فرج او، وجودش يك پارچه سوز و گداز، و هستی اش شعله ای زبانه کشیده از عشق او باشد.

و این اثر تلاشی است هر چند ناچیز در جهت شناساندن هرچه بیشتر آن حضرت با این آرزو که تحفه ای باشد درویشانه به پیشگاه سلیمان زمانه.

جعلنا الله بحقه من الفائزين بلقاءه في غيبته

و من انصاره واعوانه بعد ظهوره

جواد قیومی اصفهانی

۱ / ۴ / ۱۳۷۳

فصل اول

نیایشها و ادعیه آن حضرت

- ۱ - ادعیه آن حضرت در ثناء الهی و درخواست حوائج از او
- ۲ - ادعیه آن حضرت در صلوات بر پیامبر و خاندانش
- ۳ - ادعیه آن حضرت در مورد نماز و آنچه بدان ارتباط دارد
- ۴ - ادعیه آن حضرت در رفع شدائد و مهمات
- ۵ - ادعیه آن حضرت در زوال اندوهها و قضاء حوائج
- ۶ - ادعیه آن حضرت در پنهان شدن از دشمنان و دفع خطرات
- ۷ - ادعیه آن حضرت در ماه رجب
- ۸ - ادعیه آن حضرت در ماه مبارك رمضان
- ۹ - ادعیه آن حضرت در امور متفرقه
- ۱۰ - ادعیه آن حضرت در زیارات

۱ - ادعیه آن حضرت در ثناء الهی
و درخواست حوائج از او
در تسبیح و تنزیه خداوند، در روز هجدهم ما تا آخر آن.
در امور دنیا و آخرت.
برای نیازمندان و بیماران و سائر مؤمنان.
برای گشایش کارها.
برای بخشیده شدن گناهان شیعیان.

(۱) دعای آن حضرت

در تسبیح و تنزیه خداوند، در روز هجدهم ماه تا آخر آن پاك و منزه است خداوند به تعداد مخلوقاتش، پاك و منزه است خداوند تا آنگاه که خشنود گردد، پاك و منزه است خداوند بشمارش موجوداتش، پاك و منزه است خداوند به اندازه وزن عرش او، و حمد و سپاس مخصوص خداوند است همانند این مقادیر.

(۲) دعای آن حضرت

در امور دنیا و آخرت

بارالها! بما توفیق فرمانبرداری، و پرهیز از گناه و نافرمانی، و نیت پاك و بی آلایش، و شناخت و معرفت به آنچه نزد تو ارزشمند است، عطا فرما، و ما را به هدایت و پایداری گرامی دار، و زبان ما را به صدق و صواب بر کلام حکیمانه و شایسته گویا ساز، و دل ما را از علم و معرفت لبریز فرما، و شکم ما را از طعام حرام و شبهه ناك پاك بگردان، و دست ما را از ظلم و تعدی و تجاوز بازدار، و چشم ما را از گناه و خیانت محفوظ بدار، و گوش ما را از شنیدن سخنان بیهوده و غیبت مسدود گردان.

و به دانشمندان ما زهد و بی رغبتی به دنیا و نصیحت و خیر خواهی،
و به دانش آموزان ما جدیت و شوق و رغبت، و به شنوندگان پیروی و
پندپذیری، و به بیماران مسلمان شفا و آسایش، و به مردگان آنان رأفت و
رحمت، و به پیرمردان ما وقار و متانت، و به جوانان بازگشت بسوی تو و
توبه، و به زنان حیا و عفت عنایت کن.

و به ثروتمندان تواضع و سعه صدر، و به فقیران صبر و قناعت، و به
رزمندگان نصرت و پایداری، و به اسیران آزادی و آسایش، و به امیران و
فرماندهان دادگری و مهربانی، و به مردم انصاف و سرشت نیک عطا فرما.
و به توشه و سرمایه حجاج و زائران برکت عنایت کن، و حج و
عمره ای که بر آنان واجب ساخته ای را ادا فرما، به فضل و رحمتت ای
مهربانترین مهربانان.

(۳) دعای آن حضرت

برای نیازمندان و بیماران و سائر مؤمنان
پروردگارا! تو را سوگند می دهم به حق کسی که با تو مناجات می کند، و
به حق آنکه در خشکی و دریا تو را می خواند، بر مردان و زنان مؤمن فقیر
بی نیازی و ثروتمندی، و به بیماران از زنان و مردان مؤمن شفا

و تندرستی، و به زندگان از آنان لطف و بخشایش، و به درگذشتان آنان
آمرزش و رحمت، و به دورماندگان از وطن از ایشان بازگشت به وطنهایشان
همراه با سلامتی و موفقیت، تفضل فرما، به حق محمد و تمام خاندان او.

(۴) دعای آن حضرت

برای گشایش کارها

ای آنکه پس از بسته شدن کارها راه گشایشی از برای ما می گشاید که
اوهام بدان راه ندارد، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و برای اموری
که مرا در تنگنا قرار داده راه گشایشی قرارده که اندیشه ای بدان راه ندارد،
ای مهربانترین مهربانان.

(۵) دعای آن حضرت

برای بخشیده شدن گناهان شیعیان

پروردگارا! شیعیان ما از شعاع انوارمان و باقیمانده طینت ما آفریده
شده اند، و ایشان بر اساس تکیه بر محبت و ولایت ما گناهان بسیاری را
انجام داده اند.

اگر گناهانشان بین تو و ایشان مانع ایجاد کرده از آنان درگذر، ما از
ایشان خشنود شده ایم، و خطاهایی که بین خودشان مرتکب شده اند را

در برابر خمس ما برایشان ببخشای، و آنان را در بهشت وارد ساز و از دوزخ دور گردان، و ایشان را شامل غضبی که بر دشمنانمان روا می داری، قرار نده.

۲ - ادعیه آن حضرت در صلوات بر پیامبر و خاندانش
در صلوات بر پیامبر و خاندانش
در صلوات بر پیامبر و خاندانش، به آل یس.

(۶) دعای آن حضرت

در درود بر پیامبر و خاندانش
بنام خداوند بخشنده بخشایش گر، پروردگار! درود فرست بر محمد
برترین فرستاده شده و آخرین پیامبر و حجت پروردگار جهانیان، کسی که
در عالم ذرو میثاق انتخاب گردیده، و در عالم اشباح و سایه ها برگزیده شده
است، کسی که از هر آفتی دور، و از هر عیبی منزّه می باشد، آنکه امید
نجات و شفاعت به او بوده، و دین خداوند به او واگذار شده است.
بار الها! بنیادش را بلند، و دلیلش را محکم، و حجتش را روشن، و
درجه اش را بلند، و نورش را درخشنده، و رویش را سپید گردان، و به او
فضل و مرتبه ای بلند، و رفعت و مقامی برتر عطا فرما، و او را در مرتبه
پسندیده ای مبعوث گردان که اولین و آخرین بر او غبطه خورند.
[خداوندا!] و درود فرست بر علی امیر مؤمنان و وارث رسولان و
پیشوای سپید رویان و سید اوصیاء و حجت پروردگار جهانیان، و درود
فرست بر حسن بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت

پروردگار جهانیان، و درود فرست بر حسین بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان.
و درود فرست بر محمد بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان، و درود فرست بر جعفر بن محمد پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان، و درود فرست بر موسی بن جعفر پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان.
و درود فرست بر علی بن موسی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان، و درود فرست بر محمد بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان، و درود فرست بر حسن بن علی بن محمد پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان، و درود فرست بر حسن بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان.

و درود فرست بر خلف صالح هدایتگر و هدایت شده، پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان.
پروردگارا! درود فرست بر محمد و خاندانش، امامان هدایتگر هدایت شده، دانشمندان راستگوی، نیکان تقوی پیشه، ستونها و پایه های توحیدت، و بازگو کنندگان وحیت، و حجت های تو بر آفریدگانت، و جانشینان

تو در زمینت، کسانی که برای خویش اختیار کرده و بر بندگانت برگزیدی، و برای دینت پسندیده، و به شناخت اختصاص دادی، و جامه کرامت را بر اندامشان پوشانده، و مشمول رحمتشان گردانیدی، و به نعمت پرورش داده، و ایشان را سرشار از حکمت خود نمودی، و نور خویش را برایشان پوشانده و در اوج ملکوت بالا بردی، و بوسیله فرشتگانت آنان را احاطه نموده و به پیامبرت شرافتشان بخشیدی.

خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی جاودانه و بسیار پاکیزه که جز ذات تو آن را احاطه نکند، و جز علم تو آن را در نیابد، و شمارش آن در توان کسی جز تو نباشد.

بار الها! درود فرست بر ولایت که احیاگر سنتت، به پا خاسته به امرت، دعوت کننده بسویت، دلالت کننده بر تو، و حجت تو بر خلقت، و خلیفه ات در زمینت، و گواه و شاهد تو بر بندگانت می باشد.

پروردگارا! پیروزی را محکم، و عمرش را طولانی نما، و زمین را با طولانی شدن عمرش زینت بخش، خداوندا! از تجاوز حسودان او را نگهدار، و از شر نیرنگ بازان در پناه خویش مصونش دار، و خواسته های [شوم] ستمگران را از او دور فرما، و او را از دست سرکشان رها ساز. بارالها! در مورد خود و فرزندانش، و شیعیان و دوستدارانش، و خاص و عام او، و دشمنش و تمام اهل دنیا، به او آنچه که

چشمش را به آن روشن ساخته و دلش را با آن خرسند گردانی، عطا فرما، و او را به برترین آرزویش در دنیا و آخرت برسان، که تو بر هر چیز توانائی. پروردگارا! به [ظهور] او آنچه از دینت محو شده را تجدید گردان، و هرچه از کتابت تحریف شده را احیا کن، و احکامی که تغییر یافته را آشکار ساز، تا اینکه دین تو به او و بر دست او دوباره تازگی و شادابی و خلوص و بی پیرایگی یابد، که شکی در آن نبوده و شبهه ای به آن راه نیافته، و باطلی کنارش نمانده، و بدعتی در پیشگاهش یافت نشود.

خداوندا! به نور او هر تاریکی را روشن، و به استواری او هر بدعتی را از جای برکن، و هر گمراهی را با قدرتش منهدم نما، هر سرکشی را با او درهم شکن، و با شمشیرش هر آتشی را خاموش ساز، و هر ستمگر را به عدالت او هلاک گردان، و حکمش را بر هر فرمانی برتری ده، و هر سلطه ای را برای حکومتش خوار فرما.

بار الها! هر آنکه با او ستیزه کند را ذلیل کن و هر که با او دشمنی ورزد را هلاک گردان، و نیرنگ هر که به او نیرنگ زند را بی اثر ساز، و هر که حقش را انکار نماید، و امرش را سبک شمارد، و در پی خاموش کردن نورش تلاش کند، و قصد فرونشاندن نامش را داشته باشد را از ریشه برکن. خدایا! درود فرست بر محمد مصطفی، و علی مرتضی، و فاطمة زهرا، و حسن راضی به قضایت، و حسین برگزیده، و تمام اوصیاء و جانشینان پیامبر، چراغهای روشنگر تاریکی، و نشانه های هدایت، و پرتوهای تقوی، و دستگیره محکم و ریسمان قوی و راه راست.

و درود فرست بر ولی خودت و والیان عهد او و امامان از فرزندانش،
و عمر هایشان را طولانی کرده و بر اجلهایشان بیفزای، و آنان را به آخرین
مرحله آرزوهایشان در دنیا و آخرت برسان، که براستی تو بر هر چیز
توانائی.

(۷) دعای آن حضرت

در صلوات بر پیامبران و خاندانش، بنام آل یس
سلام بر آل یاسین [خاندان پیامبر]، سلام بر تو ای دعوت کننده خلق
بسوی خدا، و مظهر آیات الهی و ائینه صفات ربانی حق متعال، سلام بر تو
ای درگاه [رحمت] خدا، و بر پا دارنده دین او، سلام بر تو ای جانشین خدا
و نصرت بخش [دین] او، سلام بر تو ای حجت خدا و رهنمای بندگان به
مقاصد الهی و خواسته های پروردگار.
سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و مفسر آن، سلام بر تو در تمام

ساعات شب و روزت، سلام بر تو ای باقیمانده حجت‌های او در زمین، سلام بر تو ای عهد و پیمان خداوند که پروردگار آن را [در عالم ارواح] از خلق گرفت و آن را محکم و موکد گردانید، سلام بر تو ای وعده تضمین شده خداوند. سلام بر تو ای پرچم افراشته، و علم موهوبی الهی، و پناه خلق، و رحمت واسعه خدا، که وعده او [در ظهور و قیام تو] هرگز تخلف پذیر نیست.

سلام بر تو آنگاه که قیام می کنی، سلام بر تو آن هنگام که می نشینی، سلام بر تو آن زمان که [قرآن را] خوانده و تفسیر می کنی، سلام بر تو هنگامیکه به نماز ایستاده و قنوت می خوانی، سلام بر تو در آن هنگام که به رکوع و سجده می روی، سلام بر تو هنگامیکه لا إله الا الله والله اکبر می گوئی، سلام بر تو در آن هنگام که به ستایش خدا و استغفار می پردازی، سلام بر تو در صبحگاهان و شامگاهانت، سلام بر تو در شب و روز. سلام بر تو ای امام ایمنی بخش، سلام بر تو ای مقدم و ای مورد آرزوی مشتاقان، سلام بر تو با تمام جوانب و مراتب سلام و تحیت. ای مولای من! تو را گواه می گیرم بر اینکه شهادت می دهم که هیچ خدائی جز خدای یکتا نیست، و هیچ شریکی ندارد، و این که حضرت محمد بنده خدا و فرستاده اوست، و خداوند غیر او و خاندانش حبیب و دوستی ندارد.

ای مولایم! و تو را گواه می گیرم که حجت‌های خداوند: أمير المؤمنين،

و حسن، و حسین، و علی بن حسین، و محمد بن علی، و جعفر بن محمد،
و موسی بن جعفر، و علی بن موسی، و محمد بن علی، و علی بن محمد، و
حسن بن علی می باشند، و شهادت می دهم که تو حجت خداوندی.
شما اولین و آخرین [موجود] می باشید، و رجعت شما حق است و
در آن هیچ شکی نمی باشد، در آن روز که ایمان هیچ کس - اگر پیش از آن
روز ایمان نیاورده باشد یا ایمانش باعث کسب خیر نشده باشد - به او سودی
نمی دهد، و شهادت می دهم که مرگ حق است، سنجش اعمال حق است،
حشر حق است، محاسبه حق است، بهشت و جهنم حق است، وعده به
بهشت و ترساندن از جهنم حق است.

ای مولایم! شقی و بدبخت کسی است که با شما خاندان رسالت
مخالفت کند، و کسی سعادت مند است که طاعت شما را گردن نهد، پس ای
مولایم گواهی ده بر آنچه تو را بر آن گواه گرفتم، و من دوست تو و بیزار از
دشمنت می باشم، حق آنست که شما آن را بپسندید، و باطل آنکه شما بر آن
خشم آورید، کار نیکو آنست که شما بدان امر نمائید، و عمل زشت عملی
است که شما از آن نهی کنید.

پس من به خدای یکتای بی شریک ایمان دارم، و به پیامبرش و به امیر
مؤمنان و به همه شما معتقدم، ای مولای من به فرد اول و آخر شما اعتقاد

داشته و یاریم برای شما مهیا است، و دوستیم نسبت به شما خالصانه است، خداوندا همه این دعاها را مستجاب فرما.

دعای بعد از این زیارت:

خداوندا! از تو می خواهم که بر پیامبر رحمت و کلمه نورانیت درود فرستی، و دلم را از نور یقین، و سینه ام را از نور ایمان، و فکر و اندیشه ام را از نور نیات خالصانه، و عزم و اراده ام را از نور علم، و توانم را از نور عمل، و زبانم را از نور صدق و راستی، و دینم را از نور بصیرتها از جانب خود، چشمم را از نور دیدن، گوشم را از نور شنیدن، و دوستیم را از نور دوستی و ولایت محمد و خاندانش - که بر تمامی آنان سلام باد - لبریز فرما، تا اینکه تو را ملاقات کنم، در حالی که بعهده و پیمانت وفا کرده باشم، و تو نیز مرا غرق در رحمت خود گردانی، ای مولا و ای ستوده.

بارها! بر محمد [امام زمان]، حجت در زمینت، جانشینت در شهرهایت، دعوت کننده خلق براهت، قیام کننده به اجرای عدالت، و برانگیزنده مردم به امر تو، درود فرست.

او دوست و سرپرست مؤمنان، نابود کننده کافران، فروغ بخش ظلمت و تاریکی، آشکار کننده حق، گویا بحکمت و راستی، کلمه تو در زمینت، مراقب و در انتظار [فرمانت] و خائف و ترسان می باشد. مولای خیر خواه، کشتی نجات، و نشانه و راهنمای هدایت، و نور دیدگان

خلائق، و بهترین فرد که ردای [امامت] پوشید، و بینا کننده نابینایان است، و او کسی است که زمین را از عدل و داد پر می کند، همانگونه که از ظلم و ستم لبریز شده باشد، و تو بر هر چیز توانائی.

خداوندا! درود فرست بر ولایت و فرزند اولیاءت، آنان که به اطاعتشان امر کرده و حق آنان را واجب ساخته، و پلیدی و نقص را از ساحت ایشان زدودی، و پاک و منزهشان قرار دادی، بارالها! او را یاری کن و بسبب او دینت را یاری بخش، و بواسطه او دوستانت، و شیعیان و دوستانش و یارانش را امداد نما، و ما را نیز از آنان قرار ده.

خدایا! تو آن بزرگوار را از شر هر فرد سرکش و طغیان گر، و از شر همه خلق خود در پناهت حفظ نما، و آن حضرت را از پیش رو و از پشت سر، و طرف راست و چپ محفوظ دار، و از رسیدن هر امر ناگوار و آسیب نگهدار،

و بسبب او پیامبر و خاندانش را محافظت کرده، و بواسطه او عدل را ظاهر کن، او را با کمک خود تأیید کرده، یارانش را یاری فرما، و آنان که از یاری او سرباز زنند را بخودشان واگذار.

و جباران کافر را به واسطه او درهم شکن، کافران و منافقان را توسط او بقتل برسان، و تمام ملحدان را در شرق و غرب زمین، و در سرزمینها و دریاهاى جهان، بوسیله حضرتش نابود ساز، و به ظهورش زمین را پر از عدل و داد کن، و دین پیامبرت - که درود خدا بر او و خاندانش باد - آشکار فرما.

پروردگارا! مرا از یاران و انصار و پیروان و شیعیان آن حضرت قرار ده،

و آنچه را که خاندان پیامبر آرزومندند، و آنچه که دشمنانشان از آن در هراسند را به من [با ظهور مولایم] بنمایان، ای خدای حق دعایم را مستجاب فرما، ای صاحب جلال و بزرگواری و بخشش، و ای مهربانترین مهربانان.

و در روایت دیگر این دعا این گونه آمده است:

سلام بر آل یاسین [خاندان پیامبر]، و این فضل آشکاری است، و خداوند برای کسی که او را به راه راست هدایت کند صاحب فضل عظیم و بزرگ است، ای آل یس خداوند خلافت خود و دانش مقدراتش در آنچه در جهان تدبیر فرموده و حکم کرده و اراده نموده، را به شما ارزانی داشت، و حجابها را برای شما بر طرف نمود.

و شما خازنان علم او، و گواهان و دانایان و امینان او، و سیاست مداران بندگان، و ارکان شهرها و مجریان احکام، و درهای ایمان، و فرزندان پیامبران، و برگزیدگان رسولان و خاندان برگزیده پروردگار جهانیان می باشید.

و از تقدیرات الهی عطای محتوم و لازم اوست برای شما، هیچ چیزی نمی باشد جز آنکه سبب و علت آن شما هستید و راه آن بسوی شماست، اختیار الهی برای دوستان شما نعمت، و غضب او انتقام خداوند از دشمنانتان می باشد، راه نجات و فراری جز شما نبوده و غیر از شما راه فراری نیست، ای چشمان بینای الهی، و حاملان دانش او، و جایگاههای توحید او در زمین و آسمانش.

و تو ای مولای من و ای حجت الهی باقیمانده کمال نعمت او، و
جانشین پیامبران و خلفای او در تمامی زمانها، و رجعت کننده، که تحقق
بخش وعده الهی در حکومت حق و گشایش ما، و یاریگر ما و عزت بخش
ما می باشی.

سلام بر تو ای پرچم افراشته، و ای دانش سرشار، و پناه و رحمت
گسترده، و وعده ای که متحقق خواهد شد، سلام بر تو ای بینا و شنوا، که
موثیق او در دیدگاه خدا و عهدهایش بدست او و سلطنتش به یاری اوست.
تو حکیمی هستی که غضب او را در انجام کار به تعجیل وا نمی دارد،
و بزرگواری هستی که نگاهداشتن چیزی او را بخیل نمی کند، و دانایی
هستی که تعصب تو را به جهل دچار نمی سازد، جهاد تو در راه خدا با
مشیت الهی توام، و مقاومت تو در راه او انتقام او، و صبر تو در راهش او
صبر الهی، و شکر تو در بر دارنده رحمت و فضل الهی برای توست.
سلام بر تو ای که در حفاظت خدایی، خداوند نور پیشاپیش و پشت
سر، و سمت راست و چپ، و بالا و پائین او می باشد، سلام بر تو ای که نور
دیدن و شنیدنش در قدرت الهی نگاهداری شده است. سلام بر تو ای وعده
ضمانت شده الهی، ای کسی که پیمان او گرفته شده و مؤکد گردیده است،

سلام بر تو ای خواننده بسوی خدا و ائینه صفات او، سلام بر تو ای خلیفه الهی و یاور حق.

سلام بر تو ای حجت الهی و دلیل اراده او، سلام بر تو ای خواننده کتاب الهی و مبین آن، سلام بر تو در تمامی لحظات شب و روز، سلام بر تو ای باقیمانده خدا در زمینش، سلام بر تو آنگاه که بر مخیزی، سلام بر تو آن هنگام که می نشینی، سلام بر تو در زمانیکه می خوانی و تفسیر می کنی، سلام بر تو هنگامی که نماز خوانده و قنوت می گیری.

سلام بر تو آن هنگام که به رکوع و سجده می روی، سلام بر تو آن زمان که به خدا پناه برده و او را مستایی، سلام بر تو آنگاه که به وحدانیت او گواهی داده و او را تکبیر می گویی، سلام بر تو هنگامی که حمد و ستایش او گفته و استغفار می کنی، سلام بر تو در آن زمان که به تمجید و تسبیح خدا می پردازی.

سلام بر تو در شامگاهان و صبحگاهان، سلام بر تو آنگاه که تاریکی شب فرا می رسد، و آن گاه که روشنائی روز در جهان پهنه می گستراند، سلام بر تو در دنیا و آخرت، سلام بر شما ای حجت‌های الهی و حافظان ما، و هدایت گران ما و خوانندگان ما بسوی او، و رهنمایان و پیشوایان ما. سلام بر شما، شما نور ما و آبروی ما در هنگام نماز، و حافظان ما می باشید، و دعاهایمان و نمازها و روزه‌ها و استغفارها، و تمامی اعمالمان از شما می باشد.

سلام بر تو ای امام امین، سلام بر تو ای امام آرزو کرده شده، سلام بر تو با تمامی جوانب سلام.

ای مولایم! گواهی بده که من شهادت می دهم به وحدانیت خداوند و عدم شریک برای او، و این که محمد بنده و فرستاده اوست، دوستی برای خدا جز او و خاندانش نمی باشد.

و این که امیر المؤمنین و حسن و حسین، و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد، و موسی بن جعفر و علی بن موسی، و محمد بن علی و علی بن محمد، و حسن بن علی و تو، حجت‌های الهی می باشید، و پیامبران خوانندگان و هدایت گران راه شمایند.

شما اول و آخر و پایان می باشید، رجعت شما حق بوده و شکی در آن نیست، و [در آن روز] که ایمان هیچ کس - اگر پیش از آن روز ایمان نیاورده باشد یا در آن خیری کسب نکرده باشد - به او سودی نمی دهد. و مرگ حق است و حساب گران در قبر منکر و نکیر حق می باشند، برانگیختن و مبعوث شدن حق بوده، و صراط و کمین گاه الهی، و میزان

و حساب رسی حق است، و بهشت و جهنم حق و پاداش به این دو به خاطر وعده و وعید الهی حق است، و شفاعت شما حق است و رد نخواهد شد، از مشیت الهی سبقت نگرفته و به فرمان او عمل می کنید.

و رحمت و قدرت از آن اوست، و نیکی و نعمت بدست اوست، جن و انس را برای بندگی خلق کرده و از بندگانش همین انتظار را دارد گروهی شقی وعده ای سعادت مند می شود، شقی کسی است که با شما مخالفت نموده و پیروان شما سعادت مند می باشند.

و تو ای مولای من بر آنچه تو را گواه گرفتم گواه باش، نزد خود از آن نگاهبانی کن، تا بر آن مرده و بر آن برانگیخته شوم، و بر اساس آن بعنوان دوست تو و بیزار از دشمنانت، و متنفر از کسانی که بدخواه شمایند، و دوستدار دوستدارانت معرفی گردم.

حق چیزی است که شما از آن خشنود باشید و باطل امری است که مبعوض شما باشد، کار نیک کاری است که بدان امر کرده، و کار زشت عملی است که از آن نهی نموده باشید، و حکم ثابت الهی حکمی است که اراده شما بدان تعلق گرفته، و حکم تغییر پذیر حکمی است که بر اساس راه شما نباشد.

پس معبود حقی جز خدا نبوده و شریکی برای او نیست، و محمد بنده و رسول اوست، و علی امیر المؤمنین و حسن و حسین، و علی و محمد

و جعفر، و موسی و علی و محمد، و علی و حسن و تو، حجت خدائید، شما حجج الهی و برهان و دلیل او هستید.

ای مولایم! از بیعتی که خداوند از من گرفته، و آن مرگ در راه اوست، که جان مؤمنین را بدان خریده باشد خرسند می باشم، پس جانم به خداوند بزرگ که شریکی ندارد و به رسول او و به امیر المؤمنین و به شما ای موالیان من، به اولین و آخرین شما، مؤمن می باشد و یاری من برای شما آماده و محبتم تنها برای شماست، و بیزاریم از دشمنانتان که اهل نبرد و جدالند ثابت و برای انتقام آماده است، من دوستدار شما هستم، و خداوند معبود حق مرا این گونه قرار می دهد، خداوندا، اجابت فرما، اجابت فرما.

در آنچه بدان معتقد شدم، و بدان چنگ زدم جز تو کسی را ندارم، مرا در آنچه به تو نزدیک شدم نگاهبان باش، ای نگاهبان الهی و حجاب او و برکت او مرا بی نیاز گردان، نزدیک گردان، مرا دریاب، مرا به خود متصل گردان و منقطع نساز.

پروردگارا! تو سلم و نزدیکیم بسوی تو به آنان است، پروردگارا بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا به آنان متصل ساز و منقطع نکن، و به حجت مرا نگاهبان باش، و سلام تو بر آل یس، مولای من تو نزد خدایت و خدای من آبرومند می باشی، تو ستوده و بزرگواری.

پروردگارا! از تو می خواهم بنامت که بدان خلق کرده، و در تو بوده و نزد

فرد دیگری نیست، ای جاودان، ای خالق، ای برتر، ای منزّه، ای مهربان،
ای رؤوف، ای نیکی کننده.

از تو می خواهم هم چنان که او را تازه آفریدی، بر محمد پیامبر
رحمتت و مخلوق نورانیت، وجد هدایت گران رحمتت درود فرستی، و قلبم
را از نور یقین و سینه ام را از نور ایمان، و فکرم را از نور ثبات، و تصمیمم
را از نور توفیق، و اندیشه ام را از نور علم، و نیرویم را از نور عمل، و زبانم
را از نور صدق و راستی، و دینم را از نور بصیرت، و دیدگانم را از نور
دیدن، و گوشم را از نور پذیرش حکمت، و دوستیم را از نور دوستی
محمد و خاندانش، و جانم را از نور بیزاری از دشمنانشان پر گردان.
تا آنگاه که تو را دیدار کنم، و در حالی که به عهد و میثاقت وفا کرده
باشم، و پس رحمتت را شامل من گردان، ای دوست، ای ستوده، ای حجت
الهی، دعایم در معرض دید تو و در معرض شنوایی توست، پس حاجت‌هایم
را متحقق ساز، به تو پناه برده، با توام با توام با توام، شنیدنم و خشنودیم، ای
بزرگوار.

۳ - ادعیه آن حضرت در مورد نماز
و آنچه به آن ارتباط دارد.
برای توجه نمودن به نماز بعد از گفتن تکبیر
در رکوع نمازهای واجب
در قنوت
در حال قنوت
در تعقیب نمازهای واجب
در استخاره
در استخاره
در نماز حاجت و استخاره

(۸) دعای آن حضرت

برای توجه نمودن به نماز بعد از گفتن تکبیر
چهره ام را بسوی کسی قرار می دهم که آسمانها و زمین را خلق کرد،
در حالی که در راه مستقیم قرار داشته و تسلیم او هستم، و به دین حضرت
ابراهیم و محمد و هدایت حضرت علی قرار داشته و نسبت به خدا شریکی
قرار نداده ام.

نماز و اعمال و زندگی و مرگم برای پروردگار جهانیان بوده، شریکی
برای او نیست و بدین امر مأمور شده ام و از مسلمانان هستم.
پروردگارا! مرا از مسلمانان قرارده، از شر شیطان رانده شده به
خداوند شنوای دانا پناه می برم.

(۹) دعای آن حضرت

بعد از ذکر رکوع در نمازهای واجب
پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست، و بر ناتوانی ما رحم
نما، و به حق آنان بفریادمان برس.

(۱۰) دعای آن حضرت

در قنوت

پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست، و اولیائت را با قطعی
ساختن وعده ات گرامی دار، و آنان را به آنچه از یاریت امید دارند برسان،
و دشمنی کسی که به مخالفت تو برخاسته، و از محرمات تو سرکشی نموده
و آنها را انجام داده، و با کمک عنایات و نعمتهای تو در صدد از هم
گسستن حدت بر آمده، و با همان نعمتهایت قصد نیرنگ با تو را نموده، و
بردباری تو شامل حال او گردیده، را از ایشان بازدار، تا او را آشکار
برگیری، یا در حالی که مغرور شده باشد از ریشه برآوری.

پروردگارا! بدرستی که تو فرموده ای و فرموده است حق است: " آنگاه که
زمین سبزی و زینت به خود گرفت و اهل آن گمان کردند بر آن قادر هستند
امر ما در شب یا روز فرا رسید پس آن را نابود ساختیم گویا که دیروز هیچ

سبزه ای وجود نداشته، این چنین آیات را برای گروهی که اندیشه کنند شرح می دهیم"، و نیز فرموده ای: " پس چون ما را به خشم آوردند از آنان انتقام گرفتیم."

و براستی که آخرین فرصت نزد ما بسر آمده، و ما برای خشم تو غضبناک، بر یاری حق هماهنگ، و به آمدن فرمانت مشتاق، و برای تحقق یافتن وعده ات در انتظار بسر برده، و فرود آمدن عذابت را بر دشمنانت خواهانیم.

بارالها! پس در آن امر بما اذن ده، و راههایش را بگشای، و نحوه بیرون آمدن از آن را آسان گردان، و زمینه های پیمودنش را فراهم نما، و راههای آن را برویمان بگشای، و سپاهیان و یاورانش را تأیید فرما، و عذابت را بر ستمگران زودتر برسان، و شمشیر نعمت را بر دشمنان معاندت بگستران، و انتقام خونها را بگیر که تو بسیار بخشنده و مکر کننده ای.

(۱۱) دعای آن حضرت

در حال قنوت

پروردگارا! ای صاحب ملك هستی، به هر کس که خواهی ملك و سلطنت داده، و از هر که خواهی جامه ملك بدر می کنی، هر که را خواهی عزیز گردانده، و هر کسی را که بخواهی ذلیل می گردانی، خیر و نیکی در دست توست، براستی که تو بر هر چیز توانائی.

ای بزرگوار، ای بخشنده، ای صاحب جلالت و عظمت، ای بسیار

سخت گیرنده و صاحب قدرت، ای کسی که هر چه اراده کند انجام پذیرد، ای صاحب نیروی جاودانه، ای مهربان، ای زنده در هنگامیکه هیچ زنده ای وجود نداشته باشد، ای زنده.

پروردگارا! از تو می خواهم به آن اسم پنهان و پوشیده که در عالم غیب نزد خودت قرار داده ای، و هیچ يك از مخلوقات بر آن آگاهی ندارند، و از تو می خواهم به آن اسم که به آن مخلوقات را هرگونه که بخواهی در رحمتها شکل می دهی، و به آن اسم روزیهایشان را در چند طبقه تاریک از میان رگها و استخوانها می فرستی.

و از تو می خواهم به آن نامت که با آن میان دلهای دوستانت الفت داده، و نیز بین یخ و آتش هماهنگی برقرار کرده ای، که نه این آن را آب می کند و نه آن این را خاموش می سازد.

و تو را می خوانم به آن نامت که با آن طعم آبها را پدید آورده ای، و تو را می خوانم به آن نامت که با آن آب را در ریشه های گیاهان میان طبقات خاک جاری ساخته ای، و آب را به رگ و ریشه درختان در میان سنگ خارا فرستاده ای.

و از تو می خواهم به آن نامت که به آن طعم میوه ها و رنگ آنها را پدید آورده ای، و از تو می خواهم به آن نامی که با آن پدید آورده و باز

می گردانی، و تو را می خوانم به آن اسم یکتای بی همتای. تو که در وحدانیت یکتاست و در بی نیازی بی همتا. و تو را می خوانم به آن نامت که با آن آب را از سنگ سخت شکافته و از هر جا که اراده نمودی جاری ساخته ای، و تو را می خوانم به آن نامت که با آن خلقت را آفریدی، و هر گونه که خواسته ای و هر طوری که خواسته اند روزیشان داده ای. ای کسی که روزها و شبها او را تغییر ندهند، تو را می خوانم به آنچه نوح تو را با آن خواند، آن هنگام که تو را مخاطب قرارداد، پس او و همراهانش را نجات داده و قومش را هلاک نمودی.

و تو را می خوانم به آنچه خلیل تو ابراهیم با آن تو را خواند، آنگاه که تو را مخاطب قرارداد، پس او را نجات داده و آتش را به روی سرد و سلامت نمودی.

و تو را می خوانم به آنچه کلیم تو موسی تو را با آن خواند، پس دریا (رود نیل) را شکافتی و او و بنی اسرائیل را نجات داده و فرعون و قومش را در آن غرق ساختی.

و تو را می خوانم به آنچه روح تو عیسی تو را با آن خواند، آنگاه که تو را مخاطب قرار داد، پس او را از دشمنان نجات داده و بسوی خودت بالا بردی، و تو را می خوانم به آنچه حبیب تو و برگزیده و پیامبرت محمد، تو را با آن خواند، پس دعایش را اجابت کرده و از احزاب و گروهها نجاتش دادی و بر دشمنانت یاریش نمودی.

و از تو می خواهم به آن نامت که هرگاه با آن خوانده شوی اجابت می فرمایی ، ای کسی که خلق و امر از آن توست، ای آنکه دانش او همه چیز را فراگرفته، ای آنکه تعداد همه چیز را می داند.

ای آنکه روزها و شبها او را تغییر ندهند، و صداها بر او مشتبه نگردد، زبانها بر او پوشیده نمی ماند، و اصرار کنندگان او را به ستوه در نیاورند. از تو درخواست می کنم که بر برگزیدگان خلقت محمد و خاندانش با برترین درودهای درود فرستی، و بر تمامی پیامبران و فرستگانت که هدایت را از جانب تو تبلیغ کرده و پیمانهای اطاعتت را محکم نمودند، درود فرستی، و بر بندگان صالحت درود فرست.

ای آنکه خلف وعده نمی کنی، وعده ای را که به من داده ای تحقق بخش و اصحابم را برایم جمع کرده و آنان را صبور گردان، و مرا بر دشمنانت و دشمنان فرستاده ات یاری بخش، و دعایم را نا امید مگردان، که من بنده تو فرزند بنده ات، فرزند کنیزت هستم، اسیر درگاه توام. ای آقای من تو هستی که این مقام را بر من منت نهاده ای و از میان بسیاری از مخلوقات بر من تفضل فرموده ای.

از تو درخواست می‌کنم، که بر محمد و خاندانش درود فرستی و آنچه به من وعده کرده‌ای را تحقق بخشی، بدرستی که گفتارت صادق بوده و خلف وعده نمی‌کنی، و بر هر چیز توانائی.

(۱۲) دعای آن حضرت

بعد از نمازهای واجب

پروردگارا! مرا از غم و اندوه و بیمناک بودن و وسوسه‌های شیطان رهایی بخش، به رحمت‌ای مهربانترین مهربانان.

(۱۳) دعای آن حضرت

در استخاره

از آن حضرت روایت شده که فرمود: در دو کاغذ می‌نویسی: اختیار خداوند و پیامبرش برای فلان پسر فلان، و در یکی می‌نویسی: بکن، و در دیگری: نکن، سپس آنها را در دو گلوله گلی قرار داده و در قده آب می‌اندازی، آنگاه وضو گرفته و دو رکعت نماز می‌گذاری، و پس از آن این دعا را می‌خوانی:

پروردگارا! از تو طلب خیر می‌کنم، طلب خیر کسی که امورش را به تو

واگذار کرده و در آنها به تو توکل می کند، و در آنچه بر او وارد شده تسلیم تو می باشد.

خداوندا! برای من خیر را اختیار کن نه شر، و مرا یاری نما و از خودت دور نساز، و به من قدرت عنایت فرما، و بسوی خیر هدایت کن و گمراهم ننما، و نسبت به قضا و قدرت راضی نموده، و مقدراتت را بر من مبارك گردان، تو هر چه بنخواهی انجام داده و آنچه را بنخواهی عطا می فرمایی.

خداوندا! اگر خیر و صلاح من در این کار - که این چنین است - می باشد، مرا بر انجام آن یاری ده و قادر ساز، و امر به انجام آن بنما، و راه هدایت را برایم تبیین فرما.

خدایا! و اگر غیر از این می باشد، توجه مرا بسوی کاری که خیر من در آنست، معطوف کن، بدرستی که تو قادر بوده و من توانا نیستم، و آگاه بوده و من آگاه نیستم، و تو دانای پنهانی ها هستی، ای مهربانترین مهربانان. آنگاه سجده کرده و صدبار می گویی:

از خداوند طلب خیر همراه با سلامتی می کنم.
پس سر برداشته در انتظار بیرون آمدن کاغذها از گلوله های گلی باش، هر کدام که بیرون آمد به مقتضایش عمل نما.

(۱۴) دعای آن حضرت

در استخاره

از آن حضرت نقل شده: ده مرتبه سوره حمد را می خوانی - و حداقل آن سه بار است و کمتر از آن يك مرتبه می باشد - پس ده بار " انا انزلناه " را خوانده، آنگاه سه بار این دعا را می خوانی:

خداوندا! از تو طلب خیر می کنم، به جهت آنکه تو به سرانجام کارها دانائی، و با تو مشورت می کنم به جهت گمان نیکویم به تو در آنچه بدان آرزومند و هراسانم.

بارها! اگر این کار فلانی از اموری است که آغاز و انجامش با برکت توأم، و روزها و شبهایش بکرامت قرین گشته، خداوندا برایم در آن خیر را اختیار فرما، که سختی هایش را به آسانی و روزهایش را به شادمانی خاتمه دهی.

پروردگارا! اگر امر است فرمانبری نموده، و اگر نهی است خود داری کنم، خدا یا از تو طلب خیر می کنم، با رحمتت، خیرجوئی در سلامتی کامل. آنگاه نیت کرده و قسمتی از تسبیح را بدست می گیری اگر تعداد آن قطعه زوج است آن کار را انجام ده و اگر فرد است انجام نده، یا بالعکس.

(۱۵) دعای آن حضرت

در نماز حاجت و استخاره

بنام خداوند بخشنده مهربان، پروردگارا از تو می خواهم بنامی که بر آسمانها و زمین حکم رانده و به آنان گفتی: به اختیار یا اکراه منقاد و مطیع گردید، گفتند: مطیع تو هستیم، و بنامت که بر عصای موسی حکم رانده، پس آنگاه آنچه ساخته بودند را بلعید.

و از تو می خواهم بنامت که قلبهای ساحران را بسوی خود معطوف داشته تا آنجا که گفتند: به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم، پروردگار موسی و هارون، تو پروردگار جهانیان هستی، و از تو می خواهم با قدرتی که هر چیز جدید بدان فرسوده شده، و هر شیء فرسوده متجدد می گردد. و از تو می خواهم به تمام حقوقی که برای توست و حقوقی که برای خود قرار داده ای، اگر این کار در دین و دنیا و آخرت خیر بدنبال دارد، بر محمد و خاندانش درود و سلام فرستی و آن را بر من آماده کرده و سهل و آسان گردانی، و بر من در آن لطف و مرحمت نمائی، بدرستی که تو بهترین رحم کنندگانی.

و اگر بر آن در دین و دنیا و آخرت شر مترتب می باشد بر محمد

و خاندانش درود و سلام فرستی، و این کار را به هر نحو و به هر چه که می خواهی از من دور داری، و مرا نسبت به قضایت راضی گردانده و مقدراتت را بر من مبارك گردانی، تا اینکه تعجیل آنچه آن را به تأخیر انداخته ای و تأخیر آنچه تعجیل آن را مقدر کرده ای را خواستار نباشم. بدرستی که هیچ توان و نیرویی جز با کمک تو وجود ندارد، ای برتر، ای بزرگوار، ای دارای جلالت و اکرام.

۴ - ادعیه آن حضرت در رفع شدائد و مهمات
در شدائد و مهمات، معروف به دعای علوی مصری
در کارهای مهم، معروف به دعای عبرات
برای رهائی از دشواریها

(۱۶) دعای آن حضرت
در شدائد و مهمات، معروف به دعای علوی مصری
از محمد بن علی علوی حسینی مصری روایت شده که گفت: از
طرف یکی از رهبران کشور دچار مشکل بزرگی شده و غم شدیدی مرا
فرا گرفت، بطوریکه راه فراری از آن متصور نبود.
تصمیم گرفتم به کربلا رفته و مشکلم را با امام حسین علیه السلام در
میان گذارم، تا آنجا که گوید:
در بین خواب و بیداری امام زمان و خلیفه الهی (علیه السلام) را دیدم که
فرمود: ای فرزندم از فلان شخص ترسیدی؟ گفتم: آری، قصد آزارم را
دارد، به اولیائم متوسل شدم تا مرا نجات دهند.
فرمود: چرا خدایت و خدای پدرانت را به دعای پیامبران نمی خوانی،
که آنان این دعا را در هنگام شدت و سختی خوانده و خداوند ناراحتیشان را
بر طرف نمود، گفتم: با چه دعائی خدایشان را خواندند تا همان دعا را
بخوانم؟

فرمود: شب جمعه از خواب برخیز و غسل کرده و نماز گذار، پس از انجام سجده شکر این دعا را در حالی که نشسته ای با تضرع و زاری بخوان: پروردگارا! چه کسی تو را خواند و تو دعایش را اجابت نکردی، و چه کسی از تو درخواست نمود و به او عطا نفرمودی، و چه کسی با تو مناجات کرد و او را نا امید ساختی، یا خود را به تو نزدیک نمود و او را دور ساختی.

خدایا! این فرعون جبار است که با عناد و کفر و سر پیچی و ادعای ربوبیتش، و با علم به اینکه تو به نمی کنی، و بازگشت نمی نمایی، و ایمان نمی آورد، و خاضع نمی گردد، دعایش را اجابت کرده و خواسته اش را برآوردی، به جهت بزرگواری وجود و بخشش و کم ارزش بودن خواسته اش در مقابل عظمت تو.

تا بر علیه او حجت و دلیل داشته و آن را تأکید نمایی، در آن هنگام که گناه کرده و کفر می ورزد، بر قومش برتری جسته، و ظلم و تعدی نموده و بسبب کفرش بر آنان افتخار می کند، و بر اثر ستمگریش در حق خویش تکبر نموده، و به جهت بردباریت خود برتر بین گردید، و بسبب جرأت و جسارتش بر علیه خویش چنین حکم کرد که مجازات او غرق شدن در آبست، و او را بدانچه خود بر علیه خویش حکم نمود مجازات کردی. پروردگارا! و من بنده تو، پسر بنده تو و پسر کنیز تو بوده و معترف

به بندگی تو هستم، به خداوندی تو اقرار می کنم و جز تو معبود و پروردگاری ندارم، و به اینکه تو پروردگارم بوده و بازگشتم بسوی توست اعتراف می کنم، می دانم که تو بر هر کار قادری، آنچه خواهی انجام داده و به آنچه می خواهی حکم می کنی، بازخواست نشده و مانعی در انجام فرامینت ایجاد نمی شود، تو اول و آخر و ظاهر و باطن می باشی. از چیزی خلق نشده و از چیزی جدا نمی باشی، قبل از هر موجودی بوده و بعد از همه خواهی بود، و ایجاد کننده هر موجود بوده، همه چیزها را با محاسبه پدید آورده ای، و تو شنوا و بینائی. و گواهی می دهم که این چنین بوده و خواهی بود، و تو زنده و پایداری، خواب و چرت تو را نمی گیرد و با اوهام توصیف نشده و با حواس درک نمی شوی، با مقیاسات قیاس نشده و به مردم تشبیه نمی گردی، تمامی مردمان بندگان و کنیزان تواند، و تو پروردگار و ما پرورش یافتگان توایم، تو آفریدگار و ما آفریده های تو، و تو روزی دهنده و ما از تو روزیمان را دریافت می داریم.

پروردگارا! تو را سپاس که مرا به صورت بشر خلق کردی، و بعد از آنکه کودکي بیش نبودم مرا بی نیاز گرداندی، از پستان شیر گوارایی به من روزی کرده و از غذای پاک و پاکیزه به من خوراندی، مرا مرد نمونه و سالمی قرار دادی.

سپاسی که بشمارش در نیاید و در مکانی نگنجد، سپاسی که از تمامی سپاس سپاس گزاران برتر بوده و از سپاس هر چیز والاتر باشد، و عظیم تر و فراتر از تمامی اینها و هر چیز که سپاس الهی را بگوید باشد. و سپاس مخصوص خداوند است آنگونه که خدا دوست دارد سپاسگزاری شود، و سپاس از آن اوست به تعداد مخلوقات و وزن آنها، و وزن سنگین ترین و سبک ترین آنها، و بشمارش بزرگترین و کوچک ترین مخلوقاتش.

و سپاس مخصوص خداست تا خشنود گردد و بعد از آن نیز، و از او می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستد و مرا مورد آمرزش قرار دهد و کلامم را سپاس گفته و بر من ببخشد، بدرستی که او توبه پذیر و مهربان است.

پروردگارا! تو را می خوانم بنامت که برگزیده ات پدر ما حضرت آدم، در هنگام انجام خطا و احساس گناه تو را بدان نام خواند، و تو خطایش را بخشیده و توبه اش را پذیرفتی و دعایش را مستجاب کرده، و به او نزدیک بودی، ای نزدیک، و از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستاده و خطایم را ببخشی و از من خشنود شوی، و اگر از من خشنود نمی باشی مرا که گناهکار و خطاکار و ستمکار به خویش هستم، ببخشی، چرا که مولا بنده اش را مورد بخشایش قرار می دهد در حالی که از او خشنود نیست،

و نیز مخلوقات را از من خشنود گردانی و ضرر شان را از من دور داری. خداوندا! و تو را می خوانم بنامت که ادریس تو را بدان نام خواند، و او را پیامبری راستگو قرار داده، و مقام بلندی را به او عطا کرده، و دعایش را مستجاب نمودی، و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست و پایانم را به بهشت و جایگاهم را در رحمت قرارده، و با عفت مرا در بهشت ساکن گردان، و به قدرتت ای قادر مرا از حور العین تزویج کن.

بارالها! و از تو می خواهم بنامت که نوح در هنگامی که شکست خورده و یاری می خواست تو را بدان نام خواند، و تو با ران سیل آسا را برایش فرو فرستاده، و از زمین چشمه ها جوشید و آب به اندازه مشخصی بالا آمد و تو او را در کشتی نجات دادی.

و دعایش را اجابت کرده و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست و از ظلم هر ستمگر مرا رها ساخته، و شر پادشاهان زورگو و دشمن متسلط و خوار شمرنده قدرتمند، و جبار کینه توز، و هر شیطان رانده شده و انسان خشمگین و نیز کید هر حيله گر را از من دور دار، ای بردبار ای مهربان.

خدایا! و از تو می خواهم بنامت که بنده و پیامبرت صالح تو را بدان

نام خواند، و او را از فرو رفتن در زمین نجات داده و بر دشمنش پیروز گردانده، و دعایش را اجابت فرمودی، و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و مرا از شر دشمنان و حسد حسودان نجات داده، و مرا بکفایت خود کفایت کرده و به سرپرستی خود سرپرستی فرمائی، و به هدایت قلبم را هدایت و به تقوایت یاریم گردانی، و مرا بدانچه خشنودی تو در آنست راهنمایی فرموده و به بی نیازی بی نیاز نمائی، ای مهربان.

بارالها! و از تو می خواهم بنامت که بنده و پیامبر و دوستت ابراهیم در هنگامی که نمرود او را در آتش انداخت تو را بدان نام خواند، و آتش را بر او سرد و آرام گردانده و دعایش را اجابت کردی، و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و آتش دوزخت را بر من سرد گردانده و زبانه های آن را خاموش و از گرمای آن مرا نجات دهی، و آتش دشمنانم را به خود شان باز گردانده، و کید شان را دامن گیرشان بنمایی، و آنچه به من عطا فرموده ای را بر من مبارك گردانی، هم چنان که بر او و پیروانش مبارك گرداندی، بدرستی که تو بخشنده ستوده و برتری. خداوندا! و از تو می خواهم بنامت که اسماعیل تو را بدان نام خواند، و او را پیامبر و فرستاده قرار داده، و حرمت را محل عبادت و جایگاه

آرامش او نمودی، و با رحمت دعایش را اجابت کرده، و به او نزدیک بودی، ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و قبرم را وسیع و گناهانم را آمرزیده، و پشتم را محکم، و خطاهایم را ببخشی. و مرا موفق به توبه نمایی، بهمراه بخشش گناهان، و مضاعف نمودن نیکیها، و بر طرف شدن مشکلات، و سود دهی تجارتها، و دفع آثار گناهان، بدرستی که شنوای دعاها، و نازل کننده برکات، و دهنده حاجات، و عطا کننده خیرات، و قدرتمند آسمانهایی.

پروردگارا! و از تو می خواهم بنامت که فرزند دوستت [اسماعیل] که او را از کشته شدن نجات داده و فدیة بزرگی را در مقابلش قراردادی، و کارد را برایش برگرداندی، و در حالی که یقین به مرگ داشت و از کار پدرش خشنود بود با تو مناجات نموده.

و تو دعایش را مستجاب و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و مرا از هر بدی و ناراحتی رها ساخته، و هر ظلمت و ناامیدی را از من دورگردانی، و تمام امور دنیا و آخرتم و آنچه از آن در هراسم، و شر تمامی مخلوقات را کفایت فرمائی، به حق خاندان پیامبر.

پروردگارا! و از تو می خواهم بنامت که لوط تو را بدان نام خواند،

او و خاندانش را از فرو رفتن در زمین و نابودی و هر رنج و شدتی رهانیدی، و آنان را از سختی و مشکلات خارج ساخته و دعایش را اجابت کرده، و به او نزدیک بودی، ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و پراکندگی هایم را مبدل به اجتماع، و چشمانم را به فرزندان و خانواده و اموالم شادمان سازی، و امورم را اصلاح و تمامی احوالم را مبارك گردانده و تمامی آروزهایم را برآوری.

و مرا از آتش رها ساخته و شر اشرار را کفایت فرمائی، به حق برگزیدگان نیکان، پیشوایان بزرگوار و نور انوار، محمد و خاندان پاک و پاکیزه و پیشوایان هدایتگر و برگزیده، که درود تو بر تمامی آنان باد، و ما را همنشین ایشان گردان، و همراهی با آنان را بر ما منت گذار، و بما توفیق هم صحبتی با ایشان را عنایت نما، همراه پیامبران فرستاده شده و فرشتگان مقرب و بندگان صالح و فرمانبران درگاهت، و حاملان عرش و فرشتگان درگاهت.

بارالها! و از تو می خواهم بنامت که یعقوب، در هنگامی که چشمانش کور و زندگیش پراکنده و فرزندش گم شده بود، تو را بدان نام خواند، و تو دعایش را اجابت و خانواده اش را مجتمع و چشمانش را روشن و مشکلش را بر طرف نمودی.

و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست
و پریشانی زندگیم را بر طرف، و چشمانم را به فرزندان و خانواده
و اموالم روشن، و کارهایم را اصلاح، و تمامی لحظات زندگیم را مبارک گردانی، و
آروزهایم را برآورده و کارهایم را اصلاح نمایی، و بر من منت گذار، ای
بزرگوار، ای صاحب اخلاق نیکو، به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.
خداوندا! و از تو می خواهم بنامت که بنده و پیامبرت یوسف تو را
بدان نام خواند، و او را از تاریکیهای چاه نجات داده، و مشککش را حل
نموده، و کید و مکر برادرانش را بر طرف، و او را بعد از بندگی پادشاه
نمودی، و دعایش را مستجاب کرده، و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر
محمد و خاندانش درود فرستاده و مکر هر حيله گر و شر هر حسودی را از
من بر طرف سازی، تو بر هر کار قادر و توانائی.
پروردگارا! و از تو می خواهم بنامت که بنده و پیامبرت موسی بن
عمران، آنگاه که فرمودی: " و از جانب طور امین او را خوانده و به خود
نزدیک نمودیم"، تو را خواند، و راه خشکی در بین دریا برایش مهیا ساخته
و او و پیروانش از بنی اسرائیل را نجات، و فرعون و هامان و یارانشان را

غرق نمودی، و دعایش را اجابت، و به او نزدیک بودی ای نزدیک. از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستاده و مرا از شر مخلوقات در امان قرار داده، و عفو را شامل من گردانی، و فضل خود را بر من ارزانی داری، تا از تمامی مخلوقات بی نیاز گردم و مشمول غفران و بخشودی تو بشوم، ای سرپرست من و سرپرست مؤمنین. بارالها! و از تو می خواهم بنامی که بنده و پیامبرت داود تو را بدان نام خواند، و دعایش را اجابت، و کوهها را مسخر او گرداندی، که همراه او صبحگاه و شامگاهان تسبیح گفته، و پرندگان در تسخیر او بوده، و پادشاهیش را محکم نموده، و حکمت و قضاوت به او عطا کردی، و آهن را برایش نرم، و صنعت ساختن سپر را به او تعلیم نموده، و خطایش را بخشیدی.

و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست و تمام کارهایم را مسخرم گردان، و مقدرات را بر من آسان نما، و غفران و بندگی را روزیم نما، و ظلم ستمکاران و کید دشمنان و مکر حيله گران و قدرت نمائی جباران زمان و حسد حسودان را از من دور نما، ای امنیت بخش وحشت زدگان، و ای همسایه پناه خواهان، و ای محل وثوق معتمدان، ای دستگیره مؤمنان، و ای امید امیدواران، و ای معتمد صالحان، ای مهربان مهربانان.

پروردگارا! و از تو می خواهم بنامی که بنده و پیامبرت سلیمان بن داود آنگاه که گفت: " پروردگارا سلطنت و پادشاهی بزرگی به من عطا فرما که بعد از من به کسی عنایت نمی نمایی بدرستی که تو عطا کننده هستی "، تو را بدان نام خواند.

و دعایش را اجابت و مخلوقات را مطیع او گردانده، و باد را مرکب او قرارداده، و زبان پرندگان را به او تعلیم نمودی، و جن را مسخر او کردی، که گروهی بناء وعده ای غواص و بعضی را به اسارت در آورد، این فضل و احسان تو بود نه عنایت شخص دیگری.

و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست، و قلبم را هدایت کرده، و جانم را از پراکندگی دور دار، و امورم را کفایت و ترسم را امنیت بخش، و اسارتم را مبدل به رهایی کرده و پشتم را قوی گردان، و به من مهلت ده، و دعایم را اجابت و سخنم را بشنو، و جهنم را جایگاه و دنیا را مهمترین مقصد من قرار مده، و روزیم را گسترده و اخلاقم را نیکو و مرا از اسارت رهایی بخش، تو آقا و مولا و آروزی منی. پروردگارا! و از تو می خواهم بنامت که ایوب در هنگامی که بعد از سلامتی بلا، و بعد از عافیت بیماری، و بعد از گشایش زندگی سختی بر او مسلط شد، تو را بدان نام خواند، پس نا راحتیش را بر طرف و خانواده

و همانند آن را به دو بخشیدی، در هنگامی که تو را مشتاقانه و با امیدواری به
فضلت خواند و ناراحتیش را بر تو عرضه داشت و گفت: " پروردگارا رنج و
بلا مرا فراگرفته و تو مهربانترین مهربانان هستی "

پس دعایش را اجابت و ناراحتیش را بر طرف و به دو نزدیک بودی
ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست و ناراحتیم را بر طرف و در
جانم و خانواده، و اموال و فرزندان و برادرانم سلامتی و عافیت عطا کن،
عافیتی که جاودانه، کامل، هدایتگر، رشد کننده، و بی نیاز کننده از پزشک و
دارو باشد، و آن را در پوست و گوشتم قرارده، و مرا از گوشها و چشمانم
بهره مند ساز و تا لحظه مرگ آنها را در سلامتی کامل قرارده، تو بر هر کار
قادر و توانائی.

بار الها! و از تو می خواهم بنامت که یونس بن متی در شکم ماهی و
در سه تاریکی، تو را بدان نام خواند و گفت: جز تو معبودی نیست و پاک
و منزهی و من از ستمکاران هستم و تو مهربانترین مهربانانی.
پس دعایش را اجابت و بوته کدویی را برایش رویاندی، و او را
بسوی صد هزار انسان یا بیشتر فرستادی، و به او نزدیک بودی ای نزدیک،
بر محمد و خاندانش درود فرست و دعایم را اجابت، و مرا مشمول عفو

گردان، که در دریای ظلم به خویشتن غرق شده، و دیون بسیاری از مخلوقات بر ذمه من می باشد، و بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از آنان پوشیده دار و از آتش جهنم رهایی بخش و در این لحظه از آزاد شدگان و رهایی یافتگان از آن قرارده، به منتت ای منت گذار. پروردگارا! و از تو می خواهم بنامت که بنده و پیامبرت عیسی بن مریم، هنگامی که او را به روح القدس تأیید کرده و در گاهواره به سخن درآوردی، تو را بدان نام خواند، پس به فرمان تو مردگان را زنده و بیماران را شفا، و از گل همانند پرنده خلق کرده، و با فرمانت پرنده به پرواز در آمده، و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا برای آن کار که خلق کرده ای فارغ گردان، و بدان چه متکفل آن شده ای مشعول نساز، و مرا از بندگان و زاهدان در دنیا و از کسانی که ایشان را برای سلامتی خلق کرده و آنان را بدان گرامی داشته ای قرارده، ای بزرگوار ای برتر ای والاتر.

بارالها! و از تو می خواهم بنامت که آصف بن برخیا برای آوردن تخت ملکه سبا تو را بدان نام خواند، و کمتر از چشم برهم نهادن آن را منتقل نمود، تا اینکه در جلوی دیدگانش قرار گرفت، آنگاه که آن را دید گفته شد:

تخت تو همین است؟ گفت: گویا همین باشد.
پس دعایش را اجابت و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و
خاندانش درود فرست و گناهانم را بر من ببخشای، و نیکیهایم را قبول، و
توبه ام را پذیرفته، و فقرم را مبدل به بی نیازی، و شکستگیم را جبران فرما، و
قلبم را بنامت زنده و مرا در سلامتی زنده بدار و بمیران.
خداوندا! و از تو می خواهم بنامی که بنده و پیامبرت زکریا تو را بدان
نام خواند، در هنگامی که خواهنده و امیدوار به فضل و بخششت، در
محراب عبادت با صدای آهسته تو را مخاطب قرار داد و گفت: " پروردگارا
به من فرزندی عطا فرما که وارث من و خاندان یعقوب باشد و از او خوشنود
باش "

پس به او یحیی را بخشیده و دعایش را اجابت کرده، و به او نزدیک
بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و فرزندانم را برایم
باقی گذار و مرا از آنان بهره مند ساز، و من و ایشان را از مؤمنین به او، و
مشتاقان ثوابت، و ترسندگان از عقابت، و امیدواران به آن چه نزد توست، و
مأیوسان از آنچه نزد غیر توست قرارده، تا اینکه ما را زنده نگاه داری به
زندگانی پاکیزه، و بمیرانی مردن پاکیزه، تو بر هر کار قادری.
پروردگارا! و از تو می خواهم بنامی که همسر فرعون تو را بدان نام خواند،

آن گاه که گفت: " پروردگارا خانه ای در بهشت برایم آماده نما، و مرا از فرعون و کار او رها ساز و از گروه ستمکاران نجات ده ".

پس دعایش را اجابت و به او نزدیک بودی، ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و چشمانم را با دیدن بهشت و اولیاءت روشن و به محمد و خاندانش مرا شادمان گردان، و با آنان و همنشینی و نزدیکی با ایشان مرا مأنوس نما، و مرا در بهشت مستقر کرده، و از آتش و آنچه برای اهل آن از غل و زنجیرها و انواع عذابها و عقابها آماده نموده ای با عفو نجات ده.

خداوندا! و از تو می خواهم بنامت که بنده و راستگویت مریم بتول و مادر حضرت عیسی تو را بدان نام خواند، آنگاه که گفتی: " و مریم دختر عمران که فرجش را محافظت نموده و مادر آن از روحمان دمیدیم و کلمات پروردگارش و کتابهای او را تصدیق کرده و از عابدان گردید ".
و دعایش را اجابت و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا در پناه محکم خود قرار ده و در حجاب خود مستور بدار، و به حرز محکم خود محفوظ نما، و به کفایت کافی ات مرا از

شر هر ستمگر، و ظلم هر تجاوزگر، و مکر هر حيله گر، و نيرنگ هر نيرنگ باز، و سحر هر ساحر، و ستم هر سلطان ستمگر کفایت فرما، به قدرتت ای قدرتمند.

پروردگارا! و از تو می خواهم بنامی که بنده و پیامبر، و بر گزیده و منتخب از مخلوقات، و امین بر وحیت، و مبعوث به بندگانت، و فرستاده ات بسوی مردم، محمد، بنده ویژه و خالص تو که درودهایت بر او و خاندانش باد تو را بدان نام خواند.

پس دعای او را اجابت و به لشکریانی که دیده نمی شد او را یاری کردی، و حق را برتر و باطل را ضعیف و خوار گرداندی، و به او نزدیک بودی ای نزدیک، بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی پاک و پاکیزه، و رشد کننده و جاودانه و مبارک، هم چنان که بر جدشان ابراهیم و خاندانش درود فرستاده، و برایشان مبارک گرداندی، و سلام فرست برایشان هم چنان که بر آنان سلام فرستادی، و از جانب خود برایشان افزون فرما. و مرا در زمره ایشان و بهمراه آنان قرارده و با آنها و در زمره ایشان محشور فرما، تا اینکه از حوض آنان مرا سیراب کرده، و در زمره آنان داخل فرمائی، و با آنان مجتمع گردانده و چشمانم را به ایشان روشن گردانی، و خواسته ام را اجابت و آرزوهایم را در دین و دنیا و آخرت

و زندگی و مرگ عطا فرمایی، و سلامم را به آنان رسانده و جواب سلام ایشان را به من برگردانی، و درود و رحمت و برکتهایت برایشان باد. خداوندا! تو کسی هستی که در نیمه های هر شب ندا می کنی: آیا خواهنده ای هست که به او عطا کنم، آیا خواننده ای هست که دعایش را اجابت کنم، آیا استغفار کننده ای هست که او را ببخشم، آیا امیدواری هست که امیدش را بر آورم، آیا آرزومندی هست تا او را به آرزویش برسانم. من در درگاه تو ایستاده و خواهنده تو ام، بیچاره درگاهت هستم، ناتوان و فقیر توام، آرزومند درگاهت، امیدوار فضل و رحمتت، و آرزومند عفو و مغفرتت، و خواهنده غفران و بخشش توام.

پس بر محمد و خاندانش درود فرست و خواسته ام را عطا، و آرزویم را برآور، فقرم را جبران، و به عصیان و سرکشی ام رحم نما، و از گناهانم درگذر، و آنچه از بندگان بر ذمه من هست را بر من ببخشای، و ضعفم را تقویت، و بیچارگی ام را مبدل به عزت، و جایگاهم را محکم گردان، و گناهم را مورد بخشایش قرار ده، و فکرم را رشد، و مالم را از حلال افزون فرما.

و در تمام کارها و اعمالم خیر مقدر کن، و مرا بدان راضی و خشنود گردان، و مرا و پدر و مادرم و فرزندانم، از آنان و مردان مؤمن و مسلمان،

زنده یا مرده ایشان را بیامرز، تو شنونده دعاها می باشی. و از نیکی کردن به پدر و ما در آنچه مرا مستحق ثواب تو و بهشت می کند به من الهام کنی، نیکیهای ایشان را قبول و گناهانشان را ببخشی، و ایشان را در مقابل بهترین عملی که نسبت به من انجام داده اند پاداش و بهشت عطا کن.

خداوندا! یقین دارم که به ستم کردن امر نکرده و بدان خوشنود نمی باشی، و میل به آن نداشته و آن را نمی خواهی و دوست نداری، این گروه را می بینی که به ظلم و ستم بندگانت، و تعدی و تجاوز بنا حق و ظالمانه و دشمنانه و خصمانه بر علیه ما مشغولند.

اگر برای ایشان مدت و زمانی تعیین کرده ای که باید آن را پایان رسانند، یا اجلهایی را بر ایشان معین ساخته ای که باید بدانها برسند، خود فرموده ای و سخن تو حق و وعده ات صادق است که: " خداوند آنچه بخواهد را محو یا تثبیت می کند و کتاب تغییر ناپذیر نزد اوست. "

پس من از تو می خواهم بتمامی آنچه پیامبران و رسولانت تو را بدانها خواسته اند، و از تو می خواهم بدانچه بندگان صالحت و فرشتگان مقربت از تو طلب کرده اند، که این مقدرات را از کتاب تغییر ناپذیرت محو کرده، و بر ایشان اضمحلال و نابودی را رقم زنی.

تا اجله‌ایشان نزدیک و مدتشان بسر آمده و ایامشان به پایان رسیده و عمرشان تمام شود، و فاسقانشان نابود و گروهی از ایشان را بر گروه دیگر مسلط فرمایی، تا احدی از ایشان باقی نمانده و رستگار نگردد، اجتماعشان را پراکنده، و سلاحشان را سست، گروهشان را متفرق، و اجله‌ایشان را مقطوع، و عمرشان را کوتاه، و قدمه‌ایشان را متزلزل گردانده، و شهره‌ایت را از آنان پاك گردان و بندگانت را بر آنان مسلط فرما.

چرا که ایشان سنت را تغییر داده و عهده را شکسته و حرمت را هتك کرده اند، و آنچه نهی کرده ای را انجام داده، و بسیار سرکشی نموده و به گمراهی عمیقی فرو رفته اند.

پس بر محمد و خاندانش درود فرست و به پراکندگی اجتماعشان، و مرگ زندگانیشان، و غارت همسرانشان فرمان بده، و بندگانت را از ستم ایشان رها ساخته و قدرتشان را از تجاوز نمودن سلب کن، و زمینت را از آنان پاك گردان، و به نابودی زراعتشان و از بین رفتن اموالشان، و پراکندگی گروهشان، و نابودی ساختمانهایشان فرمان بده، ای صاحب جلال و بزرگواری.

ای معبود من و معبود هر چیز، و پروردگار من و پروردگار هر چیز، از تو می خواهم، و تو را می خوانم به آنچه دو بنده و رسول و پیامبر و برگزیده ات، موسی و هارون، تو را بدان خواندند، در زمانی که تو را با امید به فضلت مخاطب قرار داده و گفتند:

" پروردگارا به فرعون و یارانش زمینت و اموال بسیاری را در زندگی دنیا دادی، پروردگار تا از راهت مردم را گمراه کنند، پروردگارا اموالشان را نابود و قلبهایشان را قسی گردان تا آنگاه که عذاب دردناک جهنم را ندیده اند ایمان نیاورند."

پس بر این دو نفر به اجابت دعایشان منت نهاده و نعمت عطا کردی، تا آنکه فرمانت را به ایشان ابلاغ فرمودی که: " دعای شما اجابت شد پس پایدار باشید و راه نادانان را پی نگیرید."

[از تو می خواهم] که بر محمد و خاندانش درود فرستی و اموال این گروه ظالم را سلب، و قلبشان را قسی، و ایشان را در زمین فرو برده، و در دریا غرقشان سازی، چرا که آسمانها و زمین، و آنچه در آنهاست از آن توست، قدرت و نیرویت را در قبال ایشان به مردم بنمایان، و این کار را نسبت به ایشان انجام ده، و در این عمل تسریع فرما. ای بهترین فردی که مورد سؤال واقع شده، و بهترین فردی که خوانده شده، و برترین فردی که در برابرش خضوع انجام گرفته، و دستها بسویش بالا رفته، و زبانها او را نامیده، و چشمها به او دوخته شده، و قلبها به او مایل گردیده، و گامها بسوی او برداشته شده، و محاسبه اعمال بدست اوست.

پروردگارا! و من بنده توام، از تو می خواهم به برترین نامهایت، و تمام نامهایت برتر است، بلکه از تو می خواهم به تمامی نامهایت، که بر محمد و خاندانش درود فرستاده و ایشان را در خانه هایشان هلاک گردانده و نابود نمایی، و آنان را با تیرهای بلا سنگباران کن، و به صورت بر زمین انداز، و کید و مکرشان را به خودشان بازگردان، و ایشان را به پشیمانیشان مؤاخذه کن.

تا پس از نخوت و غرور ذلیل و خوار شده، و بعد از تکبر و زورگوئی خاشع و هلاک گردند، ذلیلانی که اسیر در چنگال دامهایی هستند که امید داشتند ما را در آنها ببینند، و قدرت و نیروی خود را بر علیه ایشان به ما نشان ده، و همانند گروههای ظالم و ستمگر ایشان را عذاب فرما، بدرستی که مؤاخذه تو دردناک و شدید، و مؤاخذه شخص قدرتمند و توانا می باشد، همانا تو قدرتمند و توانائی، عقابت شدید و عذابت دردناک است. پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست و عذابی که برای ستمگرانی همانند ایشان، و مسخره کنندگان مشابه آنان آماده ساخته ای، را در حق ایشان تسریع فرما، و بردباریت را از ایشان زائل، و غضبت که هیچ کس را یارای مقاومت در برابر آن نیست را برایشان فروریز، و با فرمانت که تخلف پذیر نمی باشد دستور در تسریع این امور را صادر کن

بدرستی که تو شاهد هر سخن و دانای هر گفتاری، و هیچ يك از اعمال مخفی شان از دید تو پنهان نمی باشد، و هیچ کار خائنه آنان از دید تو زائل نمی گردد، و تو دانای پنهانی ها، و آگاه به ضمائر و قلبهائی. پروردگارا! و از تو می خواهم و تو را می خوانم به آنچه آقام نوح از تو خواست و تو را خواند، آنگاه که گفتی: " و به تحقیق نوح ما را خواند و ما بهترین اجابت کنندگان هستیم. "

آری، پروردگارا تو والاترین اجابت کننده، و بهترین خواننده شده، و بهترین خواسته شده، و والاترین عطا کننده می باشی، تو کسی هستی که خواهنده ات نا امید نشده و دعای آرزومندت تو را ملول نکند، کثرت حوائج و انجام آنها تو را سست نمی کند، بدرستی که انجام خواست تمامی مخلوقات برای تو سریع تر از چشم برهم نهاندن و خفیف تر و سبک تر از بال مگس می باشد.

و ای آقام و مولایم و معتمد و امیدم، حاجتم بسوی تو آنست که بر محمد و خاندانش درود فرستاده و گناهانم را ببخشی، بسوی تو آمده ام در حالی که پشتم از گناهان بزرگ سنگین شده، و حقوق فراوانی از بندگان بر عهده من است که راه رهایی از آن جز بوسیله تو میسر نیست، و کسی جز تو بر آن قادر نبوده و بر آن توانا نیست.

ای آقاییم! کثرت گناهانم را به اشکهای اندکم ببخشای، بلکه به قساوت قلب و خشکی چشمم، نه، بلکه به رحمت که تمامی اشیاء را فراگرفته است، و من نیز چیزی هستم و باید مرا نیز فرا گیرد.

ای رحمان ای رحیم ای مهربانترین مهربانان، در این دنیا مرا به بلائی امتحان مفرما، کسی را که بر من رحم نمی کند بر من مسلط مکن، و مرا بگناهانم هلاک نساز، و رهائیم را از هر زشتی آسان فرما، و هر ستمی را از من دور کن، و حجابم را ندر، و روزی که تمامی مخلوقات را برای حساب جمع می کنی مرا مفتضح منما، ای دارنده عطا و ثواب بسیار.

از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و در زندگانی سعادت‌مندان زنده، و در مرگ شهیدان مرا بمیرانی، و همچون دوستانت مرا قبول کرده، و در این دنیای پست مرا از شر پادشاهان و گناهکاران و اشرار و دوستدارانشان محافظت فرمائی.

و شر طاغیان و حسودان و شرجویان و دوستان آنان را از من نگاهداری، تا مرا از مکر حيله گران کفایت کرده و چشمان کافران را از من دور داری، و زبان گناهکاران را از من لال، و دستهای ستمگران را از من باز داشته، و مرا از کیدشان رهائی بخشی، و ایشان را به ناراحتیشان بمیرانی، و به گوشها و چشمان و قلبهایشان مشغول سازی.

و در تمام اینها مرا در امنیت و آسایش و حرز و پادشاهی، و حجاب و حفاظت و حراست خود قرارده، و بدرستی که سر پرست من خداست که کتاب را نازل کرد و او سر پرست رستگاران است.

پروردگارا! به تو پناه برده و به تو متوسل می گردم، و برای تو عبادت کرده و امیدم به توست، و از تو یاری می جویم، و از تو طلب کفایت می کنم، و به تو پناهنده می گردم، و به تو توانا می شوم، و از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستاده و مرا جز با گناهان بخشیده، و سعی و تلاش ستایش شده، و تجارتی که نابودی ندارد باز نگردانی، و آنچه شایسته توست و نه آنچه من شایسته آنم را به من عطا فرمائی، بدرستی که تو اهل تقوی و بخشش و اهل فضل و رحمت می باشی.

خداوندا! دعایم را طولانی و گفتارم را بدرازا کشاندم، و سینه تنگم مرا بدین جا کشاند، و مرا بدان وادار نمود، در حالی که می دانستم به اندازه نمک در خمیر دعا کفایت می کند، بلکه تصمیم جزم کافی است، و این که انسان با نیتی صادقانه و با زبان راست بگوید: پروردگارا، و تو در جایگاه گمان بنده ات به تو می باشی، و قلبم با تصمیم جازم تو را خوانده است.

پس از تو می خواهیم که بر محمد و خاندانش درود فرستاده و دعایم را مقرون به اجابت گردانده، و آنچه از تو آرزومندم را به من عطا کنی، که منت نهادنی است از طرف تو بر من و فضل و عنایت توست، و من جایگاهم را تغییر ندهم جز به انجام تمامی خواسته هایم، بدرستی که این کار بر تو آسان و ارزش آن نزد من بسیار زیاد است، و تو بر آن قادر و توانائی، ای شنوا و ای بینا.

بارالها! و این جایگاه پناهنده تو از آتش، و فرار کننده ای از خود بسوی تو از گناهیانی که او را فراگرفته، و عیبهایی که او را مفتضح کرده است می باشد، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و نظر رحمت را بر من افکن، تا با آن بسوی بهشت رهنمون شده، و مرا مشمول لطف قرارده تا از عقابت رهایی یابم.

بدرستی که بهشت و جهنم برای تو و بدست تو و کلیدهای باز و بسته شدنش نزد توست، و تو بر آن قادری و برای تو سهل و آسان می باشد، و ای توانا آنچه خواسته ام را عطا فرما، و قدرت و نیرویی جز با نیروی خداوند برتر و والاتر نبوده، و خدا ما را کافی است، و او بهترین و کیل است.

(۱۷) - دعای آن حضرت

در کارهای مهم، معروف به دعای عبرات
پروردگارا! از تو می خواهم ای رحم کننده بر اشکها، و ای بر طرف
کننده غمها، و ای تسلی بخش دردها، توئی که ابرهای تیره محنتها و دردها
که سنگینی نموده را زدوده، و ابرهای فتنه و آشوب که فراگیر شده را زائل
می سازی، و گیاهان آن را نابود، و ساختمانهایش را منهدم، و استخوانها را
پوسیده می کنی، ستم کشیده را مسلط، و طلب شده را طلب کننده، و مظلوم
را زورمند، و کسی که در معرض تعرض می باشد را قادر می گردانی.
بار الها! چه بسیار بنده ای که تو را ندا کرده: پروردگارا مورد ستم واقع
شده ام مرا یاری کن، پس تو برای یاری او بارانی سیل آسا از آسمان برایش
فرو فرستادی، و چشمه هایی را گشوده و آب به اندازه مشخصی بالا آمد، و
از نگاهبانیت او را بر روی کشتی حمل نمودی.
ای آنکه هر گاه بنده در تاریکی شب متحیرانه تو را بخواند، و
دوست مهربانی برای یاری و پناه نداشته باشد، از یاری تو پناه و دادرسی
می یابد، و دوستی که او را بسوی خود خوانده، و از سختی رهائیش داده، و
راههای گشایش را برایش می نمایاند.

خداوندا! ای آنکه قدرتش برتر، و عقابش برای جباران ستمگر دردناک، و برای هر کافر درهم کوبنده است، از تو می خواهم که نظر رحمتی بر من افکنی، که تاریکی پایداری که بر اثر بیماری بر من مسلط شده، و سینه ها از وجود شیر تهی، و زراعتها نابود، و اشکها خشک، و قلبها مایوس، و جانها بسببش از بین می رود را زائل سازی.

بارالها! اغراض و امیالی که ایجاد و بقاء آن بدست توست، و رهایی از آنها تنها با داخل شدن به بهشت میسر می باشد را از دسترسی شیطان و هلاکت و نابودی بدست آن رهایی بخش.

پروردگارا! چه کسی سزاوارتر از توست که از حریمت دفاع کند، و چه کسی شایسته تر از توست که از محرماتت ممانعت به عمل آورد.

بارالها! کارم سخت شده آن را آسان نما، و مرا برنج انداخته آن را سهل گردان، و قلبها به لرزه در آمده آن را تسلی بخش، و جانها را وحشت فراگرفته آن را آرام گردان.

خداوندا! خداوندا! گامهای لغزیده و افکار حیرت زده و گمراه را تدارک کن، اگر جبران شکستگی اش را ببیند، و رهایی اسارتش و پناه خواهی پناهنده اش را بنگرد، از ناراحتی متضرر شود و ناله و فریاد سر دهد.

پس ای مولایم آیا او که امیدوار به توست را در چنگال بلا رها می کنی، آیا او که به تو پناهنده است را در دریای بیکران غوطه ور باقی می گذاری.

مولایم! اگر در تقوی و خویشتن داری خود را برنج نمی اندازم، و در عبادت و بندگی به مقام و خشنودی تو نرسیده ام، و در زمره گروهی قرار نگرفته ام که دنیا را رها ساخته اند.

شکمهایشان از گرسنگی به کمر چسبیده، و لبها از تشنگی خشک، و دیدگان از اشک کور گردیده است، بلکه با اعمالی اندک و گناهان و خطاهای بسیار و جانی که به راحتی خود کرده و به کارهای زشت عادت نموده نزد تو آمده ام.

پروردگارا! آیا برای رسیدن به تو و چنگ زدن به ریسمانت کفایت نمی کند که دوستدار اولیاء تو و محب آنان بوده، و همانند ایشان خود را برای تحمل بلاها آماده ساخته، و رنج و ناراحتی مرا فراگرفته است. آیا کفایت نمی کند که در میان ایشان مظلوم بوده و خشم خود را فرو منشانم و در غمها و غصه ها غوطه ور می باشم.

خدایا! آیا این اعمال احترامی برایم نزد تو نمی آورد که زائل نشود، و ذمه ای که مرا از بلاها در امان دارد، پس پروردگارا چرا مرا که در گناهان غرق شده ام را باز نمی داری، و مرا که به آتش دشمنت سوخته ام را رها می سازی.

مولایم! آیا برای دوستانت نزد دشمنانت راههای خطر را گشوده، و برای نیرنگهایشان آنان را کمین گاه قرارداده، و ایشان را در اختیار آنان قرار می دهی، در حالی که تو مالک جانهایشان می باشی، که اگر آن را قبض کنی نابود می شوند، و تمامی اعضاء وجودشان در قدرت توست، که اگر رهایشان سازی خاموش می گردند.

پروردگارا! چه چیز تو را مانع می شود که از ظلمشان جلوگیری و نگاهبانیت را از آنان باز داری، و سلامتی که با آن در زمین تو می گردند و در میدان تجاوز بر بندگان جولان می دهند را از آنان زائل سازی. پروردگارا! مرا دریاب تا زمانی که غرق نشده ام، مرا دریاب تا آنگاه که شمس وجودم افول ننموده است.

خداوندا! چه بسیار کسانی که از ترس به سلطانی پناه برده و با امنیت و آرامش مراجعت نموده اند، آیا به کسی برتر از تو در فرمانروایی، یا برتر از تو در فضل و احسان، یا افزون تر از تو در قدرت و اقتدار، یا گرامتر از تو در یاری و کمک رجوع کنم.

خدایا! اگر خواهنده ات را از یاریت منع کنی عذرم چیست، در حالی که تو آرزومندت را نا امید نکرده و خواهنده ات را رد نمی کنی. پروردگارا! پروردگارا! کجاست رحمت تو که یاریگر بندگان مستضعف توست؟ و کجاست نگاهبانیت که پناه ستمکشان از جباران زمان است؟

پروردگارا! بسوی من، بسوی من لطف و رحمتت را متوجه ساز، مرا از گروه
ستمگران رهایی بخش، که مورد ستم واقع شده ام، و تو مهربانترین
مهربانانی.

مولایم! تحیرم را در کارم، و ناراحتیم را در سوزش قلب و حرارت
سینه ام می بینی، پروردگارا! به آنچه تو شایسته آنی راه گشایش و فرجی به من
عطا فرما، و راه سهل و آسانی را برایم مهیا ساز.

و کسی را که برای بدام انداختن من دام نهاده تا نابودم کند مکر و
فریبش را به خودش بازگردان، و کسی را که چاهی برایم کنده تا مرا در آن
بیندازد خودش را در آن افکن، و شر و مکر و فساد و ضررهای او را که از
پرهیزگاران باز می داری را از من بازدار.

پروردگارا! بنده تو بنده توست، دعایش را اجابت نما، و ناتوان
توست ناتوان توست، غم و اندوهش را بر طرف ساز، بدرستی که تمام
دستاویزها جز دستاویز تو از او قطع شده، و تمام پناهگاهها جز پناهگاه تو
از او زائل شده است.

مولایم! این دعایم را اگر رد کنی جایگاه اجابت دیگری نمی یابد، و
گمانم به تو را اگر تکذیب کنی کجا صدق آن بثبوت رسد، پس کسی را که
درگاه دیگری را نمی شناسد از در خانه ات نران، و کسی را که جز با تو
آشنا نیست را از خودت دور نساز.

خداوندا! چهره ای که با امید بسویت آمده شایسته بی توجهی نیست،

و پیشانی ای که در مقابل تو به سجده افتاده سزاوار رسیدن به مقصود است، و گونه ای که با نیازمندی روی زمین نهاده شده شایسته است که خواهنده به مراد و مقصودش نائل آید.

بارالها! این به خاک نهادن گونه ام و تضرع در خواست از تو و تلاش من است، به رحمت امیدهایم را محقق ساز، و به رأفت انجام خواسته هایم را سهل و آسان گردان، و چیدن ثمرات اجابت دعاهایم را به من بنمایان. خدایا! آنگاه که نیازمندی در مقابل تو ایستاده و تو را شفیع قرار دهد و تو او را شخصی بیایی که دعایش امکان اجابت ندارد، ولی مطیع و منقاد می باشد، من از تو طلب شفاعت می کنم به بزرگواریت و بزرگواری پیامبران برگزیده ات، که به خاطر آنان موجودات را خلق کرده، و از آسمان نازل فرمودی آنچه فرو فرستادی.

به تو نزدیکی می جویم به اولین فردی که تاج جلال بر سر او نهادی، و جایگاه نیکوی از خلقت را به او بخشیدی، حجت در خلقت و امینت در بین بندگانت، محمد، فرستاده ات، و به امیر المؤمنین علی خاستگاه نور او و بیانگر سر او، سید اوصیاء و پیشوای متقین، رهنمای دین، پیشوای سپید رویان در قیامت، پدر امامان رهنما.

و به تو نزدیکی می جویم به برگزیده برگزیدگان، و مادر انوار مقدسه،

و انسیه حوراء، بتول عذراء، فاطمه زهرا، و به دو نور دیده پیامبر و دو میوه قلب زهرا، دو سید و دو امام ابی محمد حسن و ابی عبد الله حسین. و به علی بن حسین السجاد، زینت بندگان، راهب عرب، و کسی که در اثر کثرت عبادت بر جبینش علامت سجده رقم خورده بود، و به مولایم محمد بن علی الباقر، امام دانا و سید حاکم، ستاره پر فروغ و ماه تابان. و به امام راستگو جعفر بن محمد الصادق، مبین مشکلات و نمایان گر حقایق، پاسخ گوینده به هر گوینده با دلیل و برهان، به سکوت وادارنده هر جدال کننده، ساکن کننده هر حرکت. و به مولایم موسی بن جعفر، امام پرهیزکار، و خالص و مخلص، و نور احمدی و نور انور و پرتو شکوفا، و به مولایم علی بن موسی الرضا، امام مرتضی، و شمشیر از نیام بر کشیده. و به مولایم محمد بن علی الجواد، امام گرامتر، درگاه امیدواران و راه روشن، و دانای مؤید، سرچشمه حکمتها و چراغ تاریکیها، سید عرب و عجم هدایتگر به راه راست، و موفق به تأیید و تسدید.

و به امام علی بن محمد که در پادگان متولد شد، عطای خداوند و پدر پیشوایان پاك که با پندها بشارت داد و ترساند، و به مولایم ابی محمد حسن بن علی العسکری امام منزله از گناه، پاکیزه از هر ستم و ظلم، دانای دانایان، ماه تابان، و بهار مردمان، متقی و بخشنده پاکیزه و پاك. و به تو نزدیکی می جویم به نگهبان دانایی که او را بر خزینه های زمین قرارداد، و پدر مهربانی که بسط و قبض را درید قدرت او نهادی، دارای مناقب نیکو، درهم کوبنده درخت ملعونه.

سخن گو با مردم در گاهواره، و رهنمای بسوی راه راست، پوشیده از دیدگان، حاضر در شهرها، پوشیده از دیدهای تیز اوهام و افکار، باقیمانده نیاکان، وارث شمشیر ذو الفقار، کسی که در خانه خداوند ظاهر می شود، دانای پاکیزه حجة بن الحسن، که بهترین تحیتها و برترین برکتها و کامل ترین درودها برایشان باد.

پروردگارا! اینان پناهان من در خواسته هایم و وسائل من هستند، پس برایشان درود فرست، درودی که جز تو اندازه اش را نداند و انبوه خلق

به اندکی از آن راه نبرد، و بهترین گمانم را در مورد ایشان تحقق بخش، و برترین آرزویم را به منصفه ظهور برسان.
خدایا! دستگیره محکمی جز تو ندارم که بدان چنگ زنم، و گفتار ارزشمندتری جز خواندن تو ندارم تا بدان دل گرم باشد، و شفیعانی آبرومندتر جز این گروه ندارم تا نزد تو آورم.
پروردگارا! آیا راه دیگری جز اجابت دعایم و رحم نمودن بر اشکها و ناله هایم باقی مانده است، ای کسی که جز او خدایی نیست، ای اجابت کننده مضطر و بیچاره آنگاه که او را بخواند.
ای رحم کننده بر اشکهای یعقوب، و ای بر طرف کننده ناراحتی ایوب، مرا بیامرز و مشمول رحمت قرارده، و بر گروه کافر یاری نما، و راه گشایشی بر من عطا کن و تو بهترین راه گشایی، ای دارای نیروی قوی و ای مهربانترین مهربانان.

(۱۸) - دعای آن حضرت

برای رهائی از دشواریها
تو خداوندی هستی که آغازگر خلق و اعاده کننده آنانی، تو خدائی هستی که جز تو خدائی نیست، تدبیر کننده کارها و مبعوث کننده دفن شده های در قبرها می باشی، و تو خدائی هستی که خداوندی جز تو نیست، قبض کننده و گستراننده ای، و تو خدائی هستی که خداوندی جز تو نیست، وارث زمین و هر چه در آنست می باشی.

از تو می خواهم بنامت که هرگاه بدان خوانده شوی اجابت کرده، و هرگاه بدان سؤال شوی عطا می کنی، و از تو می خواهم به حق محمد و خاندانش، و به حق ایشان که بر خود لازم نموده ای، اینکه بر محمد و خاندانش درود فرستاده، و در این ساعت در این ساعت حاجتم را برآوری، ای آقایم ای مولایم ای پناهم.

از تو می خواهم به هر نامی که خود را بدان نام نامیده ای، و در علم غیبت بدان خود را مخصوص نموده ای، اینکه بر محمد و خاندانش درود فرستاده و در رهایی ما از این مشکل تعجیل فرمائی، ای دگرگون کننده قلبها و دیدگان، ای شنونده دعاها، تو بر هر کار قادری، به رحمت ای مهربانترین مهربانان.

۵ - در ادعیه آن حضرت در زوال اندوهها و قضاء حوائج
در بر طرف شدن غصه ها
در بر طرف شدن غصه ها، بعد از نماز آن حضرت
برای بر طرف شدن غصه ها و اندوهها
برای بر طرف شدن غم و اندوه، معروف به دعای فرج
برای بر طرف شدن اندوه
برای بر آورده شدن حاجات، معروف به دعای سهم اللیل
برای بر آورده شدن حاجات.

(۱۹) - دعای آن حضرت

در بر طرف شدن غصه ها

پروردگارا! بلا و آزمایش بزرگ و راز پنهان آشکار شد، و امید به
ناامیدی گزائید، و حجاب دریده شد، و زمین تنگ گردید، و آسمان
[رحمتش را] منع نمود، پروردگارا بسوی توست شکایتیم، و در سختی و
آسانی تکیه ام بر توست.

خدایا! بر والیان امرت، محمد و خاندانش، که امر به اطاعتشان
نموده، و بدین وسیله ما را به منزلت و مقامشان آشنا ساختی، درود فرست،
پس به حق ایشان بر ما گشایشی عطا فرما، گشایشی سریع همچون چشم برهم
نهادن یا نزدیکتر از آن.

ای محمد ای علی، مرا کفایت کنید چرا که شما کفایت کننده من
هستید، مرا یاری نمائید چرا که شما یاریگر من می باشید، ای مولایم ای
صاحب الزمان، به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس، مرا دریاب،
مرا دریاب، مرا دریاب.

(۲۰) - دعای آن حضرت

در بر طرف شدن غصه ها و رفع ناراحتیها،

بعد از نماز آن حضرت

سید بن طاووس می گوید: نماز امام (علیه السلام) دو رکعت است، در هر رکعت سوره حمد را تا آیه " ایاک نعبد و ایاک نستعین " قرائت می کنی، آنگاه صد مرتبه این آیه را تکرار می کنی، سپس سوره را تمام کرده و بعد از آن سوره توحید را می خوانی، بعد از تمام شدن نماز این دعا را می خوانی:

بارالها! بلا و مصائب ما بزرگ گردید، و پرده از روی کارها برداشته شد، امیدمان به ناامیدی گرائید، و زمین در مقابل پهناوری آسمان بر ما تنگ آمده، و تنها تو یاور و مددکار، و مرجع شکایت ما می باشی، و یگانه اعتماد ما در هر سختی و آسانی بر لطف توست.

خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست، کسانی که اطاعتشان را بر ما واجب نموده ای، و بارخدایا گشایش آنان را با ظهور قائم ایشان تعجیل بخش، و بر عزت او بیفزای.

ای محمد ای علی، ای علی ای محمد مرا کفایت کنید که شما کفایت کننده من هستید، ای محمد ای علی، ای علی ای محمد مرا یاری نمائید که شما یاری دهنده من می باشید، ای محمد ای علی، ای علی ای محمد، مرا نگاهبان باشید که شما نگاهبان من هستید.

ای مولای من ای صاحب الزمان، ای مولای من ای صاحب الزمان،
ای مولای من ای صاحب الزمان، به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس،
مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب، امان ده، امان ده، امان ده.

(۲۱) - دعای آن حضرت

برای بر طرف شدن غصه ها و اندوه ها
ای نور ای تدبیر کننده امور، ای برانگیزاننده هر که در قبرها
قرار دارد، بر محمد و خاندانش درود فرست و برای من و شیعیانم در مقابل
سختی گشایش، و در مقابل هم و غم راه رهایی عطا فرما، و راه را بر من
گسترده قرار ده، و آنچه باعث گشایش کار ما می باشد از جانب خودت
عنایت کن، و آنچه تو شایسته آنی در قبال ما انجام ده، ای بزرگوار.

(۲۲) - دعای آن حضرت

برای بر طرف شدن غم و اندوه، معروف به دعای فرج
از ابی الحسین بن ابی بعل کاتب روایت شده: از طرف ابی منصور
بن صالحان مسئولیتی را به عهده گرفتم، بین من و او موضوعی اتفاق افتاد که
باعث شد خود را از دیدگانش مخفی کنم، او بدنبال من فرستاد و مرا
ترسانید، مدتی مخفیانه زندگی می کردم.

در شب جمعه ای به قبرستان قریش رفتم - تا آنجا که گوید:
 در آن حال بودم که کنار قبر حضرت کاظم (علیه السلام) صدای پای زائری را
 شنیدم - تا آنجا که گوید - به من فرمود: ای ابا الحسین بن ابی بگل چرا
 دعای فرج را نمی خوانی؟ گفتم: ای آقایم آن دعا کدامست؟ فرمود:
 دو رکعت نماز گذارده و می گویی:
 ای کسی که کار زیبا را آشکار و کار زشت را پوشانید، ای آنکه بر
 جنایت توبیخ و مؤاخذه ننموده و حجابها را نمی درد، ای آنکه منتش بزرگ
 و چشم پوشیش گرامی و گذشتش بزرگوارانه است، ای صاحب گذشت
 نیکو، ای آمرزنده گسترده، ای آنکه دو دست رحمتش گشوده، و ای دانای
 هر سخن اسرار آمیز، ای مرجع هر شکایت و یاور هر ضعیف، ای آغاز گر
 نعمت قبل از استحقاق داشتن به آن.
 ای پروردگار - ده بار، ای آقایم - ده بار، ای مولایم - ده بار، ای هدفم -
 ده بار، ای نهایت آرزویم - ده بار.
 از تو می خواهم به حق این نامها و به حق محمد و خاندان پاکش - که بر
 تمامی آنان درود باد - ناراحتیم را بر طرف و غم و اندوهم را زائل و بر من
 گشایش عطا نموده، و حالم را اصلاح فرمائی.
 بعد از آن هر دعائی را خواسته باشی خوانده و حاجتت را ذکر
 می کنی.

آن گاه گونه راستت را بر زمین نهاده و صدبار در سجده می گویی:
ای محمد ای علی، ای علی ای محمد، مرا کفایت کنید که شما
کفایت کننده من هستید، و مرا یاری نمائید که شما یاریگر من می باشید.
و گونه چپ خود را بر زمین نهاده و صد بار می گویی: مرا دریاب، و
آن را بسیار تکرار کن، و می گویی: پناهم ده پناهم ده، تا آنگاه که نفست قطع
شود، و سرت را بر می داری.

خداوند به بزرگواریش حاجتت را بر می آورد.

(۲۳) - دعای آن حضرت

برای بر طرف شدن اندوه

خداوند! ای پروردگار نور بس بزرگ و پروردگار عرش بلند، و
پروردگار دریای جوشان، و نازل کننده تورات و انجیل و زبور، و پروردگار
سایه و گرما، و نازل کننده زبور و قرآن کریم، و پروردگار فرشتگان مقرب و
پیامبران و رسولان.

تو پروردگار آنچه در آسمان و زمین است می باشی، و در این دو
معبودی جز تو نیست، و تو بر هر چه در آسمان و زمین است قادری،

در این دو قدرت تنها از آن توست، و تو آفریدگار آنچه در آسمان و زمین است می باشی، و آفریدگاری جز تو در آسمانها و زمین وجود ندارد، و تو حاکم بر هرچه در آسمانها و زمین است می باشی و در آسمانها و زمین حاکمی جز تو وجود ندارد.

پروردگارا! از تو می خواهم به حق آبروی گرامیت، و به حق نور جمال پر فروغت، و فرمانروائی دیرینه ات، ای زنده ای پایدار، از تو می خواهم بنامت که آسمانها و زمینها را بدان پر فروغ ساخته، و بنامت که اولین و آخرین را بدان اصلاح می کنی.

ای زنده قبل از هر زنده، و ای زنده بعد از هر زنده، و ای زنده آنگاه که موجود زنده ای وجود ندارد، و ای احیا کننده مردگان، ای زنده، ای که جز تو خدائی نیست، ای زنده ای پایدار.

از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستاده، و از جایگاهی که بفکر می کنم، و از جایگاهی که بفکر نمی رسد روزی وسیع حلال پاکیزه ای را نصیب گردانی، و هر غم و اندوهی را از من بر طرف کنی، و آنچه بدان امیدوارم را به من عطا نمائی، بدرستی که تو بر هر کار قادری.

(۲۴) - دعای آن حضرت

برای برآورده شدن حاجات، معروف به دعای سهم اللیل
پروردگارا! از تو می خواهم به عزت و سربلندی عزت و اقتدارت، به
نعمت و توان بسیار نیرویت، به اندازه مقدار اقتدار قدرتت، به تأکید ستایش
و تمجید عظمتت، به برتری رشد علو رفعتت.

به جاودانگی و پایداری و تداوم مدتت، به خشنودی و بخشش و
امان و رحمتت، به رفعت و قدرت و اقتدار سلطنتت، به تلاش گران و
ستایشگران بساط رحمتت، به حقایق حق از حقت، به راز پنهان از اسرار،
به جایگاههای عزت از عزتت.

به مهربانی و تضرع و سکون ناله زنان در خضوع و خشوعت، به
آروزها و کارها و گفتار تلاش گران، به خشوع و خضوع و انقطاع صابران، به
عبادت و بندگی و رنج عبادت گران.

پروردگارا! عقول حیران، و چشمها متحیر، و فهمها عاجز، اوهام در
حیرت، افکار ناتوان، و گمانها از ادراک کنه کیفیت آنچه از عجائب

مخلوقات ظاهر شده دور مانده اند، چه برسد به رسیدن به معرفت و شناخت پرتوهای انوار آسمانهایت.

خداوندا! ای به حرکت درآورنده حرکات و آغازگر نهایت پایانها، و خارج کننده سرچشمه های جوشش نباتات، ای آنکه سنگهای سخت و صخره های برافراشته را شکافت، و از آن آبی را جاری ساخت که زندگی مخلوقات درگرو آنست، و حیوانات و نباتات را زنده نموده، گفتارهای پنهان و زبان مورچه های تلاش گر را دانست.

ای آنکه فرشتگان هفت آسمان برای جلال و جمال و عظمت عزت و جبروت و فرمانروایی او تسبیح گو و تهلیل گو و تکبیر گو بوده، و او را از هر عیب منزه می کنند.

ای آنکه ستارگان پر فروغ برای تداوم جاودانگی او نورانی و پرفروغ گشته اند، و عدد زندگان و مردگان را می داند، بر محمد و خاندانش بهترین مخلوقات درود فرست، و حاجت‌هایم را عطا فرما.

(۲۵) - دعای آن حضرت

برای برآورده شدن حاجات

از بزوفری روایت شده که گوید: از ناحیه مقدسه چنین صادر شد: هر کسی حاجتی دارد، شب جمعه بعد از نیمه شب غسل کرده و در مصلايش قرار گرفته و دو رکعت نماز گذارد، در رکعت اول سوره حمد را بخواند، آنگاه که به " ایاک نعبدو ایاک نستعین " رسید آن را صدبار تکرار کند، و با آخرین دفعه سوره را تمام کند.

و سپس سوره توحید را یک بار خوانده و ذکر رکوع و سجده را ۷ بار بگوید، رکعت دوم را نیز این گونه بخواند آنگاه بگوید:

پروردگارا! اگر تو را اطاعت کردم حمد و سپاس از آن توست، و اگر عصیان تو را نمودم حجت و دلیل تو را شاید، نشاط و گشایش از جانب توست، پاک و منزه است آنکه نعمت ارزانی داشت و شکر گذارد، پاک و منزه است آنکه توانا شد و بخشید.

بارالها! اگر عصیان تو را نمودم در بهترین امور نزد تو، یعنی ایمان به تو و اعتقاد بعدم وجود شریک و فرزندی برایت، مطیع تو گردیدم، این امر منتهی است از تو بر من نه منتهی باشد از من بر تو.

پروردگارا! گناه کردن من نه از جنبه تکذیب تو، و نه از جنبه خروج از ساحت عبودیت و بندگی تو، و نه به جهت انکار ربوبیت تو می باشد، بلکه پیروی هوای نفس کرده و شیطان مرا فریب داد.

حجت و دلیل برای توست، اگر در مقابل گناهانم مرا عذاب کنی ستمگر نبوده، و اگر مرا آمرزیده و مشمول رحمت گردانی بدرستی که تو بخشنده و بزرگواری، ای بزرگوار ای بزرگوار... تا آنکه نفس تمام شود. سپس بگوید:

ای آنکه از هر چیز در امانی و همه اشیاء از تو هراسان و در وحشتند، از تو می خواهم به حق در امان بودنت از هر چیز و هراس هر چیز از تو، بر محمد و خاندانش درود فرستاده و به من در جان و خانواده و فرزندان و آنچه به من ارزانی داشته ای امنیتی عطا فرمایی که از هیچ کس نترسیده و از کسی بیمی به خود راه ندهم، تو بر هر کار توانائی، و خداوند برای ما کافی بوده و او بهترین و کیل است.

ای کفایت کننده ابراهیم در مقابل نمرود، و ای کفایت کننده موسی در مقابل فرعون، و ای کفایت کننده محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - در مقابل گروههای مختلف، از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی، و مرا از شر فلان پسر فلان رهایی بخشی. سپس به سجده رفته و حاجت خود را بطلبد.

۶ - ادعیه آن حضرت در پنهان شدن
از دشمنان و دفع خطرات
در پنهان شدن از دشمنان
برای حفاظت از شرور
برای درمان بیماریها

وانصر الحق، وازهق الباطل، ان الباطل كان زهوقا،

(۲۶) - دعای آن حضرت

در پنهان شدن از دشمنان

پروردگارا! مرا از دیدگان دشمنانم پوشیده دار، و بین من و دوستانم جمع فرما، و آنچه به من وعده داده ای را تحقق بخش، و مرا در زمان غیبتم، تا آنگاه که اجازه ظهور دهی حفظ فرما.

و آنچه از احکامت که در گذشت روزگار بفراموشی سپرده شده را بوسیله من زنده کن، ظهورم را نزدیک و رهاییم را آسان فرما، و از جانب خودت قدرت و نیرو به من عطا کن، و پیروزی روشنی نصیبم فرما، مرا به راه مستقیم هدایت کن.

و آنچه از ستمگران در هراسم را از من دور ساز، و از دیدگان کینه توزان، و کسانی که بغض و دشمنی خاندان پیامبر را بدل دارند، مرا پوشیده دار، تا از آنان به کسی آسیبی نرسد.

پس آنگاه که اجازه ظهور دادی مرا با لشکریانت یاری کن، و هر که در یاری دینت با من همراهی کند و در راهت به جهاد برخیزد تأیید فرما، و بر دشمنانم و دشمنانشان آنان را یاری کن، و مرا برای برپاداشتن احکامت موفق بدار، و بر هر که از حدودت تجاوز نموده یاری نما. حق را پیروز و باطل را نابود ساز، چرا که باطل نابود شدنی است،

به شیعیان و یارانم آنچه ایشان را خوشحال می کند و بر پشتیبانیشان می افزاید عطا کن، و ایشان را در حفاظت و حراست خود قرار ده، به حق رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

(۲۷) - دعای آن حضرت

برای حفاظت از شرور

بنام خداوند بخشنده مهربان، ای مالک جانهای مردم، و ای درهم کوبنده لشکریان باطل، ای گشاینده دربها، ای سبب بخش اسباب، راهی را بما بنمایان که بدان قادر نیستیم، به حق خداوندی خود و رسالت پیامبرت، که درود تو بر او و خاندانش باد.

(۲۸) - دعای آن حضرت

برای درمان بیماریها

آن حضرت این دعا را به شخص بیماری آموخت که آن را بنویسد و در آب قرار دهد و آب را بنوشد:

بنام خداوند که درمان نزد اوست، و سپاس خدای را سزااست که شفاء از اوست، خدائی که معبودی جز او نیست و همین برایم کافی است،

أو شفا دهنده است، أو كفایت کننده می باشد، به حق خودت ناراحتی را دور ساز، با درمانی که دردی در آن نباشد، و بر محمد و خاندانش درود فرست.

۷ - ادعیه آن حضرت در ماه رجب

در هر روز از ماه رجب

در هر روز از ماه رجب

در هر روز از ماه رجب

در زیارت مخصوص ماه رجب

در روز مبعث

در روز مبعث و عید فطر و قربان و جمعه، معروف به دعای ندبه.

(۲۹) - دعای آن حضرت

در هر روز از ماه رجب

پروردگارا! ای دارای منتهای کامل و نعمتهای باز دارنده از حرام و رحمت پهناور، و قدرت کامل بر هر چیز، و نعمتهای بزرگ، و موهبتهای عظیم، و بخششهای نیکو، و عطاهای برجسته.

ای خدائی که با مثال زدن به وصف در نیاید، و ماندی برایش متصور نشود، و به هیچ قدرتی مغلوب نگردد، ای کسی که آفرید و روزی داد، و الهام کرده و به سخن درآورد، و ابداع کرد و شروع به آفرینش نمود، و مقامش برتر از اندیشه گردید، و مقدر کرد و نیکو تقدیر نمود، و صورت گری نمود و محکم تصویر کرد، و احتجاج نمود و رسانید، و نعمتهای گسترده و عطاهای بسیار و بخششهای فراوان عنایت کرد. ای کسی که چنان عزیز گردیده که چشمهای بینای دل بدان راه نیابد، و آن چنان نزدیک شده است، تا آنجا که از دغدغه های افکار فراتر رود، ای آنکه در پادشاهی و سلطنت یگانه باشد، و از اینرو در قلمرو حاکمیتش رقیبی ندارد، و در بخششها و عطاهايش متفرد است و از اینرو در شأن و جلالت ضدی برایش متصور نگردد.

ای آنکه در بزرگی و هیبتش او هام متحیر گردیده، و در ادراک کمترین مرتبه عظمتش دیده صاحب نظران عاجز شده، ای کسی که در مقابل هیبتش آدمیان متواضع، و در قبال عظمتش گردنها خاضع، و دلها از

ترس او هراسان شده است. از تو می خواهم به حق این ستایشی که تنها شایسته توست، و به حق وعده هایی که بر خود لازم نموده ای که به دعا کنندگان با ایمانت عطا کنی، و به آنچه اجابت آن را برای دعا کنندگان بر خود ضمانت کردی. ای شنواترین شنوندگان و ای بیناترین بینندگان، و ای سریع ترین حسابرسان، ای دارای اقتدار کامل، بر محمد خاتم پیامبران و خاندانش درود فرست.

و در این ماه بهترین بهره را نصیبم فرما و در مقدراتت بهترین آنها را برایم مقدر کن، و در زمره افرادی که سرانجامشان به خیر منتهی می شود مرا قرار ده، و تا آنگاه که مرا زنده قرار دادی زندگیم را با وسعت و فراوانی مقدر فرما، و مرا خرسند و آمرزیده بمیران. حسابرسی برزخ مرا خود به عهده گیر، نکیر و منکر را از من دور، فرشتگان بشارت " بشیرو مبشر " را به من بنمایان، و راهم را بسوی بهشت و رضوانت قرار ده، همراه با زندگی نیکو و فرمانروایی بزرگ، و بر محمد و خاندانش بسیار درود فرست.

(۳۰) دعای آن حضرت

در هر روز از ماه رجب

بار الها! از تو می خواهم به حقیقت تمامی آن [نام] ها که والیان امرت با تو بدانها راز و نیاز می کنند، [والیانی که] امانتدار راز تو، و شادمان از فرمان تو، نشان گر توانائی تو، و روشن گر بزرگی تو می باشند.

از تو می خواهم به حق آنچه از خواست تو که در باره آنان بروز و صدور یافت، پس ایشان را گنجینه همیشگی جلوه های خود، و پایه استوار یکتا شناسی خویش، و نشانه شگفت خویشتن قرار دادی، و پایگاه خودت ساختی [آن چنان که] هیچ کجا بدون آن نماند، و هر کس تو را شناخته بوسیله آنها می شناسد.

میان تو و آنها تفاوتی نیست مگر اینکه آنان بنده و آفریده تو اند، که پراکندگی و پیوستگی آنها بدست توست، و آغاز شان از تو و باز گشتشان بسوی توست، آنان یاوران و گواهان، و آزمایش گران و مدافعان، و نگهداران، و پیشروان [مردم] هستند، پس آسمان و زمین خود را از [نور] ایشان پر ساختی، تا آشکار گشت که جز تو خدائی نیست.

پس به حق این [کلمه توحید] و به جایگاههای گرانمایه بخشایش تو، و به پایگاهها و نشانه هایت، از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و بر ایمان و پایداری من بیفزائی.

ای آنکه در اوج پیدائی خود پنهانی، و در نهایت پوشیدگی و پنهانی

خود آشکاری، أي جدا سازنده روشنائی از تاریکی، أي [خدائی] که ستوده می شوی اما حقیقت ذات تو نشاندار نمی گردد، و شناخته می شوی اما همانندی برایت یافت نمی گردد، أي محدود کننده هر چیز حد پذیر، و بیننده هر چیز دیده شده، و هستی بخش هر هستی یافته، و شمارنده هر چیز شمارش پذیر، و نابود کننده هر نابود شده، جز تو کسی سزاوار پرستش نیست، تو دارای بزرگ منشی و بخشندگی هستی.

أي کسی که به هیچ گونه أي کیفیت نیابی، و در هیچ مکانی جای نگیری، ای که از تمامی دیده ها در پرده أي، أي همیشه ماندنی، ای به پا دارنده جاوید نظام جهان، و دانای همه دانسته ها، درود فرست بر بندگان برگزیده ات و انسانهای پوشیده و گمنامت، و فرشتگان ویژه بارگاہت، و سپاهیان دلیر گرداگرد صف کشنده.

و در این ماه شکوهمند گرامی " رجب " و ماههای حرام بعد، بر ما خیر و برکت عطا فرما، و نعمت ها را بر ما تمام و کامل فرو ریز، و روزی ما را فراوان نما، و سوگند ما را راست گردان.

به حق نام بسیار بسیار بزرگ و گرامی تو، که چون آن را بر روز نهادی روشن گردید، و آن گاه که بر شب فرو افکندی تاریک گشت، و آنچه از [لغزشهای] ما که می دانی و ما بدانها آگاه نیستیم را ببخشای، و ما را از گناهان با نیکو ترین باز دارنده ها نگاهدار، و با مقدرات کفایتگرت بی نیاز گردان، و با خوشبینی و نیک اندیشی خود بر ما منت گزار.

و ما را به غیر خودت وا مگذار، و از احسان خود ما را باز مدار، و به سالهای زندگی ما که مقدر فرموده أي برکت عطا کن، و رازهای پوشیده ما را

نیکو گردان، وبما از سوی خود امنیت بخش، و با ایمان نیکو به کار گیر، و ما را به ماه رمضان و روزها و سالهای بعد آن برسان، ای دارای نهایت بزرگی و بخشندگی.

(۳۱) دعای آن حضرت

در هر روز از ماه رجب

خدایا! از تو می خواهم به حق دو مولود در ماه رجب محمد بن علی دوم [امام جواد] و فرزند برگزیده اش علی بن محمد، و به آنها نزد تو بهترین تقرب را می جویم.

ای کسی که نیکی از او خواسته شود، و بدانچه نزد اوست همه مشتاقند، از تو می خواهم خواست بنده گناهکار و خطا کار که گناهانش او را به هلاکت انداخته و عیبهای او را اسیر نموده است، بر انجام کار خطا عادت کرده و زندگیش توأم با غم و اندوه و رنج است.

پذیرش نیکوی توبه اش و خودداری از انجام خطا و گناه، و رهایی از آتش دوزخ و بخشش آنچه در ذمه دارد را از تو در خواست می کند، و تو مولای من بزرگترین آرزو و محل وثوق او می باشی.

بار خدایا! و از تو می خواهم به حق مسائل شریف و وسیله ارزشمندت، که در این ماه مرا غرق رحمتهای واسع و نعمتهای گوناگون

خود نموده و جانم را بدانچه داده ای قانع گردانی، تا آن زمان که در قبر و منزل آخرت و آن جا که همه بدان سو می رود قرار گیرم.

(۳۲) دعای آن حضرت

در زیارت مخصوص ماه رجب

ستایش خداوند را سزااست که ما را در محل حضور بندگان ویژه اش در ماه رجب حاضر کرد، و آنچه از حق آنها که واجب بود را بر ما فرض نمود، و درود فرستد خدای بر محمد برگزیده شده و بر جانشینان به احیای وی.

خداوندا! هم چنان که حاضر کردی ما را در محل حضورگاه آنان، پس وعده ایشان را تحقق بخش و ما را در محل ورودشان وارد ساز، بدون آنکه از ورود به خانه اقامت و بهشت جاوید رانده شویم.

سلام بر شما، من قصد شما کرده و در بر آورده شدن حاجتم به شما اعتماد نمودم، و آن عبارتست از رهایی کامل از آتش دوزخ و همسایگی شما در خانه ابدی به همراه شیعیان نیکو کارتان، و سلام بر شما، برای آنکه صبر کردید پس چه خوبست سر انجام این خانه.

من نیازمند شما و امیدوار بشمایم در آنچه به شما تفویض شده و عوض دادنش بر شماست، چه اینکه استخوان پیاپی شکسته به شما متصل

شده و مریض به شما شفا یابد و نیز آنچه رحما بیفزایند و فرو برند.
من به اسرار شما مؤمن و به گفتارتان تسلیم می باشم، و به خدا به شما
سوگند یاد می کنم که از سوی شما با حاجت‌هایم و بر آورده شدن و موفقیت
آمیز بر آوردن و گرامی شمردن آنها، باز گشتم نمایم، و نیز در اینکه از
سویتان با کارهای مهم در پیش شما و اصلاح آنها باز گردم.
و سلام بر شما، سلام فرد وداع کننده که حوائجش را به شما سپرده
است، از خدا می خواهد باز آمدن و شتافتن بدون انقطاع بسوی شما، و
اینکه مرا از حضور شما با بهترین نحو بسوی درگاه پر خیر و برکت، و زندگی
با وسعت و آسوده تا زمان مرگ باز گرداند، و با نوید بهترین بازگشت گاه، در
میان نعمت ازلی و در زندگانی آینده جاودانه، و خوردن همیشگی و
نوشیدن شراب ناب و آب بس گوارا و نوشیدنیهای دفعه دفعه و يك دفعه، پی
ستوه و ملال در آنجا.
و رحمت و برکات و بخشایش الهی بر شما، تا وقت باز آمدن
بحضورتان، و رستگاری در زمان رجعتتان، و محشور شدن در زمره شما، و
رحمت خدا و برکات و درودها و تحیات الهی بر شما، و او ما را کافی بوده و
چه نیکو نماینده ای است.

(۳۳) دعای آن حضرت

در روز مبعث

توسط ابی القاسم حسین بن روح - نائب سوم امام - از امام زمان
(علیه السلام) روایت شده که فرمود: در روز ۲۷ رجب دوازده رکعت نماز
می گذاری، در هر رکعت حمد و هر سوره ای که میسر باشد خوانده، و تشهد
گفته و سلام می گویی و می نشینی و بین هر دو رکعت می گوئی:
ستایش خدای راست که فرزندی نگرفته و در فرمانروائی شریکی
برایش نیست، و سر پرستی از خواری ندارد و او را بسیار بزرگ شمار.
ای توشه ام تا پایان عمرم، ای یارم در سختی، ای سرپرستم در
نعمتم، ای فریاد رسم در وقت میل و رغبت، ای علت موفقیتیم در
حاجتم، ای نگهبانم در غیابم، ای کفایت کننده ام در تنهائیم، ای همدم در
و حشتم.

توئی پوشاننده عورتم، پس ستایش مخصوص توست، و توئی نادیده
گیرنده لغزشم، پس ستایش از آن توست، و توئی نیک بر دارنده ام بهنگام
افتادگیم، پس ستایش تو را سزااست.

درود فرست بر محمد و خاندانش و عورتم را بپوشان، و پریشانی

خاطرم را امنیت بخش و لغزشم را نادیده گیر، و از گناهم چشم بپوش، و از بدیهایم درگذر، و مرا در زمره بهشتیان قرارده به حکم وعده راستی که مشمول آنان شده بود.

و آن گاه که از نماز و دعا فارغ شدی، هر يك از سوره هاي حمد و اخلاص و سوره کافرون و ناس و فلق و انا انزلناه و آية الكرسي را هفت بار می خوانی سپس می گوئی:

خداست خداست پروردگارم، و شريك با او قائل نشوم، و می خواهی هرچه را که می خواهی.

(۳۴) دعای آن حضرت

در روز مبعث و عید فطر و قربان و جمعه، معروف به دعای ندبه حمد و سپاس مخصوص خداوند است که هیچ معبود حقی جز او نیست، و حمد او را سزا است که پروردگار جهانیان است، و درود و سلام خداوند بر آقای ما محمد پیامبر او و خاندانش باد. خداوندا! حمد تو راست بر آنچه حکم تو در مورد اولیاءت جاری شد، کسانی که برای خود و دینت خالص کردی، آنگاه که برای ایشان فراوانی نعمتهایت را انتخاب فرمودی، نعمتهای پایداری که نیستی و از هم گسستگی در آنها راه نمی یابد، پس از آنکه بر آنان شرط نمودی که نسبت به درجات وزر و زیورهای این دنیای فانی زهد ورزند، پس ایشان این شرط را پذیرفتند و دانستی که بدان وفادار خواهند ماند.

از این رو ایشان را قبول فرموده و مقرب درگاه خویش ساختی، و یاد بلند و ستایش آشکاری را بر ایشان مقدر نمودی، و فرشتگانت را بر آنان فرو فرستاده، و به وحی خویش گرامیشان داشتی، و به علم خود یاریشان فرمودی، و ایشان را سببهایی بسوی خویش و وسیله ای برای راهیابی به خشنودی خود قراردادی.

آنگاه یکی از ایشان را در بهشت خودت ساکن گرداندی تا آنکه از آن بیرونش بردی، و یکی را در کشتی [نجات] خود نشانیدی و او و همراهان با ایمانش را به رحمت خویش از هلاکت نجات دادی، و دیگری را خلیل و دوست خود نمودی، و از تو زبانی راستین در خواست کرد، خواهش او را اجابت کرده و آن زبان راستین را بلند مرتبه قراردادی.

و با دیگری از درختی سخن گفتی و برای او از [وجود] برادرش پشتوانه و وزیری قراردادی، و دیگری را بدون پدر ایجاد نمودی و دلائل روشنی به او داده و به روح القدس تأییدش کردی.

و از برای هر کدام آئینی پدید آوردی و شیوه ای ارائه دادی، و برای هر يك از آنان جانشینانی اختیار کردی که یکی پس از دیگری نگهبان آن آئین باشند، و مدت معینی این مسئولیت را به عهده گیرند، تا دینت پایدار و حجت بر بندگان تمام گردد، و حق از جایگاهش کنار زده نشود، و باطل بر اهلش چیره نگردد، و تا اینکه کسی [در روز قیامت] نگوید: چرا فرستاده هشدار دهنده ای بسوی ما نفرستادی و نشانه راهنمایی برایمان بر پای نداشتی، تا پیش از آنکه به ذلت و خواری واقع شویم از آیات پیروی کنیم.

تا اینکه امر [دین] را به دوست و برگزیده ات محمد - که درود تو بر او و خاندانش باد - سپردی، پس او هم چنان که او را برگزیدی آقای مخلوقات، و عصاره برگزیدگانت، و برترین منتخبانت، و گرامی ترین معتمدانت بود.

او را بر پیامبران برتری داده و بسوی جن و انس برانگیختی، شرق و غرب زمین را در زیر گامهایش گذرانده و براق را برایش مسخر ساخته، و او را به آسمانها بالا بردی، و علم آنچه بود و آنچه خواهد بود تا هنگام به آخر رسیدن آفرینشت را به او سپردی.

سپس بوسیله هراس [افکندن در دل دشمنان] یاریش کردی، و جبرئیل و میکائیل و فرشتگان نشاندارت را در پیرامونش قراردادی، و او را وعده فرمودی که دینش را بر همه دینها چیره و آشکار سازی، هر چند که مشرکین را ناخوش آید.

و آن پس از این بود که جایگاه راستینی از جهت خاندانش برایش قراردادی، و برای او و خاندانش نخستین خانه ای که برای مردم نهاده شده بود را مقرر ساختی، [خانه ای که] در مکه است با برکت و هدایتگر جهانیان، در آنست نشانه ای روشن و مقام ابراهیم، که هر کس در آن وارد شود ایمن خواهد بود، و فرمودی: " بدرستی که خداوند می خواهد رجس و پلیدی را از شما اهل بیت دور سازد و شما را پاک گرداند پاک کردنی بسزا. "

آنگاه پاداش پیامبر - که درود تو بر او و خاندانش باد - را مودت به آنان مقرر ساخته، و در کتابت فرمودی: " بگو ای پیامبر که بر رسالت خود پاداشی جز مودت در حق نزدیکانم از شما نمی خواهم "، و فرمودی: " آنچه بعنوان مزد رسالت از شما خواستم به سود خود شماست "، و فرمودی: " من از شما مزدی نمی خواهم مگر اینکه کسی بخواهد بسوی پروردگارش راهی در پیش گیرد "، پس آنان [خاندان پیامبر] راه بسوی تو و وسیله رسیدن به خشنودی تو بودند.

چون [روزگار رسالت پیامبر و] دوران عمرش سپری گشت ولی خودش علی بن ابی طالب - که درود تو بر ایشان و خاندانشان باد - را برای هدایتگری قرارداد، چرا که او هشدار دهنده بود و برای هر قوم هدایتگری می باشد، پس در حالی که انبوه جمعیت در پیشاپیش او بودند چنین گفت: هر کسی را من مولی هستم علی مولای اوست، بارالها دوست بدار هر که از او پیروی کند، و دشمن دار هر که را با او به ستیز برخیزد، و پیروزمند گردان هر که یاریش کند، و خوار نما هر که خوارش نماید.

و فرمود: هر کسی که من پیامبر او هستم علی امیر او می باشد، و فرمود: من و علی از يك درخت هستیم و سائر مردم از درختهای گوناگون. و او را نسبت به خود همانند منزلت هارون به موسی قرارداد و فرمود: تو نسبت به من در منزلت و رتبه هارون نسبت به موسی هستی مگر اینکه پیامبری پس از من نیست، و دخترش بزرگ زنان جهانیان را به او تزویج کرد، و آنچه از مسجدش برایش حلال بود را برای او حلال کرد، و تمام دربها [که به مسجد باز می شد] را جز درب [منزل] او را بست، آنگاه علم و حکمتش را در او بودیعت سپرد و فرمود: من شهر علم هستم و علی درب آنست، هر که حکمت می خواهد باید که از آن درب داخل شود، و به او فرمود:

تو برادر، و وصی و وارث من هستی، گوشت تو از گوشت من، خون تو از خون من، همدردی با تو همدردی با من، و جنگ با تو جنگ با من است، و ایمان با گوشت و خون تو آمیخته، هم چنان که با گوشت و خون من آمیزش یافته است، و تو [در روز قیامت] بر حوض کوثر با من و جانشین منی، و تو ادا کننده قرض من و تحقق بخش وعده هایم می باشی، و شیعیان تو در بهشت بر منبرهایی از نور و با چهره هایی سپید پیرامون من بوده و همسایگان منند، ای علی اگر تو نبودی پس از من مؤمنین شناخته نمی شدند. پس [امیر مؤمنان] بعد از او هدایتگر از گمراهی، روشنگر از نایبائی، ریسمان محکم الهی، و راه راست او بود، کسی در نزدیکی به پیامبر از او مقدم تر، و در دین از او با سابقه تر نبود، به منقبتی از مناقب او کسی دست نمی یافت، در جای پای پیامبر گام نهاده، و بر اساس تأویل قرآن [با پیمان شکنان] جنگ می کرد، در راه خدا ملامت هیچ ملامت کننده ای در او اثر نداشت، در راه خدا گردنکشان عرب را بکس گذارده و پهلوانان آنان را کشت، و گرگهایشان را به هلاکت رسانید، پس در دلهای آنان از جهت جنگهای بدر و خیبر و حنین و غیر آنها کینه ها بر جای گذارد. از اینرو به دشمنیش برخاسته و در پی نابودی او متحد شدند، تا آنکه پیمان شکنان و منحرفان و سرکشان را بقتل رسانید، و آن گاه که دورانش سپری گشت و شقی ترین افراد در متأخرین بعد از شقی ترین آنان در گذشتگان، ایشان را بقتل رسانید، فرمان پیامبر - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - در مورد هدایتگران پی در پی اطاعت نگردید، و امت بر

دشمنی با او اصرار داشته و متحد شدند که رحم او را قطع نموده و فرزندان را [از شهر و دیارشان] دور سازند، جز عده اندکی از [امت] که به علت رعایت حق در موردشان وفادار ماندند.

پس کشته شد هر آنکه کشته شد، و اسیر گردید هر که به اسارت درآمد، و تبعید شد هر آنکه تبعید گردید، و سرنوشت برای آنان بگونه ای جریان یافت که امید پادش نیک برای آن هست، چه اینکه زمین از آن خداوند است به هر کسی از بندگانش که بخواهد آن را به ارث می دهد و سرانجام کار با تقوا پیشگان است، و خداوند از هر گونه نقص و آلائش منزّه است و وعده خداوند حتمی است، و به هیچ وجه تخلفی در وعده الهی نیست، و اوست خدای عزیز و حکیم.

پس بر پاکیزگان از خاندان محمد و علی - که درود خداوند بر آنان و خاندانشان باد - باید که گریه کنندگان بگریند، و مویه کنندگان مویه کنند، و به خاطر چنان بزرگوارانی باید که اشکها ریخته شود، و می بایست فریاد زندگان فریاد زنند، و ضجه کنندگان ضجه کنند، و ناله سر دهندگان ناله سر دهند.

حسن کجاست؟ حسین کجاست؟ فرزندان حسین کجایند؟ نیکویی بعد از نیکویی، و راستگویی پس از راستگویی دیگر؟ کجاست راه [خداوند] پس از راه دیگر؟ کجاست برگزیده ای بعد از برگزیده ای؟ کجایند خورشیدهای پرتو افکن؟ کجایند ماههای درخشانده؟ کجایند ستارگان تابناک؟ کجایند نشانه های دین و پایه های علم؟

کجاست آن حضرت بقية الله که از عترت هدايتگر بیرون نیست؟ کجاست
 آن آماده شده برای بر کردن دنباله ستمگران؟ کجاست آن انتظار
 کشیده شده برای بر طرف ساختن کژی ها و انحرافات؟ کجاست آن که برای
 زائل کردن ستم و تجاوز امید به اوست؟
 کجاست آنکه برای تجدید کردن واجبات و سنتها و ذخیره شده؟ کو
 آنکه برای برگرداندن آئین و شریعت برگزیده شده؟ کو آنکه برای زنده
 کردن کتاب خدا و حدود آن آرزو به اوست؟ کجاست آن زنده کننده
 نشانه های دین و اهل آن؟
 کجاست درهم شکننده شوکت و عظمت تجاوزگران؟ کجاست خراب
 کننده بناهای شرك و نفاق؟ کجاست نابود کننده اهل فسق و گناه؟
 کجاست دور کننده شاخه های گمراهی و دو دستگی؟ کجاست فانی کننده
 اهل سرکشی و طغیان؟
 کجاست ریشه کن کننده اهل عناد و گمراهی والحاد؟ کجاست عزت
 دهنده دوستان و خوار کننده دشمنان؟ کجاست متحد کننده کلمه بر مبنای
 تقوی؟
 کجاست آن دری که از طریق آن به خداوند راه یافته می شود؟
 کجاست آن وجه الله که اولیای خدا به سوی او روی همی آورند؟ کجاست
 آن سبب پیوسته میان اهل زمین و آسمان؟ کجاست صاحب روز پیروزی
 و بر افراونده پرچمهای هدایت؟ کجاست آنکه پراکندگی صلاح و خشنودی
 را فراهم می آورد؟

كجاست آن طلب كننده خون پيامبران و فرزندان آنان؟ كجاست آن انتقام گيرنده خون كشته شده در سرزمين كربلا؟ كجاست آن پيروزمند بر هر كه بر حريم او تجاوز کرده و تهمت زند؟ كجاست آن مضطر و ناچاري كه هرگاه دعا كند اجابت مي شود؟ كجاست آن صدر نشين جهانيان صاحب نيكي و تقوي؟ كجاست فرزند پيامبر مصطفي و فرزند علي مرتضي و فرزند خديجه بزرگوار و فرزند فاطمه زهرا.

پدر و مادرم فدائيت و جانم سپر بلاي تو و حمايت كننده تو باد، اي فرزند آقايمان مقرب، اي فرزند اصيل ترين و بزرگوارترين اهل عالم، اي زاده هدايتگران ره يافته، اي زاده برگزیدگان پاكيژه، اي فرزند شريفترين مردمان، اي فرزند نيكوترين پاكان، اي فرزند جوانمردان برگزيده، اي فرزند گرامي ترين بزرگواران.

اي زاده ماههاي تابان، اي زاده چراغهاي درخشان، اي زاده شهابهاي تابان، اي زاده ستارگان فروزان، اي فرزند راههاي روشن بسوي خدا، اي فرزند نشانه هاي آشكار، اي زاده علوم كامل.

اي زاده سنتهاي مشهور، اي فرزند آثار ثبت شده، اي فرزند معجزات موجود، اي فرزند رهنمايان مشهود خلق، اي فرزند صراط مستقيم، اي فرزند نبأ عظيم، اي فرزند كسي كه در علم حق نزد خداوند داري برجسته ترين مقامها و حكمتهاي الهی است.

أبي فرزند آیات روشن پروردگار، أبي فرزند دلائل آشكار حق، أبي زاده برهانهای واضح حیرت انگیز، أبي فرزند حجت‌های بالغه الهی، أبي فرزند نعمت‌های تمام خداوند.

ای فرزند طه و محکّمات، ای فرزند یس و ذاریات، ای فرزند طور و عادیات، أبي فرزند آن بزرگواری که آن قدر نزدیک شد و پیش رفت تا اینکه همچون نزدیکی دو سر کمان یا نزدیکتر به خداوند علی‌اعلیٰ نزدیک شد.

أبي کاش می دانستم که دوری تو را به کجا کشانده، و کدام سرزمین یا خاک تو را در بردارد، آیا در زمین رضوی یا غیر آن یادی طوی مسکن داری؟

بسیار دشوار است بر من که همه خلق را بینم و تو دیده نشوی، و هیچ صدائی و سخنی هر چند آهسته هم از تو نشنوم، بسیار سخت است بر من که بلاها تو را بدون من احاطه کند و از من به تو ناله و شکایتی نرسد. جانم فدای تو باد أبي پنهان شده أبي که از ما دور نیستی، جانم به قربان تو ای دور از وطنی که از ما دور نشده، جانم فدای تو باد أبي آروزی مشتاقان و مورد تمنای هر مرد و زن اهل ایمان که به یاد تو ناله می زنند. جانم فدایت باد ای بسته به عزتی که هیچ کس به آن نتواند رسید، جانم فدایت باد أبي صاحب مجد و شرف که همانندی ندارد، جانم فدایت باد أبي صاحب نعمت‌های دیرینه که نظیری برایش نیست، جانم فدایت باد أبي رمز شرافت که احدی با آن برابری نتواند کرد.

ای مولایم تا کی در فراق ناله بر کشم [تا کی در انتظارت حیران بمانم]، با کدام گفتار تو را بستایم، و چگونه و با چه زبانی آهسته با تو سخن گویم؟ بسیار دشوار است بر من که از غیر تو پاسخ داده شوم و هم سخن کردم، بسیار سخت است بر من که بر فراق بگریم و مردم تو را واگذارند، بر من سخت و دشوار است که بر تو و نه بر دیگران بگذرد آنچه گذشته است.

آیا کسی هست که مرا یاری دهد تا با او هم ناله شوم و مدتی طولانی باهم بگرییم، آیا زاری کننده ای وجود دارد که او را در حال تنهایی در زاریش یاری دهم، آیا چشم متألم از فرط گریه ای هست که چشم من او را بر گریستن همراهی کند، ای فرزند پیامبر آیا راهی بسوی تو هست که با تو ملاقاتی صورت گیرد [یا آن راه یافته شود]، آیا این روز [تاریک غیبت] به فردای دیدار جمالت می رسد که ما بهره مند شویم.

کی شود که بر چشمه های سیراب کننده ات بر آییم و سیراب گردیم؟ کی شود که از آب زلال [ظهور] تو برخوردار شویم که تشنگیمان طولانی شده؟ کی شود که هر بامداد و شامگاه به دیدارت مشرف شویم و دیده هایمان روشن گردد؟ کی تو ما را و ما تو را ببینیم در حالی که پرچم پیروزی را بر افراشته و آشکارا دیده شوی.

آیا می شود که پیرامونت گرد آمده باشیم و تو رهبری مردم را عهده دار شده باشی، در حالی که جهان را از عدل و داد پر کرده، و دشمنانت را خواری و عقوبت چشانده و، سرکشان و منکران حق را نابود فرموده باشی، و متکبران را ریشه کن ساخته و ستمگران را از بن براندازی و ما بگوئیم: حمد مخصوص پروردگار جهانیان است.

بار خدایا! تو بر طرف کننده غمها و بلاها هستی، بدرگاهت شکایت می آوریم که دادگری نزد توست، و توئی پروردگار آخرت و دنیا. ای فریاد رس پناهندگان، بنده کوچک مصیبت زده را داد رسی کن، و آقایش را به او بنمایان، ای خداوند بسیار قدرتمند، و بظهورش غم و اندوه و سوز دل را از این بنده ضعیف دور گردان، و دل تفتیده را خنک فرما، ای آنکه بر عرش استوار بوده و بازگشت همه بسوی اوست. بار خدایا! و ما بندگان توایم که مشتاق ظهور ولایت هستیم، آنکه یادآور تو و پیامبر توست، او را برای نگاهبانی و پاسداری آفریدی و قوام و پناهگاه همان قراردادی، و برای مؤمنان او را به امامت منصوب فرمودی پس تحیت و سلام ما را به حضرتش برسان و بدین وسیله گرامی داشتت را نسبت بما افزون فرما، و قرارگاه او را جایگاه و منزل ما قرارده، و نعمت را تمام کن، به اینکه او را پیش روی ما آوری، تا آنکه به بهشتهایت واردمان فرمائی و با شهیدان خالص و برگزیده ات رفیق و همنشین نمایی. بار خدایا! بر حجتت و ولی امرت درود فرست و بر حضرت محمد، جد او، رسالت، بزرگ آقای عالم، درود فرست، و نیز بر پدرش آقای کوچک و بدست گیرنده پرچم در روز محشر، و سیراب کننده دوستانش از حوض کوثر، و امیر بر تمامی انسانها، کسی که هر که به او ایمان آورد پیروزمند، و هر که او را انکار کرد امر عظیمی را مرتکب گردیده و کافر شده است.

خداوندا! بر پیامبر و بر برادرش امیر المؤمنین و بر فرزندان سپید روی آنان، درود فرست، تا آنگاه که خورشید پر تو افشانی کرده و ماه می درخشد، و نیز بر جده اش صدیقه کبری فاطمه زهرا دختر

پیامبر برگزیده، و بر برگزیدگان از پدران نیکویش و بر خود او، بهتر و کامل تر و تمام تر و جاودانه تر و بیشتر و فزون تر از آنچه که بر فردی از برگزیدگان و نیکان از خلقت درود فرستاده ای، بر اینان درود فرست، و بر او درود فرست درود فرستادنی که شماره اش را پایان نباشد و امدادش خاتمه نپذیرد، و زمانش هیچ گاه سپری نگردد.

بار خدایا! و به وجود آن حضرت حق را به پا دار و باطل را از میان بردار، و دوستان را به او به دولت و سلطنت برسان، و دشمنان را به او خوار گردان، خداوندا بین ما و او پیوندی برقرار کن که به همنشینی پدرانش [در بهشت] بیانجامد، و ما را از کسانی قرارده که به دامان آنان چنگ زنند و در سایه آنان زیست کنند، و ما را یاری فرما تا حقوق او را ادا کرده و در اطاعتش اهتمام ورزیم و از نافرمانیش اجتناب نمائیم.

و به رضایت و خشنودی آن بزرگوار از ما بر ما منت گذار و رأفت و مهر و دعا و خیر آن جناب را بما موهبت فرما، تا بوسیله آن به رحمت پهناور تو دست یابیم و نزد تو رستگار گردیم، و به برکت او نماز ما را قبول فرما و به او گناهانمان را بیامرزد و دعایمان را مستجاب کن و روزیمان را فراخ گردان، و هم و غم ما را چاره کن، و حاجت‌هایمان را برآورده ساز، با وجه کریم خویش بما توجه کن، و تقرب ما را بسوی خود بپذیر.

و با رحمت خویش بر ما نظر افکن تا با آن به کمال گرامی داشت تو
راه بریم، آنکه دیگر هرگز آن را به جود و کرم خود از ما مگیر، و ما را از
حوض جدش پیامبر، به جام او و بدست او سیراب گردان، سیراب شدنی
کامل و خوش و گوارا و خوب، که هرگز پس از آن تشنگی نباشد، ای
مهربانترین مهربانان.

۸ - ادعیه آن حضرت در ماه مبارک رمضان
در شبهای ما مبارک رمضان، معروف به دعای افتتاح
بعد از نماز صبح روز عید فطر

(۲۳۱)

(۳۵) دعای آن حضرت

در شبهای ماه مبارك رمضان، معروف به دعای افتتاح پروردگارا! با ستایش تو ثناء خود را آغاز می کنم، در حالی که تو با منتت راه درست را تحکیم می گردانی، و یقین دارم که در موضع عفو و رحمت مهربانترین مهربانان، و در مقام عقاب و انتقام سخت ترین مجازات کنندگان، و در جایگاه کبریا و عظمت بزرگترین جبارانی. بارالها! تو به من اجازه دادی که بدرگاهت دعا کرده و حاجت طلبم، پس أي شنوا مدحم را بشنو، و ای رحیم دعایم را اجابت فرما، و ای آمرزنده از لغزشم در گذر، أي خدایم چه بسیار اندوههایی که بر طرف کردی، و غصه ها که از جانم زدودی، و لغزشها که نادیده گرفته، و رحمت ها که منتشر نموده، و زنجیرهای بلا را از هم گسستی. ستایش مخصوص خداوندی است که همسر و فرزندی او را نیست، و در سلطنت و پادشاهی شریکی نداشته، و سرپرستی از روی ذلت و خواری ندارد و او را بسیار بزرگ شمار. ستایش از آن خداوند است با تمامی ستودنی هایش بر تمامی نعمتهایش، ستایش خدای راست که در سلطنتش ضد و مخالفی ندارد، و در تدبیر و کارهایش کشمکش کننده ای نیست.

ستایش از آن خداوندی است که در آفرینش او را شریکی نبوده، و در عظمت همانندی ندارد، سپاس خدای راست که امر و ستایشش در میان مردم روشن، و بزرگواریش به لطف و کرمش پدیدار، و دست عنایتش به جود و بخشش گشاده است، گنجینه های رحمتش نقصان نپذیرد، و کثرت عطا جز بر جود و کرامتش نیفزاید، که او بسیار با عزت و بخشش است. خداوندا! اندکی از بسیار را از تو درخواست می کنم، با آنکه به آن سخت نیازمندم، و تو از آن حاجت از آغاز بی نیاز بودی، و [همان اندک حاجت] نزد من بسیار و ادایش برای تو سهل و آسان است. خدایا! آمرزش تو از گناه و گذشتت از خطاهایم، و چشم پوشیت از ظلم، و پرده پوشیت بر عمل زشتم و حلم و بردباریت بر جرم و گناه بسیارم، که به خطا و عمد انجام دادم، مرا به طمع انداخت که از تو چیزی را درخواست کنم که مستحق آن نیستم، همان که تو به رحمت خویش روزیم گردانیدی و از روی قدرتت آن را به من نمایانیدی، و از اجابتت به من شناسانیدی.

از اینرو چنان شده ام که تو را با آرامش می خوانم، و با انس و رغبت و بدون ترس و بیم از تو حاجت می طلبم، و باز بر تو آنچه می خواستم را تقاضا نمودم، پس اگر حاجتم را دیر برآوردی از نادانی بر تو عتاب کردم، و در صورتی که چه بسا به علت علمی که به سرانجام کارها داری تأخیر در انجام حاجت‌هایم برایم بهتر بوده است، پس من هیچ مولای بزرگواری را صبورتر بر بنده پستی از تو بر خود ندیده ام.

پروردگارا! مرا دعوت می کنی در حالی که از تو روی می گردانم، و تو محبت می نمایی و من بغض و عناد می ورزم، با من دوستی و شفقت می فرمایی و من از تو نمی پذیرم، گویا بر تو منت می گذارم، این ناسپاسی من مانع از رحمت و احسان نمودن تو بر من و فضل و عنایت بر اساس جود و کرمت نشده است، پس به این بنده نادانت رحم کن و به فضل و احسانت بر من ببخشای که تو بسیار بخشنده و کریمی.

ستایش مخصوص خداست که مالك ملك وجود است، روان ساز کشتیها، رام کننده بادهای، پدید آورنده صبحگاهان از شب، و حاکم روز جزا، و پروردگار جهانیان است.

ستایش از آن خداست بر حلم او پس از علمش، و ستایش از آن خداست بر عفوش پس از قدرتش، و ستایش خدای راست بر حلم و بردباری طولانی او در مقام غضبش، در حالی که بر هر چه خواهد تواناست. ستایش مخصوص خداست که آفریننده خلق و گستراننده روزی، و پدید آورنده صبحگاهان، و صاحب جلالت و بزرگواری و فضل و انعام است، آن خدائی که از نظرها دور است و از اینرو دیده نخواهد شد، و به همه نزدیک است، و از این جهت بر رازهای پنهان شاهد و گواه می باشد، اوست بزرگوار و بلند مرتبه.

ستایش از آن خدائی است که کسی در مقابلش به نزاع بر نخیزد، و شبیهی با او همگون نگردد، پشتیبانی مددکار او نشود، عزیزان در مقابل عزتش مقهور، و بزرگان در پیشگاه عظمتش متواضعند، و با قدرتش بر هر چه خواهد می رسد.

ستایش خدای راست که چون او را ندا کنم جواب دهد و هر عیب و نقصی را بر من بپوشاند، در حالی که معصیت او را می‌کنم، و نعمت بزرگ بر من می‌بخشد، و من متقابلاً شکرش نمی‌گذارم، پس چه بسیار موهبت‌های گرانبهایی که به من عطا کرده و چه امور هولناکی که از من دفع نموده و شادمانی‌های شگفت‌انگیز که به من نمایانده، پس من هم او را به ستایش ثنا گفته و به پاکی و منزّه بودن از هر عیب و نقصی یاد کنم.

ستایش مخصوص خداوندی است که حجاب او دریده نشود، درگاه [لطفش] بسته نشود، نیازمندش رد نکرد، و آرزومندش محروم نگردد، ستایش خدای راست که بیم ناکان را ایمنی بخشد، و صالحان را نجات دهد و مستضعفان را بلند گرداند، و گردنکشان را خوار سازد، و پادشاهان را هلاک کرده و دیگران را بر جای آنان نشاند.

ستایش از آن خدائی است که درهم کوبنده سرکشان، هلاک کننده ستمگران، دریابنده گریزندگان، به کیفر رساننده ظالمان، فریادرس فریاد خواهان، مرجع حاجت نیازمندان، معتمد مؤمنان است.

ستایش مخصوص خداوندی است که آسمان و ساکنانش از ترس او در بیم و اضطرابند، و زمین و اهلش بر خود ملرزند، و دریا و هر آنچه در اعماقش شناور است به جوش و خروش می‌افتند، ستایش خدای راست که ما را به این [راه ایمان و ولایت] هدایت کرد و اگر خدای ما را هدایت نمی‌فرمود ما خود بدان ره نمی‌یافتیم.

ستایش مخصوص خداست که جهان را خلق کرده و برای او خالق نیست، همه را روزی می دهد و خود روزی نمی خواهد، و طعام و خوراک می دهد و خود بدان نیازمند نیست، و زنده ها را مسمیراند و مردگان را زنده می کند و خود زنده جاودانه است، هر خیر و نیکی بدست اوست و بر هر چیز تواناست.

خدایا! بر محمد بنده و فرستاده ات، و امین و برگزیده ات، و دوست و انتخاب شده از میان خلقت و نگاهبان سر تو و رساننده رسالتهایت، درود فرست، برترین و نیکوترین و زیباترین و کامل ترین و پاکترین و روز افزون ترین و پسندیده ترین و پاکیزه ترین، و درخشان ترین و بیشترین درود و برکت و رحمت و سلام که بر هر يك از بندگان خاص خود و پیامبران و رسولان و خاصان و اهل کرامت بر تو از میان خلقت فرستادی. بار خدایا! و درود فرست بر علی امیر مؤمنان و جانشین رسول پروردگار جهانیان و بنده و ولی و برادر رسولت و حجت تو بر خلقت و آیت کبرایت و خیر بزرگ عالم آفرینش. و درود فرست بر صدیقه طاهره حضرت فاطمه برترین بانوی جهان، و درود فرست بر دو نوه پیامبر رحمت و دو پیشوای هدایت امام حسن و امام حسین، دو سید جوانان اهل بهشت.

و درود فرست بر امامان و پیشوایان اسلام حضرت علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و زاده او امام هدایتگر هدایت شده، که حجت های تو بر بندگانت و امینان تو در شهرهایت هستند، درود بسیار و دائم.

پروردگارا! درود فرست بر ولی امرت قائم مورد آرزو، و عدل مورد انتظار، و او را به سپاه فرشتگان مقربت فراگیر و به روح القدس تأیید فرما، ای پروردگار جهانیان.

بارها! او را این چنین قرارده که دعوت کننده به کتاب آسمانی تو و قیام کننده به ترویج دین تو باشد، و او را خلیفه خود در زمین گردان، چنان که پیشینیان او را امام و خلیفه گردانیدی، و او را برای [برپائی] دینت که مورد پسند تو می باشد در زمین جایگزین فرما و خوف و ترس او را به ایمنی مبدل گردان، تا تو را پرستد و در هیچ امری با تو شریک نگیرد. خداوندا! او را عزت بخش و به وسیله او [مؤمنان را] عزیز گردان، و او را یاری کن و به وسیله او [مؤمنان را] یاری فرما، و او را نصرت کامل با عزت عطا فرموده و گشایشی آسان به او عنایت کن، و از جانب خود او را سلطنت و قدرت تفضل فرما، خدایا! به دست او دینت و سنت پیامبرت را آشکار ساز تا آنکه دیگر چیزی از حق و حقیقت از ترس فردی از خلقت مخفی نماند.

بارالها! ما از تو امید تحقق دولت گرانقدرت را داریم، که اسلام و اهلش را به آن عزت بخشی، و نفاق و اهل نفاق را با او ذلیل گردانی، و ما را در آن دولت حقه از دعوت کنندگان به طاعتت و پیشوایان راه هدایتت قرار دهی، و بواسطه آن بزرگوار کرامت دنیا و آخرت را روزی ما فرمائی، پروردگارا! آنچه از حق که بما شناساندی ما را به عمل آن وادار، و آنچه کوتاه آمدیم ما را به مقام معرفت آن برسان.

خدایا! به برکت وجود آن امام همام پریشانی ما را بر طرف، پراکندگی امورمان را اصلاح، گسیختگی ما را به اتحاد، کمی عده ما را به کثرت، ذلتمان را به عزت مبدل گردان، و خاندان ما را بی نیاز، و دینهایمان را ادا، و فقر ما را جبران، و نقائص ما را بر طرف، و سختی ما را آسان، و ما را سپید رو بنما، و اسیرانمان را آزاد، و خواسته های ما را روا، و وعده هائی را که بما دادی وفا، و دعاهاى ما را مستجاب، و درخواستهای ما را عطا نما، و به لطف و عنایات حضرتش ما را به آروزهایی که در دنیا و آخرت داریم برسان، و به حق او فوق آنچه مایلیم را بما عنایت فرما.

ای بهترین سؤال شدگان، و ای گشاده ترین عطا کنندگان، بوسیله او سینه های ما را شفابخش، و خشم دلهایمان را فرو نشان، و ما را با وجود همه اختلافات به حق هدایت فرما، که تو البته هر که را بخواهی به راه راست هدایت می فرمایی، و به وسیله او ما را بر دشمنانت و دشمنانمان یاری نما، ای خدای حق این دعا را به کرمت مستجاب فرما، آمین.

بارالها! ما بدرگاه تو از فقدان پیامبرت که سلام و درود بر او، و از غیبت

امام، و بسیاری دشمن و کمی عددمان، و فتنه های سخت بر ما، و غلبه محیط روزگار بر ما، بر تو شکوه می بریم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را در همه این امور یاری کن، به فتح زود رسی از جانب خود، و به بر طرف ساختن رنج و سختی، و نصرت با عزت و سلطنت حقه که آن را آشکار گردانی، و رحمتی از تو، که بر همه شامل نمائی، و لباس عافیت که بر ما بپوشانی، به حق رحمت آی مهربانترین مهربانان.

(۳۶) دعای آن حضرت

بعد از نماز صبح در روز عید فطر

پروردگارا! بسوی تو روی می آورم در حالی که پیامبر پیشاپیشم، و علی پشت سر و سمت راستم، و امامانم در سمت چپم می باشند، با آنان از عذابت خود را مستور داشته، و به تو نزدیکی می جویم و هیچ کسی را جز ایشان به تو نزدیکتر نیافته ام، آنان امامانم می باشند، هراسم از عقابت و غضبت را با ایشان مبدل به امنیت می کنم، به رحمت مرا در زمره بندگان صالحت قرار ده.

مؤمن به خداوند و مخلص بر آئین او، و بر دین محمد و سنتش، و بر دین علی و سنتش، و بر دین جانشینان او و سنتشان می باشم، به آشکار و نهانشان ایمان آورده و به آنچه محمد و علی و جانشینانشان رغبت جسته اند مایلیم.

و حول و قوه ای جز با عنایت خدا نیست، و عزت و سلطنت جز برای
خدای واحد قهار عزیز جبار نمی باشد، هر که بر خدا توکل کند او را کفایت
می کند و خداوند کارش را به انجام می رساند.

پروردگارا! تو را خواهانم به من توجه بنما، و آنچه نزد توست را
جویا هستم پس برایم سهل و آسان گردان، و حاجت‌هایم را تحقق بخش، تو
در کتابت و گفتار حقت چنین گفتی: " ماه رمضان که قرآن در آن ماه برای
هدایت مردم بهمراه نشانه های هدایت نازل شده است ".
احترام این ماه را با نزول قرآن در آن و اختصاصش به این ماه بزرگ
داشته و نیز با قراردادن شب قدر در آن بر حرمتش افزودی، و گفتی: " شب
قدر از هزار ماه بهتر است، فرشتگان و روح در آن شب به اذن
پروردگارشان به هر امری نزول کرده و تا طلوع فجر سلام می باشد "
بارها! روزهای ماه رمضان پایان رسیده و شب‌هایش تمام گشته است،
و در این ماه کارهایی را انجام داده ام که تو بدانها آگاه تر و شمارش آن را بهتر
می دانی.

خداوندا! از تو می خواهم به آنچه بندگان صالحت تو را خواندند بر
محمد و خاندانش درود فرستاده، و آنچه باعث نزدیکی من به تو می شود

را از من پذیری، و بر من به مضاعف کردن عملم و قبول اعمال و استجابات دعایم لطف نمایی، و رهائیم از آتش را بر من عنایت کنی، و بر من منت گذار با رستگاریم با نائل شدن به بهشت و امنیت از هر اضطراب و ناراحتی که برای روز قیامت آماده ساخته ای.

به احترام بزرگواریت و احترام پیامبرت و احترام فرزندگان به تو پناه می برم، که امروز بگذرد در حالی که گناهی بر من باقیمانده باشد که بخواهی مرا بر آن مؤاخذه گردانی، یا بخواهی در مقابل آن مرا شقی گردانده و مفتضح نمایی، یا خطائی که بخواهی در مقابل آن از من قصاص کنی و بر من نیامرزی، و از تو می خواهم به احترام بزرگواریت که بر هر کار که اراده کنی قادری، و تنها به اراده تو نیازمند است و با اراده ات تحقق می یابد، و خدائی جز تو نیست.

پروردگارا! از تو می خواهم به وحدانیتت، اگر در این ماه از من خشنود شده ای بر خشنودی خود از من در باقیمانده عمرم بیفزای، و اگر در این ماه از من راضی و خشنود نگردیده ای، در همین ساعت، همین ساعت، همین ساعت از من خشنود شو، و در این ساعت، و این جایگاه، مرا از رها شدگان از آتش جهنم، و آزادشدگان از عذاب دوزخ، و مخلوقات با سعادت خود قرارده، به آمرزش و رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

خداوندا! از تو می خواهم به احترام بزرگواریت که این ماه را بهترین ماه رضانی قرار دهی که از آغاز زندگی تا کنون تو را در آن عبادت کرده و روزه گرفته و در آن به تو نزدیک شده ام، پاداش بیشتر، نعمتهای فراوان تر، و سلامتی فزون تر، روزی گسترده تر، رهایی از آتش بیشتر، استحقاق رحمت فزاینده تر، آمرزش فراوان تر، خشنودی کاملتر، و به آنچه تو دوست داشته و خشنود می باشی نزدیکتر باشم.

بارالها! این ماه را آخرین ماه رضانی که برای تو روزه گرفته ام قرار نداده، و مرا به ماههای رمضان دیگر نیز برسان، تا اینکه از من خشنود شده و از آن فراتر رود، تا آنکه مرا از دنیا با سلامت خارج سازی، در حالی که از من خشنود بوده و من از تو شادمانم.

پروردگارا! در مقدراتت که تقدیر می کنی و قابل تغییر و تبدیل نمی باشد، در این سال و هر سال مرا از حجاج خانه ات قرار ده، در حالی که حجشان پذیرفته، تلاششان ستوده، گناهانشان آمرزیده، اعمالشان مقبول، سفرهایشان با سلامتی بوده، و با اشتیاق اعمالشان را انجام داده، و در جانهایشان و اموالشان و فرزندان شان و آنچه به آنان نعمت داده ای نگهداری شده باشند.

خدایا! از این جایگاه و در این ماه و در این روز و در این ساعت، مرا رستگار، پیروزمند، با دعاهای اجابت شده، آمرزیده، رها شده از آتش قرار ده، رها شدنی که اسارت و وحشتی در پی نداشته باشد، ای پروردگار پرورندگان.

پروردگارا! از تو می‌خواهم که در آنچه می‌خواهی، و اراده کرده و تقدیر می‌کنی، و حکم می‌نمایی، و واجب نموده و انفاذ می‌کنی، عمرم را طولانی، مرگم را متأخر، ضعفم را تقویت، و فقرم را مبدل به بی‌نیازی کرده، و بر بچارگیم رحم نموده و آن را جبران کنی، و ذلتم را مبدل به عزت و افتادگیم را بر طرف گردانی، خانواده‌ام را بی‌نیاز نموده، و وحشتم را مبدل به انس، و کمی عده‌ام را مبدل به کثرت، و روزی‌ام را در سلامتی و راحتی بسیار گردانی.

و امور مهم دنیا و آخرتم را کفایت نموده، و مرا به خود واگذار نمائی تا ناتوان نشوم، و مرا به مردم واگذار نکن تا مرا از خود دور سازند، و مرا در دینم و بدنم و جسدم و روحم و فرزندانم و خانواده‌ام و دوستانم و برادران و همسایگانم، از زنان و مردان مؤمن مسلمان، از زنده و مرده، سلامت بداری، و تا آنگاه که زنده هستم بر من به امنیت و ایمان منت نهی. تو سر پرستم و مولایم و محل وثوق و امیدم، و جایگاه خواستهایم و محل نیازهایم و پایان آمالم می‌باشی.

ای آقایم و مولایم! مرا در آرزویم نا امید مساز، و طمع و آمیدم را
تحقق بخش، بوسیله محمد و خاندانش به تو روی آورده، و ایشان را
پیشاپیش خود و آرزوها و خواسته ها و تضرع و زاریم قرار دادم، و چهره ام
را بوسیله ایشان در دنیا و آخرت سپید، و مرا از زمره مقربین در گاهت قرار
ده.

تو به شناخت ایشان بر من منت نهاده ای، پس بوسیله ایشان عاقبتم را
به سعادت مندی خاتمه ببخش، چرا که تو بر هر کار قادر و توانائی.
و در روایت دیگر آمده:

تو به ایشان بر من منت نهاده، پس پایان عمرم را با سعادت و سلامت
و امنیت، و ایمان و آمرزش، و خشنودی و سعادت و حفاظت خاتمه بخش.
خدایا! تو جایگاه حاجتهای ما هستی، پس بر محمد و خاندانش درود
فرست و ما را سلامت دار، و کسی را که طاقت او را نداریم بر ما مسلط
مکن، و امور دنیا و آخرت ما را کفایت فرما، تو صاحب جلالت و
بزرگواری هستی، بر محمد و خاندانش درود فرست، برترین درود و برکت
و رحمت و مهربانی و عطوفتی که بر ابراهیم و خاندانش مبذول داشتی، تو
ستوده و گرامی هستی.

۹ - ادعیه آن حضرت در امور متفرقه
در ایام غیبت
در هنگام ولادت
برای کسی که داخل مقام ایشان می شود
برای تعجیل در ظهورش
برای تعجیل در ظهورش
بعد از ظهورش، آنگاه که از وادی السلام می گذرد.

(۳۷) دعای آن حضرت

در ایام غیبت

بارالها! خودت را به من بشناسان، بدرستی که اگر خود را به من شناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت، بارالها پیامبرت را به من بشناسان، که اگر پیامبرت را به من شناسانی حجت تو را نتوانم شناخت، بارالها! حجت خود را به من بشناسان که اگر حجت را به من شناسانی از دینم گمراه می گردم، خداوندا مرا به مرگ جاهلیت نمیران، و دلم را [از حق] پس از آنکه هدایت فرمودی منحرف مگردان.

پروردگارا! هم چنان که مرا به ولایت کسانی که طاعتشان را بر من واجب فرموده ای، از والیان امرت بعد از پیامبرت - که درود تو بر او ایشان باد - هدایت کرده ای، و من ولایت والیان امرت را در دل گرفتم، [ولایت] امیر مؤمنان، و حسن و حسین، و علی و محمد، و جعفر و موسی، و علی و محمد، و علی و حسن، و حجت قائم مهدی، که درود تو بر تمامی ایشان باد.

پروردگارا! مرا بر دینم پایدار ساز، و به طاعتت به کار گیر، و دلم را برای ولی امرت نرم ساز، و از آنچه خلقت را آزموده ای مرا معاف دار، و بر طاعت ولی امرت ثابت قدم بدار، کسی که او را از خلق خویش پنهان کرده ای، پس به اذن تو از مردم غائب گردیده و در انتظار فرمان توست.

و تو دانایی بدون آنکه از کسی فرا گرفته باشی، که کدامین زمان امر [قیام] ولی تو صلاحیت دارد، که او را اجازه فرمائی تا امر خویش را آشکار سازد و پرده [غیبت] از خود بگیرد، پس مرا بر آن غیبت شکیبایی ده، تا تسریع در آنچه تو تأخیر انداخته و تأخیر در آنچه تو تقدیم نموده ای را خواستار نباشم، و از آنچه تو پوشیده داشته ای پرده برنگیرم، و در آنچه کتمان فرموده ای کاوش نکنم، و با تدبیرات و تصمیمات توبه ستیز برنخیزم، و نگویم چرا و چگونه و به چه علت ولی امرت آشکار نمی شود، و حال آنکه زمین از ستم پر گشته است، و تمام امور خویش را به تو واگذار نمایم. بارها! از تو می خواهم که آشکارا و در حالی که امرت جاری شده باشد ولی امرت را به من بنمایانی، با آگاهییم به اینکه چیرگی و قدرت، و دلیل و برهان، و خواست و اراده و توان و نیرو از آن توست، پس آنچنان لطفی در حق من و تمام مؤمنین بفرما تا به ولی تو که درودهایت بر او و خاندانش باد بنگریم، در حالی که گفتارش آشکار، دلالتش روشن، هدایتگر از گمراهی، شفا دهنده از نادانی آمده باشد.

پروردگارا! دیدارش را آشکار ساز، پایگاههایش را استوار گردان، و ما را از کسانی قرارده که دیده آنها به دیدارش روشن می شود، و ما را به خدمت او بدار، و بر کیش او بمیران، و در زمره او محشور گردان. خداوندا! او را از شر هر آنچه آفریده ای، و پدیدار نموده ای، و بوجود آورده ای، و ایجاد کرده ای، و صورتگری فرموده ای، در پناه خویش

قرار ده، و از پیش رو و پشت سر، و از سمت راست و چپ، و از طرف بالا و پائین، محفوظش بدار، به حفظ خودت که هر کس را با آن نگاهبان باشی گم نشود و با او رسولت و جانشین رسولت را حفظ فرما.

بارالها! و عمرش را طولانی، و بر اجل او بیفزای، و او را بر آنچه و آنکه ولایت و سرپرستی داده ای یاری کن، و در گرامی داشتت نسبت به او بیفزای، که اوست هدایتگر راه یافته، و پیاخاسته هدایت شده، پاکیزه با تقوای منزّه [از هر عیب و نقص]، پاکیزه صفات، دارای مقام رضا و خشنودی خداوند، بردبار، تلاشگر، سپاسگزار.

خداوندا! و به سبب طولانی شدن دوران غیبت او، و قطع گردیدن خبرش از ما، یقینمان را زائل مکن، و یادش را از خاطرمان مبر، و انتظار و ایمان به او، و یقین داشتن به ظهورش، و دعا برای حضرتش، و درود فرستادن بر او را از ما مگیر، تا طولانی شدن غیبتش ما را از ظهور و قیامش نا امید نسازد، و باورمان در مورد آن همچون باور داشتیمان نسبت به قیام فرستاده ات - که درود تو بر او و خاندانش باد - بوده باشد، [و نیز همانند یقینمان] بر آنچه از وحی و تنزیلت آورده محکم بماند.

و دلهایمان را برایمان به او نیرو بخش، تا ما را بدست او در مسیر هدایت رهنما باشی، و به برترین دلیل و میانه ترین راه نائل سازی، و ما را بر فرمانبرداری از او و پیروی از فرامینش یاری فرما، و ما را در حزب او و در زمره یاران و انصارش، و از خشنودان به کارهای حضرتش قرار ده.

و این [عقائد] را در زندگی و هنگام مرگ از ما سلب مفرما، تا اینکه ما را بمیرانی در حالی که بر همین باور باشیم بی آنکه در شك افتیم و نه پیمان شکنیم و نه در تردید واقع شویم، و نه دروغ بشماریم. بارالها! فرجش را نزدیک و به یاریت او را تأیید فرما، و یارانش را یاری ده، و مخالفانش را خوار و ذلیل گردان، و آنان که با او به ستیز برخاسته و تکذیبش می کنند را نابود کن، و حق را به او آشکار و باطل را به او نابود ساز، و با [ظهور] او بندگان مؤمنت را از مذلت و خواری رهایی بخش، و شهرهای جهان را به او شاداب گردان، و سرکشان کفر پیشه را بقتل برسان، و سران گمراهی را درهم بشکن، و جباران و کافران عالم را به او خوار گردان منافقین و پیمان شکنان و تمام مخالفان و ملحدان را در شرق و غرب زمین، و خشکی و دریا، و کوه و دشت آن نابود کن، تا اینکه هیچ يك از آنان را باقی مگذاری و اثری از آنان بر جای نماند، و از لوث وجودشان بلاد خویش را پاک سازی، و سینه های بندگان را از آنان شفا ده. و بوجود او آنچه از دینت محو شده را دوباره تجدید کن، و به [حکومت] او آنچه از حکمت تبدیل گشته و از سنتت تغییر یافته را اصلاح فرما، تا دین تو به [وجود] او و بر دست او تازه و بدون هیچ کژی و بدعتی باز گردد، و با عدالت او آتشیهای کافران را خاموش سازی.

بدرستی که اوست بنده تو که برای خودت خالص گردانیده ای، و به منظور یاری پیامبرت انتخاب فرموده ای، و به علم خویش او را برگزیده ای، و از گناهان محفوظ و معصومش ساخته ای، و از عیبها مبرایش نموده ای، و بر غیبه‌های و پنهانیها آگاهی ساختی، و بر وی نعمت ارزانی داشته ای، و از پلیدی پاکیزه و از آلودگی بر کنارش قرار داده ای. خداوندا! پس بر او و بر پدرانش، پیشوایان پاکیزه، و بر شیعیان برگزیده شان درود فرست، و آنان را به برترین آرزوهایشان برسان، و آن را از هر گونه شك و شبهه و ریا و شهرت طلبی خالص گردان، تا منظوری جز تو نداشته باشیم و غیر از رضای تو چیزی را نخواهیم. بارالها! فقدان پیامبرمان، و غیبت ولی و سرپرستمان، وقوع فتنه ها در میانمان، و اتحاد دشمنان بر علیه ما، و کمی افرادمان را بدرگاه تو شکوه میکنیم، خداوندا! پس آن را با پیروزی زود رس و یاری شکست ناپذیر از جانب خودت، و ظهور پیشوای دادگر، گشایش ده ای پروردگار جهانیان. بار خدایا! ما از تو می خواهیم که به ولی خودت به آشکار نمودن عدل تو در میان بندگانت، و کشتن دشمنانت در سرزمینت فرمان دهی، تا ای پروردگار برای ستم هیچ پایه و اساسی را وامگذاری مگر آنکه آن را درهم بشکنی، و هیچ بنیانی را جز آنکه نابود سازی، و هیچ نیرویی را مگر آنکه سست گردانی، و هیچ پایه ای را جز اینکه ویران کنی، و هیچ برندگی را مگر آنکه بی اثر نمایی، و هیچ سلاحی را جز اینکه کند گردانی، و هیچ پرچمی را مگر اینکه سرنگون کنی، و هیچ قهرمانی را مگر اینکه بر خاک هلاکت افکنی، و هیچ ارتشی را جز آنکه خوار و زبون سازی.

پروردگارا! و آنان را با سنگ [قهر و غضبت] سنگباران کن، و از دم
 شمشیر بران انتقامت بگذران، و به عقوبت و غضبت که از مردمان مجرم
 باز نمی داری هلاکشان گردان، و دشمنان خودت و دشمنان دینت و دشمنان
 فرستاده ات را بدست ولی خویش و دست بندگان مؤمنت عذاب فرما.
 بار خدایا! ولی و حجت در زمینت را از بیم دشمنش ایمن دار، و هر
 آن کس با وی مکر و حيله کند به او مکر کن، و با هر که با وی نیرنگ باز
 نیرنگ باز، و تمام بدیها را بر بد خواهانش وارد ساز، و اساس و بنیان
 فسادشان را از وجود مبارك او دور گردان، و دلهایشان را نسبت به آن
 جناب مرعوب و ترسناک ساز، و گامهای ایشان را برای حضرتش لرزان
 فرما، و آشکارا و ناگهانی آنان را [به عذابت] بگیر.
 عقوبتت را بر آنان شدید گردان، و در میان بندگان خوارشان ساز، و
 در بلاد خویش لعنتشان کن، و در پست ترین درکهای جهنم جایشان ده، و
 سخت ترین عذابت را بر آنان فرود آور، و به آتششان بسوزان، و گورهای
 مردگانشان را پر از آتش کن، و ایشان را به دوزخ و اصل ساز که آنان نماز را
 ضایع گذارده و از امیال و شهوات پیروی کرده، و بندگان را خوار ساختند.
 بار خدایا! و به وجود ولی خودت قرآن را زنده کن، و نور سرمدش را
 آنگونه که هیچ تاریکی در آن راه نیابد بما بنمایان، و به [ظهور] آن بزرگوار
 دلهای مرده را زنده، و سینه های مؤمنین که از فراق او محروم شده را شفا
 ده، و پراکندگی آراء را بوسیله او بر حق جمع گردان، و به [دست با کفایت]
 او حدود تعطیل شده و احکام متروک مانده را بر پای دار، تا هیچ حقی
 نماند.

جز آنکه آشکار گردد، و هیچ عدلی جز آنکه درخشان شود.
پروردگارا! و ما را از یاران و تقویت کنندگان حکومتش، و ممثلین
امرش، و خشنودان از فعلش، و تسلیم شوندگان نسبت به فرمانهایش قرار
ده، و از کسانی که هیچ نیازی به تقیه نداشته و از خلق تو بیمی بدل راه
ندهند.

پروردگارا! تویی آنکه بدی را بر طرف ساخته و بیچاره را هرگاه تو
را بخواند اجابت نموده و از بلای سخت نجات می دهی، پس هرگونه گزند
را از ولی خویش بر طرف فرما، و چنان که برایش تضمین کرده ای او را
خلیفه خود در زمین قرار ده.

بار خدایا! مرا از ستیزه جویان با آل محمد و از دشمنان آنان، و نیز
در شمار کینه توزان و خشم کنندگان برایشان قرار مده، که البته من از این امر
به تو پناه می برم، پس مرا پناه ده، و به درگاہت پناهنده می شوم پس مرا در
حمایت خود بدار.

بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا بوجود آنان نزد
خودت در دنیا و آخرت رستگار و پیروز گردان، و از مقربان درگاہت قرار
ده، پروردگار جهانیان دعایم را مستجاب فرما.

(۳۸) دعای آن حضرت

در هنگام ولادت

پروردگارا! وعده ام را تحقق بخش، و امرم را پایان رسان، و
جایگاهم را محکم نما، و جهان را با من لبریز از عدل و قسط فرما.

(۳۹) دعای آن حضرت
برای کسی که داخل مقام ایشان می شود
از آن حضرت روایت شده: هر کسی با ادب داخل مقام من شود و بر
من و امامان (علیهم السلام) دوازده مرتبه درود و سلام فرستد، سپس دو رکعت نماز
با دو سوره بخواند، و این دعا را قرائت کند، خداوند آنچه بخواهد به او
می دهد، یکی از آنها آمرزش او است:

پروردگارا! عقوبت در باره من مرا بدانجا رسانید که به بیچارگی
افتادم و تو مهربانترین مهربانانی، و اگر چه به جهت گناهانم مستحق چندین
برابر این عقوبت می باشم، و تو بردبار و صبور بوده و گناهان بسیار را
می بخشی، تا آنجا که عفو و رحمت بر عذابت پیشی گرفته است.

(۴۰) دعای آن حضرت

برای تعجیل در ظهورش

از نائب دوم آن حضرت، محمد بن عثمان روایت شده که گفت:
آخرین مرتبه ای که آن حضرت را دیدم کنار خانه کعبه بوده که می فرمود:
پروردگارا! وعده هایی که به من داده ای را تحقق بخش.

(۴۱) دعای آن حضرت

برای تعجیل در ظهورش

نائب دوم آن حضرت گوید: آن حضرت را دیدم که پرده خانه کعبه را در مستحار گرفته و می گوید:
پروردگارا! با من از دشمنانت انتقام گیر.

(۴۲) دعای آن حضرت

بعد از ظهورش، آنگاه که از وادی السلام می گذرد

از علی (علیه السلام) روایت شده: گویا قائم (علیه السلام) را بر روی اسب سپید موئی می بینم که از وادی السلام بسوی مسجد سهله می رود، و دعا می خواند، در بین دعاهایش چنین می گوید:

محققا محققا معبودی جز خداوند نیست، معبودی جز خداوند

نیست، صادقانه به او ایمان داریم، معبودی جز خداوند شایسته عبودیت و

بندگی نیست، پروردگارا! ای عزیز کننده هر مؤمن تنها، و ای ذلیل کننده

هر ستمگر کینه توز، تو پشتیبانم هستی آنگاه که راهها بر من بسته شده و

زمین با همه وسعت بر من تنگ می گردد، بار الها! مرا آفریدی در حالی که از

خلقتم بی نیاز بودی، و اگر یاری تو نبود من شکست می خوردم.

ای منتشر کننده رحمت از جایگاههای آن، و خارج کننده برکتها از مواضع آن، و ای آنکه خودت را به رفعت مخصوص گردانده، و اولیائش به عزت او عزیز می گردند، ای آنکه پادشاهان برای او طوق ذلت بر گردن نهاده اند، و از سطوت و هیبت او ترسانند.

از تو می خواهم بنامت که مخلوقات را خلق کردی، و همه آنان در پیشگاهت خاضعند، از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستاده و امرم را تحقق بخشی، و در فرجم تعجیل فرمایی، و مرا کفایت کرده و سلامت داری، حوائجم را ادا نمائی، در همین ساعت، همین ساعت، همین شب همین شب، بدرستی که تو بر هر کار قادری.

۱۰ - ادعیه آن حضرت در زیارات
در زیارات حضرت علی علیه السلام در روز یکشنبه
در روز عاشورا

(۴۳) دعای آن حضرت
در زیارت علی (علیه السلام) در روز یکشنبه
سلام بر شاخسار نبوی، و درخت تنومند و شکوفای هاشمی، بارور
به نبوت شاداب و سرسبز به امامت، سلام [بر تو] و دو پیامبری که در کنارت
آرمیده اند.
سلام بر تو و بر خاندان پاکزاد پاکیزه ات، سلام بر تو و بر فرشتگان
پیرامونت و آنان که گراگرد قبرت میچرخند.
مولایم ای امیر مؤمنان این روز روز یکشنبه است، و آن روز
مخصوص و بنام توست و من در آن مهمان و پناهنده به توام، پس ای مولایم
مرا پذیرائی نما و پناهم ده، زیرا تو کریمی و مهمان نوازی را دوست داشته و
به پناه دادن مأموری.
پس آنچه را که بسوی تو مایلم و به تو امیدوارم را انجام ده، به حق
ارزش تو و خاندانت نزد خداوند و منزلت او نزد شما، و به حق پسر عمویت
پیامبر خدا که درود خدا بر او و بر تمامی خاندانش باد.

(۴۴) دعای آن حضرت

در روز عاشورا

سلام بر آدم برگزیده خداوند از میان مخلوقاتش، سلام بر شیث ولی خدا و برگزیده اش، سلام بر ادریس قیام کننده برای خدا به حجت و گوااهش، سلام بر نوح اجابت شده در دعایش.

سلام بر هود همواره تأیید شده از طرف پروردگارش، سلام بر صالح بر سردارنده تاج کرامت از طرف مولایش، سلام بر ابراهیم برگزیده شده به دوستی از طرف پروردگارش.

سلام بر اسماعیل رها شده از طرف خداوند با ذبح بزرگی از بهشتش، سلام بر اسحاق که خداوند نبوت را در فرزندان او نهاد، سلام بر یعقوب که خداوند با رحمت خود چشمش را به او باز گرداند، سلام بر یوسف که خداوند با عظمتش او را از چاه نجات داد.

سلام بر موسی که با قدرت الهی دریا برایش شکافته شد، سلام بر هارون که خداوند او را به نبوتش مخصوص ساخت، سلام بر شعیب که خداوند او را بر امتش پیروز گردانید، سلام بر داوود که خداوند از خطایش در گذشت.

سلام بر سلیمان که با عزت خداوندی جن مسخر او گردید، سلام بر ایوب که خداوند او را از بیماری شفا داد، سلام بر یونس که خداوند وعده حتمی اش را برایش متحقق ساخت، سلام بر عزیر که خداوند او را بعد از مرگ زنده کرد.

سلام بر زکریا که بر بلاها صبور بود، سلام بر یحیی که خداوند او را به شهادت مفتخر ساخت، سلام بر روح خدا و کلمه او حضرت عیسی. سلام بر محمد حبیب الهی و برگزیده او، سلام بر امیر مؤمنان علی بن ابی طالب برادر مخصوصش، سلام بر فاطمه زهرا دخترش، سلام بر ابی محمد حسن وصی و جانشین پدرش، سلام بر حسین که جانش را تقدیم کرد.

سلام بر کسی که در آشکار و نهان اطاعت خداوند را نمود، سلام بر کسی که خداوند شفاء را در تربت او قرار داد، سلام بر کسی که اجابت دعا زیر گنبد اوست، سلام بر کسی که امامان از فرزندان او هستند. سلام بر فرزند خاتم پیامبران، سلام بر فرزند امیر مؤمنان، سلام بر فرزند

فاطمه زهرا، سلام بر فرزند خدیجه کبری، سلام بر فرزند سدره منتهی،
سلام بر فرزند بهشت جاودان، سلام بر فرزند زمزم و صفا.
سلام بر به خون غلطیده، سلام بر حجاب دریده، سلام بر پنجمین
فرد آل عبا، سلام بر غریب غریبان، سلام بر سید الشهداء، سلام بر کشته
زنزادگان، سلام بر ساکن کربلا.
سلام بر آنکه فرشتگان آسمان بر او گریستند، سلام بر آنکه
فرزندانش پاکان جهانند، سلام بر پیشوای دین، سلام بر مواضع برهانهای
الهی، سلام بر پیشوایان بزرگوار، سلام بر خونین جامگان، سلام بر لبهای
خشکیده.
سلام بر بدنهای به زنجیر کشیده و اسیر شده، سلام بر روحهای به
پنهانی برده شده، سلام بر پیکرهای عریان، سلام بر جسمهای نحیف و
رنگ باخته.
سلام بر خونهای ریخته، سلام بر اعضاء قطعه قطعه شده، سلام بر
سرهای بالای نیزه رفته، سلام بر زنان سر برهنه گردیده.
سلام بر حجت پروردگار جهانیان، سلام بر تو و بر پدران پاکیزه ات،

سلام بر تو و بر فرزندان شهیدت، سلام بر تو و بر فرزندان یاریگرت، سلام
بر تو و بر فرشتگان ملازم آرامگاهت.
سلام بر کشته مظلوم، سلام بر برادر مسمومش، سلام بر علی اکبر،
سلام بر فرزند شیر خوارش.
سلام بر بدنهای مسلوب و عریان، سلام بر خاندان نزدیک، سلام بر
جنگاوران بیابان، سلام بر دور افتادگان از وطن خویش.
سلام بر مدفونهای بی کفن، سلام بر سرهای جدا شده از بدن، سلام
بر صبور و بردبار در مصائب.
سلام بر مظلوم بدون یاور، سلام بر ساکن خاک پاک، سلام بر
صاحب گنبد بلند، سلام بر آنکه خداوند او را پاک نمود، و سلام بر آنکه
جبرئیل به دو افتخار کرد، سلام بر آنکه میکائیل در گاهواره با او سخن گفت.
سلام بر پیمان شکسته، سلام بر حرمت از هم دریده، سلام بر آنکه
به ستم خورش ریخته شد، سلام بر غسل داده شده به خون زخمها، سلام
بر آب داده شده به جامهای تیره.

سلام بر مظلومی که خورش مباح شد، سلام بر سر بریده، سلام بر مدفون بدست روستائیان، سلام بر رگ بریده گردن، سلام بر مدافع بدون یاور.

سلام بر سپید موی غرقه به خون، سلام بر گونه های خاک آلوده، سلام بر بدن عریان، سلام بر دندانهای کوبیده شده با چوب خیزران، سلام بر سر بالای نیزه رفته، سلام بر جسمهای عریان رها شده در بیابان، که گرگهای درنده بر آنها حمله برده و حیوانات وحشی بر سر آنها فرود آمدند. سلام بر تو ای مولای من و بر فرشتگانی که گرداگرد قبر تو بوده و قبرت را در میان گرفته اند، پیرامون مزارت گردهم آمده اند، و به زیارت تو می آیند، سلام بر تو، بدرستی که بسوی تو آمده و آرزومند رستگاری نزد توام.

سلام بر تو، سلام آگاه به حرمت و احترامت، خالص در ولایت و دوستی ات، خواهان نزدیکی به خدا با محبتت، بیزار از دشمنانت، سلام بر کسی که قلبش در مصیبت مجروح، اشکهایش هنگام ذکر نام تو ریزان است، سلام مصیبت زده محزون و شیدای فروتن. سلام کسی که اگر در کربلا با تو بود در مقابل شمشیرهای بران تو را

حفاظت کرده، و باقیمانده روحش را در مقابل تو به مرگ تقدیم می کرد، در پیشاپیش تو به جهاد بر می خواست و بر علیه دشمنانت تو را یاری می نمود، و روح و جان و مال و فرزندش را فدای تو می کرد، روحش فدای روح و خاندانش نگاهدار و مدافع خاندانت.

اگر روزگار زندگیم بتأخیر افتاد و مقدرات مرا از یاریت بازداشت، و در مقابل دشمنانت نجنگیدم، و با مخالفانت نبرد ننمودم، به خاطر تو و آنچه بر تو وارد شده، هر صبح و شام برای ناله کرده بجای اشك خون مگریم، تا آنگاه که با حسرت و اندوه و غصه جان دهم.

گواهی می دهم که نماز را برپا داشته و زکات را ادا کردی، به نیکی فرمان داده و از منکر و بدی بازداشتی، خداوند را فرمان برده و سرپیچی نکردی، و به او و ریسمانش چنگ زده و او را خشنود نمودی، خشیت او را بدل گرفته و مراقبت او را نموده و او امرش را اجابت کردی.

سنتها را انجام داده و آشوبها را فرو نشاندی، به پاکی و راستی خوانده و راههای صلاح را روشن و مبین ساختی، و در راه خدا به بهترین وجه جهاد و کوشش نمودی.

مطیع پروردگارت و پیرو جدت پیامبر، که درود خدا بر او و خاندانش باد، بودی، سخن پدرت را شنیده و وصیت و سفارش برادر را به انجام

رساندی، بر پا دارنده پایه و اساس دین، و درهم کوبنده طغیان و سرکشی، سخت گیر و کوبنده بر آشوبگران و طغیانگران و نصیحت گرامت بودی. ستایش گر در گردابه‌های مرگ، درگیر با فاسقین، بر پا دارنده حجت‌های الهی، مهربان در مقابل اسلام و مسلمین و یاور حق، و صبور و بردبار در هنگام بلا، و محافظ دین و نگاهبان آن بودی. نگاهبان هدایت و یاور آن، گستراننده عدالت و یاریگر دین و نمایان گر آن بودی، بازیچه شمرنده دین را از کارش باز داشته و او را منع نمودی، حق زیردستان را از موالیشان گرفته، و بین قوی و ضعیف در قضاوت به مساوات رفتار کردی. پرورنده یتیمها و ملجأ مردم، و عزت اسلام، و معدن احکام، و همپیمان بخشش و انعام، رهرو راه جدت و پدرت، و همانند برادرت وصی پدرت بودی. وفا دار به ذمه‌ها، متخلق به اخلاق نیکو، بسیار بخشنده، شب زنده دار، برپاگر روشها، دارنده اخلاق نیکو، سوابق درخشان، نسب و حسب شریف و ارزشمند، رتبه برتر، منقبت‌های فراوان، سرشتهای ستوده، عطای ارزشمند، بردبار، رشید، بخشنده، بسیار دانا، پیشوای شهید، آموزش گر بازگشت کننده و توبه کننده، مهربان، با هیبت. فرزند برای پیامبر و نجات دهنده برای قرآن، و یاور امت بودی،

در طاعت الهی کوشا و حافظ عهد و میثاق، و کناره گیرنده از راههای فاسقین، و تلاش گر تا حد توان بوده، و رکوع و سجده های طولانی داشتی. زاهد در دنیا همچون شخص کوچ کننده از آن، نگرنده به آن به دیده ترسندگان از آن، باز داشته شده از آن آرزوهایش، بر گرفته شده همتش از زینتهایش، نگرنده زرق و برقهایش با گوشه چشم بوده، و رغبت و میل به آخرت شناخته شده بود، تا آنگاه که ظلم و بیداد دست از آستین بیرون آورد و با سلاح به میدان آمد، و گمراهان در ضلالت خود غرق شدند، در حالی که تو در حرم جدت ساکن، و از ستمگران دوری گزیده بودی، در خانه و محراب بسر برده، و از امیال و شهوات بر کنارد، با قلب و زبان به مقدار توان زشتی را زشت می شمردی.

آنگاه که موقعیت مقتضی گردید پرچم مخالفت برداشته، و با مخالفان کارزار کردی، با فرزندان و خاندان و پیروان و دوستان به راه افتاده، و با حکمت و پند و اندرزهای نیکو بسوی خداوند خوانده، و به برپا داشتن حدود و فرمانبری از معبود امر نمودی، و از پلیدی و سرکشی باز داشته و با ظلم و ستم مقابله کردی.

پس از آنکه آنان را از کار خود باز داشته، و حجت و دلیل را برایشان تأکید نمودی، با آنان کارزار کردی، بیعتت را شکسته و بر پروردگار و جدت خشم نموده و با تو جنگیدند، بر زخم زبانها و ضربه ها ایستادگی کرده، و لشکریان ستمگر را درهم کوبیدی، در گرد و غبار بر خاسته در میدان کارزار با ذوالفقاری وارد شدی که گویا علی مرتضی در آنجا حضور دارد.

آنگاه که تو را پایدار و ثابت قدم و شجاع یافتند، با شرارت و کینه توزی قدم به میدان گذارده، با حيله و بدی خود با تو جنگیدند، و آن شخص ملعون به لشکریانش دستور حمله داد، تو را از آب و وارد شدن به آن باز داشته و بجنگ و کارزار کشاندند، و بر این امر شتاب ورزیدند، تیرها و سنگها را به طرف تو پرتاب کرده و دستهای جنایتکارشان را برای نابودیت گشودند.

احترام تو را حفظ نکرده، و از عواقب کارهایشان در کشتن فرزندان و تاراج اموالت نهراسیدند، تو پیش قدم در سختی ها و تحمل کننده آزار و اذیتها بودی، فرشتگان آسمانی از صبر و شکیبائی ات در شگفت شدند. پس از هر سو تو را محاصره کرده و زخمهای عمیقی بر تو وارد ساختند، در حالی که برای تو یآوری نمانده بود میان تو و شب مانع شدند، تو متحمل رنجها و صبور و شکیبا بودی، و از زنان و فرزندان دفاع می نمودی.

تا اینکه تو را از اسبت انداخته و مجروح بر زمین افتادی، اسبها با سمهایشان بر تو تازیدند و ستمگران و سرکشان شمشیرهای برانشان را بر تو فرود آوردند.

پیشانی‌ت برای مرگ عرق کرده بود، و به راست و چپ کشیده می‌شدی با گوشه چشم بسوی خیمه‌های نگریسته و فرزندان و خاندانت تو را به خود مشغول ساخته بود، و اسبت گریزان در حالی که می‌گریست و شیبه می‌زد بسوی خیمه‌ها شتافت.

هنگامی که زنان اسبت را با حالت شرمساری دیده و به زین واژگونش نظر افکندند، با موهای پریشان و شیون کنان و ناله کنان از خیمه‌ها بیرون آمدند، و در حالی که پس از عزت و شکوه خوار و ذلیل شده بودند بسوی قتلگاه شتافتند.

در حالی که شمر بر روی سینه‌ات نشسته و شمشیرش را بر گودی زیر گلوی تو فرو برده و محاسنت را با دستش گرفته بود، سرت را با شمشیر خود برید، در آن حال آرامش خود را حفظ کرده و نفس‌های پنهان شده بود، سرت بر بالای نیزه قرار داشت و خانواده‌ات همچون بندگان اسیر، و در غل و زنجیر قرار گرفتند.

در فراز پالانهای چهارپایان چهره‌هایشان از گرمای ظهر تابستان می‌سوخت، و در بیابانها و دشتهای پهناور پیش برده می‌شدند، دستهایشان به گردنهایشان آویخته و در بازارها آنان را می‌گرداندند.

پس وای بر سرکشان گنهکار، به کشتنت اسلام را کشتند و نماز و روزه را بیهوده و مهمل گذاردند، سنتها و احکام را شکسته و پایه های ایمان را نابود کردند، آیات قرآن را تحریف و در فساد و دشمنی سخت تلاش نمودند.

آنگاه که تو کشته شدی به تحقیق که انتقام خون کشته شده رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ناگرفته ماند، و کتاب خدا رها شده و به حق خیانت گردید.

با نابودیت تکبیر و تهلیل، و تحریم و تحلیل، و تنزیل و تأویل از میان رفت، پس از تو تغییر و تبدیل و بی دینی و کفر و خواهشهای نفسانی، و گمراهی ها و آشوبها، و بیهودگی ها و باطلها آشکار گردید.

خبر دهنده مرگت در کنار قبر جدت رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندانش باد - برخاست و اشک ریزان خبر مرگت را به او داد، در حالی که می گفت: ای رسول خدا! فرزند و جوانت کشته شد، خانواده و نزدیکانت بیچاره شدند، و فرزندان پس از تو اسیر گردیدند و خانواده و افرادت در گرفتاری بلا افتادند.

پس پیامبر آشفته خاطر شده و قلب گریانش گریست، و به خاطر تو فرشتگان و پیامبران به او تسلیت گفتند، و به خاطر تو مادرت زهرا سوگوار

و مصیبت زده شد، فرشتگان مقرب برای سوگواری و تسلیت گفتن به پدرت امیر مؤمنان نزد او می رفتند، و برایت در اعلیٰ علیین مجلس عزا و ماتم بر پا شد، و به خاطر تو حور العین بر خود سیلی زدند.

آسمان و ساکنانش، و بهشت ها و خزانه دارانش، و کوههای گسترده بر روی زمین و کرانه هایش، و دریاها و ماهیان، و جنیان و فرزندان، و خانه خدا و مقام ابراهیم، و مشعر الحرام و حل و احرام برای تو گریستند.

پروردگارا! به احترام این جایگاه بلند بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا در زمره ایشان قرار ده، و به شفاعت ایشان وارد بهشت کن. خدایا! همانا من به تو متوسل می شوم، ای سریع ترین حسابگران، و ای کریم ترین کریمان، و ای حکم کننده ترین حکم کنندگان، به حق محمد خاتم پیامبران، فرستاده ات بسوی تمامی جهانیان.

و به برادر و پسر عمویش، جدا شده از شرك و دوگانه پرستی، انباشته از دانش و ایمان، آن دانشمند برخوردار از مقام بلند، علی امیر مؤمنان، و به حق فاطمه برترین بانوی جهان، و به حق حسن پاکیزه، نگاهبان تقوا پیشگان، و به حق حسین بزرگوارترین شهادت جویان، و به حق فرزندان کشته شده اش، و به خاندان مورد ظلم واقع شده اش، و به علی بن حسین زینت عبادت کنندگان.

و به محمد بن علی قبله گاه بازگشت کنندگان، و جعفر بن محمد

راستگوترین راستگویان، و موسی بن جعفر آشکار کننده برهانها، و علی بن موسی یاور آئین، و محمد بن علی پیشوا و پیشتاز هدایت کنندگان، و علی بن محمد پارساترین پارسایان و حسن بن علی وارث جانشینان و حجت بر تمامی آفریدگان، که بر محمد و خاندانش، آن راستگویان نیکوکار درود فرستی و مرا در روز قیامت از امان یافتگان، آسوده گان و رستگاران و شادمانان و بشارت یافتگان قرار دهی.

خدایا! نام مرا در زمره مسلمانان قرار ده، و به صالحان پیوند، و نامم را بر زبان اقوام آینده نیکو و سخنم را دلپذیر گردان، و مرا بر ستمگران فاسد یاری کرده، و از حيله حسودان نگاهدار، و فریب فریب گران را از من دور ساز، و دستان ستمگران را از من کوتاه نما، و میان من و آقایان نیکوکاران در اعلیٰ علیین جمع گردان، به همراه پیامبران و تصدیق کنندگان و شهیدان و صالحان، که به آنان نعمت ارزانی داشتی، به رحمت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

بارالها! تو را به حق پیامبر معصومت و به حق حکم حتمی و نهی پوشیده ات، و به حق این قبر که به زیارتش روی آورده، و امام معصومی که مظلومانه شهید شده و در آن جای داده شده، سوگند می دهم که مرا از اندوهها بدر آورده،

و شر و بدی قضا و قدرت را از من باز داری، و از آتش گرم دوزخ رهایم سازی.

خدایا! به نعمت خودت بزرگوام گردان، و به عطایت از من خشنود شو، و به جود و کرم و بخشش از من پرده پوشی کن، و مرا از فریب و انتقامت دور دار، بارالها! مرا از لغزش بازدار و در گفتار و عمل استوار گردان و عمرم را طولانی ساز، و از دردها و بیماریها سلامت دار، و به حق اولیائم و به فضلت مرا به بهترین آرزوها نائل گردان.

پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست و توبه ام را بپذیر، و بر گریه ام رحم نما، و لغزشم را جبران کرده، و سختی ام را آسان فرما، و اشتباهم را پوشانده، و فرزندانم را نیکو و صالح گردان.

بار خدایا! در این شهادتگاه پر عظمت و مکان پر کرامت برایم گناهی را مگذار مگر آنکه آن را ببخشی، و نه عیبی مگر آن را بپوشانی، و نه اندوهی مگر آن را اصلاح بنمائی، و نه رزقی را مگر آنکه افزون گردانی، و نه منزلت و مقامی را مگر آنکه آن را بگسترانی، و نه فساد و تباهی را مگر آنکه اصلاح بنمائی، و نه آرزویی را مگر اینکه آن را به تحقق رسانی، و نه دعا و نیایشی را مگر آنکه آن را بپذیری، و نه تنگنایی را مگر آنکه آن را بگشائی، و نه تفرق و پراکندگی را مگر اینکه به اجتماع مبدل گردانی. و نه کاری را مگر آنکه به انجامش برسانی، و نه سرمایه ای را مگر آنکه آن را افزون بنمائی، و نه اخلاقی را مگر آنکه نیکویش گردانی، و نه انفاق و بخششی را مگر آنکه مضاعف نمائی، و نه دگرگونی حالی را مگر آنکه

آبادش کرده، و نه حسودی را مگر آنکه از میانش برده، و نه دشمنی را مگر آنکه آن را درهم شکنی، و نه شر و بدی را مگر آنکه آن را کفایت کنی، و نه بیماری را مگر آنکه شفایش دهی، و نه دور افتاده ای را مگر آنکه نزدیکش گردانی، و نه پراکندگی را مگر آنکه مجتمع بنمائی، و نه خواستی را مگر آنکه متحقق سازی.

خداوندا! از تو بهترین روی آوردنی و ثواب آینده را خواستارم، بارالها! مرا با حلالیت از حرامت، و بفضل و بخشش از تمامی آفریدگانت بی نیاز گردان، پروردگارا! از تو دانش بهره دهنده، و قلب خاشع، و یقین کامل، و کردار پاکیزه، و صبر زیبا و پاداش فراوان می خواهم. خدایا! سپاسگزاری نعمتهایت را بر من ارزانی دار، و احسان و کرم و بخشش بی حسابت را بر من افزون فرما، و سخنم را در میان انسانها مسموع و دانشم را نزد خود بلند پایه گردان، و اثر مرا در خیرات پیوسته، و دشمنم را خوار و زبون و شکست خورده قرار ده.

خداوندا! بر محمد و خاندان برگزیده اش در تمامی لحظات شب و روز درود فرست، و مرا از شر بدان نگاهدار، و از گناه و پلیدی پاکیزه، و آتش جهنم را از من دور ساز، و خانه بهشت را بر من حلال، و من و تمامی برادران و خواهران مؤمن، که در راه تو آنها را یافته ام را به رحمت مورد آمرزش قرار ده، ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. سپس رو بسوی قبله کرده و دو رکعت نماز بگذار، در رکعت اول سوره

انبیاء و در رکعت دوم سوره حشر را قرائت نما، آنگاه قنوت گرفته و بگو:
معبود حقی جز خداوند بردبار و بزرگوار وجود ندارد، معبود حقی جز
خداوند برتر و بالاتر نیست، معبود حقی جز پروردگار آسمانهای
هفتگانه و زمینهای هفتگانه و آنچه در آنها و در میان آنهاست، نمی باشد،
در حالی که با دشمنان او مخالف و از منحرفین او بیزار بوده، و به ربوبیت او
اقرار، و در برابر عزت او خضوع می کنم، او اول و ابتدائی است که آغازی
ندارد، پایانی است که انتهاء ندارد، بر هر چیز با قدرتش غالب، و بادانش از
درون هر چیز آگاه است.

عقلها را به کنه عظمتش راهی نیست، و گمانها و وهمها حقیقت
هستی اش را نمی یابند، و جانها در درك کیفیت او عاجزند، بر درونها آگاه و
بر پنهانی ها آشناست، خیانت چشمها و آنچه سینه ها پنهان داشته اند را
می داند.

پروردگارا! تو را بر تصدیق پیامبرت و ایمان به او و آگاهیم نسبت به
مقام و منزلتش گواه می گیرم، و شهادت می دهم که او همان پیامبری است
که حکمت به فضلش به سخن در آمده، و پیامبران به او بشارت داده، و به
اقرار بدانچه آورده فرا خوانده، و به تصدیق نمودن ایشان تشویق نموده اند،
همانگونه که این آیه حاکی از آن است:

" کسی که نام او که در تورات و انجیل نوشته شده است را می یابند،

به نیکی فرمان داده، و از زشتی بازشان می دارد، پاکیزه را برای آنان حلال و ناپاکی ها را حرام می کند، گرفتاری ها و زنجیرهایی که در آنها گرفتارند را از ایشان باز می گشاید "

پس بر محمد فرستاده ات به جن و انس، و برترین پیامبرانت، و بر برادر و پسر عمویش، همان دو نفری که حتی يك چشم بر هم زدن بر تو شرك نورزیدند، و بر فاطمه برترین بانوی جهان درود فرست. و بر دو آقای جوانان اهل بهشت حسن و حسین درود فرست، درودی جاودانه و پیوسته، به تعداد قطرات بارانهای نم نم کننده پیوسته، و به وزن و سنگینی کوها و تپه ها، و سنگهای خاکستری رنگ، حرکت نورها و سایه ها، و بر خاندان پاکیزه اش و امامان هدایت شده و مدافعان از دین، علی و محمد و جعفر، و موسی و علی و محمد، و علی و حسن و حجت، به پا دارندگان عدالت و نوادگان دختری پیامبر. خداوندا! به حق این امام از تو گشایشی نزدیک، و شکیبائی زیاد، و یاری با عزت، و بی نیازی از خلق، و پایداری در هدایت، و موفقیت بر آنچه امر کرده ای و بدان خوشنودی، و روزی گسترده حلال پاکیزه تازه نیکوی گوارا، و فزون یافته و مداوم، بدون زحمت و سختی و بی هیچ منتی از کسی را خواستارم، و نیز سلامتی از هر بلا و و درد و بیماری، و سپاسگزاری

بر سلامتی و نعمتها را خواهانم.
و هر گاه که زمان مرگمان فرا رسد جانمان را در بهترین حالت ممکن
که در فرمانبری تو بوده و نگاهبان فرامینت باشیم بگیر، تا اینکه ما را به
بهشت های با نعمت وارد کنی، به رحمتی رحمت کننده ترین رحم
کنندگان.

بارالها! بر محمد و خاندانش درود فرست، و مرا از دنیا بر حذر و به
آخرت مأنوس دار، همانا چیزی جز خوف و ترس از تو [ما را] از دنیا
به وحشت نینداخته و چیزی جز امیدواری به تو [ما را] به آخرت مأنوس
نمی دارد.

پروردگارا! حجت و دلیل از آن توست و نه بر علیه تو، و شکوه و
شکایت بسوی توست و نه از جهت تو، پس بر محمد و خاندانش درود
فرست و مرا بر نفس بسیار ستمگر و عصیان گر، و شهوت چیره شونده ام
یاری فرما، و عاقبتم را به عافیت و نیکی پایان رسان.
خداوندا! طلب بخشایشم، در حالی که بر آنچه نهی فرموده ای اصرار و
پافشاری می کنم، بر اساس کم حیاتی ام بوده، و ترك آمرزش طلبی ام از تو،
با اینکه به بردباری گسترده ات آگاهم، زائل کردن امیدواری است.
بارالها! گناهانم مرا از امیدواری به تو مأیوس ساخته، و آگاهیم به
گسترده گی رحمتت مانع از خشیت من از تو شده است، پس بر محمد و
خاندانش درود فرست و امیدواریم به خودت را متحقق، و وحشتم از تو را
زائل فرما، همانگونه که از تو انتظار دارم برایم باش، ای بزرگوارترین
بزرگواران.

پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا به عصمت تأیید
فرما، و زبانم را به حکمت گویا کن، و مرا از کسانی قرار ده که به خاطر آنچه
در شب گذشته ضایع ساخته پشیمان بوده، و از بهره روزش محروم و مغبون
نمی گردد، و در اندوه روزی فردایش نباشد.

خدایا! بی نیاز کسی است که از تو بی نیازی جوید و محتاج تو باشد، و
نیازمند کسی است که از آفریدگانت طلب بی نیازی کند، پس بر محمد و
خاندانش درود فرست و مرا از خلقت به خودت بی نیاز کن، و از کسانی
قرار ده که دستش را جز بسوی تو نگشاید.

خدایا! بدبخت و تیره بخت کسی است که در حالی که پیشاپیش او
توبه و پشت سرش رحمت است نا امید باشد، و اگر عملم اندک است امیدم
در رحمت تو بسیار می باشد، پس کمی کردارم را به فراوانی آرزویم
ببخشای.

بار خدایا! اگر می دانی که در میان بندگانت سنگ دل تر از من و پر
گناه تر از من نیست، همانا من هم می دانم که مولا و آقائی از نظر فضیلت و
برتری بزرگتر از تو، و رحیم تر از تو، و چشم پوش تر از تو وجود ندارد، پس
ای کسی که در رحمتش یکتا ست از کسی که در ارتکاب گناه تنها نیست
چشم پوشی کنی.

بارالها! فرمانمان دادی سرپیچی کردیم، نهیمان فرمودی و ما
نپذیرفتیم، متذکر مان کردی و ما فراموش نمودیم، چشم بصیرت عطا کردی
و ما خود را به کوری زدیم، بر حذرمان داشتی پس تجاوز کردیم، این
پاداش احسان تو بر ما نبود، و تو بد آنچه آشکار داشته و پنهان نمودیم

آگاهی، و از آنچه آورده و می آوریم باخبری، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را بدانچه خطا کرده و فراموش کردیم بازخواست منما، حقوقی که نزد ما می باشد را بر ما ببخشای، و احسان خود را بر ما پایان رسان و رحمتت را بر ما فروریز.

پروردگارا! بوسیله این امام بسیار راستگو به تو متوسل شده، و به حقی که برای او و جدش فرستاده ات، و پدر و مادرش علی و فاطمه خاندان رحمت، قرار دادی، از تو روزی پیوسته، که قوام زندگی ما و آسایش خاندانمان در گرو آنست، را خواهانم، پس تو آن کریم و بخشنده ای هستی که از روی فراخی و گستردگی عطا کرده، و با قدرت باز می داری، و ما رزقی که مصلحت دنیا در آن بوده و رسیدن به آخرت در آنست را از تو درخواست می کنیم.

خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست، و ما و پدر و مادرمان و همه زنان و مردان مؤمن و مسلمان، زنده و مرده ایشان را بیامرزد، و در دنیا و آخرت بما نیکوئی ارزانی فرما، و ما را از عذاب آتش نگاهدار. سپس به رکوع برو و سجده کن و بنشین و تشهد گفته و سلام بگو، پس آنگاه که تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را گفتی گونه ات را بر زمین گذار و چهل بار بگو:

پاك و منزه است خداوند، و سپاس مخصوص اوست، و معبودی جز او نمی باشد، و خدا بزرگتر از آنست که به وصف در آید.

خداوند پرهیز از گناه و نجات از آتش جهنم، و آمرزش و توفیق برای
کردارهای نیکو، و پذیرش آنچه بوسیله آن بسوی حضرتش نزدیک شده و
خشنودی او را بدست آوری، را در خواست کن.
و در بالای سر بایست و دو رکعت نماز را همانگونه که گذشت بجای
آور، سپس بر روی قبر خم شو و آن را بیوس و بگو:
خداوند شرف شما را افزون گرداند، و سلام و رحمت و برکتهای
خداوند بر شما باد.
و آن گاه برای خودت و پدر و مادرت و هر که بخواهی دعا کن.

فصل دوم (۱)
گزیده ای از گفتار آن حضرت
در توصیف خود
در توصیف خود
در توصیف حجت‌های خداوند.
در اینکه خدا با آنان است
در اینکه حق با آنان و در آنان است
در اینکه آنان ساخته شده‌های خداوند می‌باشند
در اینکه قلب‌های آنان کانون اراده الهی است
در رد امور به آنان
در عدم انحراف به سوی غیر آنان
در مورد عدم طلب معرفت الهی از غیر ایشان
در مورد ستم‌کنندگان به ایشان
در مورد کسانی که از آنان بی‌زاری می‌جویند
در مورد کسانی که از او انکار می‌کنند
در مورد کسانی که او را مآزارند
در مورد کسانی که اموال ایشان را به ناحق تصاحب می‌کنند
در مورد علت گرفتن خمس
در علت غیبت ایشان
در کیفیت بهره‌وری مردم از ایشان در زمان غیبت
در کیفیت بهره‌بردن از ایشان در دوران غیبت
در کیفیت بهره‌بردن از ایشان

(۱) سخن آن حضرت

در توصیف خود

منم مهدی، منم قائم، منم آنکه زمین را از عدالت پر گرداند،
همانگونه که از ستم لبریز شده باشد.

(۲) سخن آن حضرت

در توصیف خود

منم باقیمانده حجت‌های الهی در زمین، منم انتقام گیرنده از دشمنان
خداوند.

(۳) سخن آن حضرت

در توصیف حجت‌های خداوند

خداوند ایشان را از گناهان دور، و از عیبها و زشتیها منزّه، و از
آلودگی پاك، و از اشتباه و خطا مبرا و محفوظ داشته، و آنان را نگاهبانان
گنجینه علم خویش، و امانت دار حکمت خود، و رازدار اسرارش قرار داده،
و با دلائل روشن تأیید و پشتیبانی نموده است.

(۴) سخن آن حضرت

در اینکه خدا با آنان است

خدا با ماست، و با بودن او نیازی به دیگری نداریم، و حق با ماست، و از اینکه کسی از ما روی گرداند ترس و وحشتی نداریم.

(۵) سخن آن حضرت

در اینکه حق با آنان و در آنان است

و باید بدانند که براستی حق با ما و نزد ماست، و غیر از ما هر کسی این سخن را بگوید دروغگو و تهمت زننده می باشد، و جز گمراه و گمراه کننده غیر از ما کسی ادعای آن را نمی کند.

(۶) سخن آن حضرت

در اینکه آنان ساخته شده های خداوند می باشند.

ما ساخته شده های پروردگار مان هستیم، و آفرینش بعد از ما ساخته شده های ماست.

(۷) سخن آن حضرت
در اینکه قلبهای آنان کانون اراده الهی است.
دلهای ما ظرف مشیت و اراده الهی است، پس هر گاه او بخواهد ما
خواهیم خواست.

(۸) سخن آن حضرت
در رد امور به آنان
از خدا بترسید و تسلیم ما شوید، و کار را بما واگذار نمائید، و
برماست که شما را از سرچشمه سیراب بیرون آوریم، چنان که بردن شما
بسوی چشمه بوسیله ما بوده است، و در پی کشف آنچه از شما پوشیده شده
است نروید.

(۹) سخن آن حضرت
در عدم انحراف بسوی غیر آنان
از راه راست به راه چپ منحرف نشوید، و با مودت و دوستی نسبت
بما حرکت مستقیم خود را بر آئینی روشن استوار سازید.

(۱۰) سخن آن حضرت
در مورد طلب معرفت از غیر ایشان
یافتن معارف جز از راه ما خاندان پیامبر، برابر با انکار ما می باشد.

(۱۱) سخن آن حضرت
در مورد ستم کنندگان به ایشان
هر کس بما ستم روا دارد در زمره ستمکاران بما خواهد بود، و
مشمول لعنت الهی می گردد، زیرا که خداوند فرموده است: " آگاه باشید که
لعنت الهی بر گروه ستمکاران می باشد ".

(۱۲) سخن آن حضرت
در مورد کسانی که از آنان بیزاری می جویند
از هر کس که ما از او اظهار برائت کنیم، خداوند و فرشتگان الهی و
پیامبران و اولیائش نیز از او بیزار خواهد بود.

(۱۳) سخن آن حضرت
در مورد کسانی که او را انکار می کنند
بین خدا و هیچ کس خویشاوندی نیست، و هر که مرا انکار کند از من
نمی باشد.

(۱۴) سخن آن حضرت
در مورد کسانی که او را مآزارند
نادانان و کم خردان شیعه و کسانی که پر و بال پشه از دینداری آنان
برتر و محکم تر است، ما را آزار می دهند.

(۱۵) سخن آن حضرت
در مورد کسانی که اموال ایشان را به ناحق تصاحب می کنند
هر کس به ناحق چیزی از اموال ما را تصاحب کند، براستی درون
خویش را از آتش انباشته است و به زودی به رو در آتش افکنده خواهد شد.

(۱۶) سخن آن حضرت

در علت گرفتن خمس

اموال شما را نمیپذیریم مگر به خاطر اینکه پاك شوید، پس هر که می خواهد پردازد، و هر کس که می خواهد پردازد.

(۱۷) سخن آن حضرت

در علت غیبت ایشان

هیچ يك از پدران من نبودند مگر اینکه بیعتی از طغیانگران زمانش را بر گردن داشته است، و من ظهور می کنم، و در هنگام ظهور، بیعت احدی از گردنکشان و طاغیان بر گردنم نیست.

(۱۸) سخن آن حضرت

در کیفیت بهره وری مردم از ایشان در زمان غیبت

کیفیت بهره وری از من در دوران غیبتم، همچون بهره وری از خورشید در هنگامی که ابرها آن را از دیدگان میپوشانند، می باشد.

(۱۹) سخن آن حضرت
در کیفیت بهره بردن از ایشان در دوران غیبت
من برای اهل زمین موجب امان و امنیت می باشم، هم چنان که ستارگان
برای اهل آسمان این گونه هستند.
(۲۰) سخن آن حضرت
در کیفیت بهره بردن از ایشان در زمان غیبت
خداوند بوسیله من بلا را از خاندان و شیعیانم دور می سازد.

فصل دوم (۲)
گزیده ای از گفتارها آن حضرت
در مورد رجوع به روای احادیث در دروان غیبت
در مورد کسانی که مدعی دیدن آن حضرت می شوند
در آگاهی او به شیعیانش
در رعایت حال شیعیانش
در اینکه ظهور او به دست خداست
در عدم تعیین وقت برای ظهور
در اینکه غلبه حق و نابودی باطل در ظهور اوست
در سپردن زمان ظهور به خدا
در وظیفه مردم در زمان غیبت
در علت تأخیر در ظهور
در علت عدم توفیق دیدار او
در دعا برای تعجیل در فرج او
در نهی از انجام گناهان
در اینکه زمین از حجت الهی خالی نیست.
در تحقق پیروزی حق و نابودی باطل
در اینکه قدرت خداوند سرکوب نمی گردد
در پناه بودن به خدا از بعضی از امور
در مورد اینکه خلقت بیهوده نیست
در مورد کسی که طالب هدایت است
در فضیلت نماز

(۲۱) سخن آن حضرت
در مورد رجوع به روات احادیث در دوران غیبت
و اما در رویدادهای تازه پس به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان
حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنها می باشم.

(۲۲) سخن آن حضرت
در مورد کسانی که مدعی دیدن آن حضرت می شوند
هر که پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای دیدار مرا
بنماید، دروغگو و تهمت زننده می باشد.

(۲۳) سخن آن حضرت
در آگاهی او به شیعیانش
ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما
پوشیده و مخفی نمی باشد.

(۲۴) سخن آن حضرت
در رعایت حال شیعیانش
ما از رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از
خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود دشواریها و مصیبتها بر شما فرود می آمد
و دشمنان شما را ریشه کن می نمودند.

(۲۵) سخن آن حضرت
در اینکه ظهور او بدست خداست
ظهوری نیست مگر بعد از اجازه خداوند متعال، و این اجازه بعد از
مدتی دراز و تیرگی دلها و پر شدن زمین از ظلم و جور تحقق می یابد.

(۲۶) سخن آن حضرت
در عدم تعیین وقت ظهور
اما ظهور فرج، آن به اراده الهی بوده، و کسانی که برای ظهور وقتی
را تعیین می کنند، دروغگو می باشند.

(۲۷) سخن آن حضرت
در اینکه غلبه حق و نابودی باطل در ظهور اوست
آنگاه که خدا بما اجازه عمل دهد، حق آشکار و باطل نابود
می گردد.

(۲۸) سخن آن حضرت
در سپردن زمان ظهور به خدا
از آنچه که به حالتان فائده ای ندارد سؤال نکنید، و خود را برای
دانستن آنچه که از شما نخواستند اند به مشقت نیندازید.

(۲۹) سخن آن حضرت
در وظیفه مردم در زمان غیبت
پس هر يك از شما باید کاری بکند که وی را به محبت و دوستی ما
نزدیک می کند، و از آنچه که خوشایند ما نبوده و باعث کراهت و خشم
ماست دوری گزیند، زیرا فرمان و امر ما ناگهان فرا می رسد، در هنگامیکه
توبه و بازگشت برای او سودی ندارد، و پشیمانی او از گناه، از کیفر ما
نجاتش نمی بخشد.

(۳۰) سخن آن حضرت

در علت تأخیر در ظهور

اگر چنانچه شیعیان ما - که خداوند توفیق طاعتشان دهد - در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند همدل می شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین، و صداقتی از آنان نسبت بما.

(۳۱) سخن آن حضرت

در علت عدم توفیق دیدار او

ما را از ایشان دور نمی دارد، مگر آن دسته از کردارهای آنان که ما را ناپسند و ناخوشایند است، و از آنان روا نمی داریم.

(۳۲) سخن آن حضرت

در دعا برای تعجیل در فرج او

برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید، که فرج شما در همان است.

(۳۳) سخن آن حضرت
در نهی از انجام گناهان
فرجام کار - با دخالت و ساخت نیکوی خداوند - مادامی که شیعیان
از گناهان دوری گزینند، پسندیده و نیکو خواهد بود.

(۳۴) سخن آن حضرت
در اینکه زمین از حجت الهی خالی نیست
همانا زمین از حجت الهی خالی نمی ماند، خواه آشکار باشد یا پنهان.

(۳۵) سخن آن حضرت
در تحقق پیروزی حق و نابودی باطل
خداوند از اینکه حق را نا تمام گذارد و باطل را از بین نبرد، ابا دارد.

(۳۶) سخن آن حضرت
در اینکه قدرت خداوند سرکوب نمی گردد
تقدیرهای خداوند بزرگ مغلوب نمی شود، و اراده او سرکوب
نمی گردد، و بر توفیق او هیچ چیز پیشی نمی گیرد.

(۳۷) سخن آن حضرت

در پناه بردن به خدا از بعضی از امور
پناه می برم به خدا از ناینائی پس از روشنائی، و از گمراهی پس از
هدایت، و از رفتار هلاکت بار و فتنه های نابود کننده.

(۳۸) سخن آن حضرت

در مورد اینکه خلقت بیهوده نیست
براستی خدای متعال مردم را بیهوده نیافریده و بیکاره رها نساخته
است.

(۳۹) سخن آن حضرت

در مورد کسی که طالب هدایت است
اگر خواستار هدایت و رشد باشی ارشاد خواهی شد، و اگر جويا
شوی می یا بی.

(۴۰) سخن آن حضرت

در فضیلت نماز
هیچ چیز بمانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمساید، پس نماز بگذار
و بینی ابلیس را بخاک بمالان.

فصل سوم
اشعاری در مدح آن حضرت
بر دل تیره ام ای چشمه خورشید به تاب
گفتم فراق تا کی گفتا که تا تو هستی
تو قدم به چشم من نه، بنشین کنار جویی
لطف آنچه تو اندیشی، حکم آنچه تو فرمایی
خوبان همه در معنی اسم و تو مسمائی
سوخت ز سوز ساز تو مفتقر نوال تو
بهر خدا کن به ظهورت شتاب

بر دل تیره ام ای چشمه خورشید به تاب
دلبر اگر بنوازی بنگاهی ما را * خوش تر است اربدهی منصب شاهی ما را
به من بی سرو پا گوشه چشمی بنما * که محال است جز این گوشه پناهی ما را
بر دل تیره ام ای چشمه خورشید به تاب * نبود بدتر از این روز سیاهی ما را
از ازل در دل ما تخم محبت کشتند * نبود بهتر از این مهر گیاهی ما را
گرچه از پیشگه خاطر عاطر دوریم * هم مگر یاد کند لطف تو گاهی ما را
با غم عشق که کوهیست گران بر دل ما * عجب است ارنخرد دوست بگاهی ما را
نه دل آشفته تر و شیفته تر از دل ماست * نه جز آن خاطر مجموع گواهی ما را
مفتقر راه بمعموره حسن تو نبرد * بده ای پیر خرابات تو راهی ما را
" کمپانی "

گفتم فراق تا کی گفتا که تا تو هستی
گفتم که روی خوبت، از من چرا نهان است؟ * گفتا تو خود حجابی، ورنه رخم
عیان است
گفتم که از که پرسم، جانا نشان کویت؟ * گفتانشان چه پرسی؟ آن کوی بی نشان
است!
گفتم مرا غم تو، خوش تر ز شادمانی * گفتا که در ره ما، غم نیز شادمان است!
گفتم که سوخت جانم، از آتش نهانم * گفت آنکه سوخت او را، کی نادی فغان
است
گفتم فراق تا کی؟ گفتا که تا تو هستی * گفتم نفس همین است؟ گفتا سخن همان
است
گفتم که حاجتی هست، گفتا بخواه از ما * گفتم غمم بیفزا گفتا که رایگان است
گفتم ز (فیض) پذیر این نیم جان که دارد * گفتا نگاه دارش، غم خانه تو جان است
" فیض کاشانی "

تو قدم به چشم من نه، بنشین کنار جویی
 همه هست آرزویم که بینم از توروئی * چه زیان تو را که من هم برسم به آرزویی
 به کسی جمال خود را نموده ای و بینم * همه جا به هر زبانی بود از تو گفتگویی
 غم و رنج و درد و محنت، همه مستعد قلم * تو ببر سر از تن من، ببر از میانه گویی
 به ره تو بس که نالم، ز غم تو بس که جویم * شده ام ز ناله نالی، شده ام زمویه
 مویی
 همه خوش دل این که مطرب، بزند به تار چنگی * من از این خوشم که چنگی بزنم
 به تار مویی
 چه شود که راه یابد، سوی آب تشنه کامی * چه شود که کام جوید، ز لب تو کام
 جویی
 شود این که از ترحم، دمی از سحاب رحمت * من خشک لب هم آخر، ز تو تر کنم
 گلویی
 بشکست اگر دل من به فدای چشم مست * سرخم می سلامت، شکنند اگر سبویی
 همه موسم تفرج به چمن روند و صحرا * تو قدم به چشم من نه، بنشین کنار جویی
 " رضوانی شیرازی "

لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمایی
ای پادشه خوبان، داد از غم تنهایی * دل بی تو به جان آمد، و قست که باز آبی
در آرزوی رویت، بنشسته بهر راهی * صد زاهد و صد عابد، سرگشته سودایی
مشتاقی و مهجوری، دور از تو چنانم کرد * کز دست، نخواهد شد، پایان شکیبایی
ای درد توام درمان، در بستر ناکامی * وی یاد توام مونس، در گوشه تنهایی
فکر خود و رای خود، در امر تو کی گنجد * کفر است در این وادی خود بینی و
خود رأیی

در دایره فرمان، ما نقطه تسلیمیم * لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمایی
گستاخی و پرگویی، تا چند کنی ای " فیض " * بگذر تو از این وادی، تن ده به
شکیبایی
" فیض کاشانی "

خوبان همه در معنی اسم و تو مسمائی
أی شاهد عالم سوز در حسن و دلارائی * وی شمع جهان افروز در جلوه و زیبائی
حسن تو تجلی کرد در طور دل عشاق * چون سینه سینا شد هر سر سویدائی
عشق رخ تو آتش در خرمن هستی زد * شد هر شررش شوری در هر سر و سودائی
مرغان چمن هر يك در نغمه به یاد تو * بلبل بغزل خوانی طوطی بشکر خائی
ما سوخته هجریم افروخته هجریم * آموخته هجریم با صبر و شکیبائی
دل داده روی تو آشفته موی تو * سرگشته کوی تو چون واله و شیدائی
ای خاک درت برتر ز آئینه اسکندر * اقلیم ملاحظت را امروزه تو دارائی
ای سرو قدت رعنا اندر چمن خوبی * خوبان همه در معنی اسم و تو مسمائی
از مفتقر دلریش کاری نرود از پیش * جز آنکه به لطف خویش این عقده تو بگشائی
" کمپانی "

سوخت ز سوز ساز تو مفتقر نوال تو
صورت شاهد ازل جلوه گر از جمال تو * معنی حسن لم یزل در خور خط و خال تو
جام جهان نمای جم ساغر درد نوش تو * طلعت لیلی قدم آینه مثال تو
کوکب دری فلک شمع در سرای تو * سرمه دیده ملک خاک ره نعال تو
عرصه فرش ساحت گوشه نشین گدای تو * قبه عرش حلقه منطقه جلال تو
دفتر علم و معرفت نسخه حکمت و ادب * نقطه مهملی است در دائره کمال تو
ماه دو هفته بنده حسن یگانه روی تو * پیر خرد بمعرفت کودک خرد سال تو
رفرف عقل پیر اگر از سرسدره بگذرد * باز نمی رسد به اول قدم خیال تو
نخله طور اگر گهی دم زند اناللهی * داد سماع می دهد مطرب خوش مقال تو
گلشن جان نمی دهد چون تو گلی دگر نشان * خلد جنان نپرورد سرو باعتدال تو
خضر اگر چه زندگی زاب حیات یافته * باز کند دوندگی در طلب زلال تو
ای به فدای ناز تو وان دل دلنواز تو * سوخت ز سوز ساز تو مفتقر نوال تو
" کمپانی "

بهر خدا کن به ظهورت شتاب
ای خجل از طلعت تو آفتاب * چند کنی روی نهان در حجاب
غوث جهان مهدی صاحب زمان * فیض خدا عالم علم کتاب
آی تو امید همه مستضعفان * آی تو پناه همه از شیخ و شاب
خلیفة اللہی و عین کمال * مبین حکمت و فصل الخطاب
پیش جلال تو جلال عقول * کم بود از ذره بر آفتاب
بحر محیطی تو و ما قطره ایم * آب حیاتی تو و ما ها سراب
ما همه فرعیم و تو اصل اصیل * ما همه قشریم و تو لب لباب
گیرد اگر خصم بد اختر زمین * هست به میدان تو کم از ذباب
کی رسد آن دور طلائئ که تو * ز عدل و انصاف کنی فتح باب
آه از این غیبت طولانیت * و این همه رنج و الم بی حساب

کی شب هجران تو گردد سحر * کی فتد از آن رخ زیبا نقاب
پر شده عالم ز فساد و فتن * گشته ز آشوب وز طغیان خراب
از ستم خیل ابر ظالمان * خلق گرفتار فساد و عذاب
شرع پیمبر شده متروک و نیست * گردش احوال بوفق صواب
دین خدا بین که محرف شده * عرضه به مردم بنما دین ناب
کار بشر می نرود بر نظام * تا ننهی پای تو اندر رکاب
حال ضعیفان ستمدیده بین * بهر خدا کن به ظهورت شتاب
ای سر خوبان و نکویان همه * ای خلف حضرت ختمی مآب
(لطفی صافی) بلقائی نما * مفتخر و روز به و کامیاب
از خطر و هول قیامت دهید * برگ نجاتش ز عقاب و عتاب
" لطف الله صافی "

- ۱ - فهرست منابع ادعیه
- ۱ - این دعا را راوندی در کتاب دعوات: ۹۴ نقل کرده است، علامه مجلسی در بحار الانوار ۹۴: ۲۰۶ و فیض کاشانی در صحیفه مهدویه: ۱۲۴، این دعا را از کتاب دعوات نقل کرده اند.
- ۲ - این دعا را کفعمی در مصباحش: ۲۰۸، و در بلد الامین: ۳۴۹ نقل کرده است، همچنین در صحیفه مهدویه: ۶۹ و منتخب الاثر: ۵۲۴ ذکر شده است.
- ۳ - این دعا را سید بن طاووس در مهج الدعوات: ۲۹۵ نقل کرده و می گوید: این دعا را در مجموعه ای که بعنوان ادعیه مستجاب از پیامبر و ائمه (علیهم السلام) بود یافتیم، بحار الانوار ۹۵: ۴۵۰ این دعا را از مهج الدعوات نقل کرده است.
- همچنین کفعمی در مصباحش: ۳۰۶، و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۱۲ این دعا را ذکر کرده اند.
- ۴ - راوندی این دعا را در قصص الانبیاء: ۳۶۵ نقل کرده است.
- ۵ - این دعا را محدث نوری در کتاب جنة المأوی که در بحار الانوار ۵۳: ۳۰۲ بچاپ رسیده، از ملحقات کتاب انیس العابدین نقل می کند که او از ابن طاووس نقل کرده این دعا را از امام زمان (علیه السلام) در سرداب آن حضرت در هنگام سحر شنیده است.
- ۶ - این دعا را سید بن طاووس در کتاب جمال الاسبوع: ۳۰۱ - ۳۰۶ با سندش از گروهی از اصحاب با سندشان از شیخ طوسی، از حسین بن عبیدالله،

از محمد بن احمد بن داود و هارون بن موسی تلعهکبری، از احمد بن علی رازی، در کتابش بنام شفاء و جلاء از محمد بن جعفر اسدی، از حسین بن محمد بن عامر اشعری، از یعقوب بن یوسف ضراب غسانی در هنگام بازگشت او از اصفهان نقل کرده است.

علامه مجلسی این دعا را از کتاب جمال الاسبوع در بحار الانوار ۹۴: ۷۸ و ۵۲: ۱۸ ذکر کرده است.

همچنین شیخ طوسی در مصباحش: ۴۰۶ و کتاب الغیبة: ۱۶۸، و کفعمی در مصباحش: ۵۴۹ و بلد الامین: ۷۹، و طبری در دلائل الامامة: ۳۰۲ و فیض در صحیفه مهدویه: ۵۳ این دعا را نقل کرده اند.

می گویم: در روایت اختصاص این دعا به روز جمعه ذکر نشده است.

۷ - این دعا را طبرسی در احتجاج ۲: ۴۹۲، یا سندش از محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری نقل کرده است، علامه مجلسی در بحار ۵۳: ۱۷۱، ۱۰۲: ۸۱، ۹۴: ۲ این دعا را از آن کتاب آورده است.

همچنین مؤلف مزار کبیر این دعا را با سندش از عربی بن مسافر وهبة الله بن نما، از حسین بن احمد بن طحال، از حسن بن محمد طوسی از پدرش شیخ طوسی، از محمد بن اسماعیل، از محمد بن اشناس، از محمد بن احمد بن یحیی قمی، از محمد بن زنجویه قمی، از حمیری، و نیز از حسن بن اشناس، از ابی المفضل شیبانی، از حمیری نقل کرده است.

علامه مجلسی در بحار ۵۳: ۱۷۳ این دعا را از این کتاب آورده است.

سید بن طاووس با اختلافاتی این دعا را در مصباح الزائر: ۲۲۳ نقل می کند، و بحار ۱۰۲: ۹۲ آن را از او نقل می نماید.

این دعا را علامه مجلسی در بحار ۹۴: ۳۶ با اختلافاتی از خط شیخ جبعی، بنقل از خط شیخ اجل علی بن سکون، از عربی بن مسافر عبادی، از حسین بن احمد

بن طحال مقدادی، از ابی علی طوسی، از پدرش شیخ طوسی، از محمد بن اسماعیل، از محمد بن حسین بزاز، از محمد بن احمد بن یحیی قمی، از محمد بن علی بن زنجویه قمی، از حمیری نقل کرده است.

۸ - این دعا را طبرسی در احتجاجش ۲: ۴۸۴، با سندش از محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری از امام زمان (علیه السلام) آورده است، و علامه مجلسی آن را در بحار

۸۴: ۳۵۹، ۵۳: ۱۶ از آن کتاب نقل نموده است.

۹ - این دعا در کتاب شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام: ۱۳۳ بنقل از آیت الله مرعشی نجفی ذکر شده است.

۱۰ - این دعا را سید بن طاووس در مهج الدعوات: ۶۷ از کتاب عمل رجب و شعبان و ماه رمضان تألیف احمد بن عبد الله بن عیاش، از ابی الطیب حسن بن احمد بن محمد بن عمر بن عبد الله بن صباح قزوینی، و ابی الصباح محمد بن احمد بن محمد بن عبد الرحمان بغدادی، از استادشان نقل کرده است. علامه مجلسی این دعا را در بحار ۸۵: ۲۳۳ از کتاب مهج الدعوات ذکر کرده است.

همچنین کفعمی در بلد الامین: ۵۷۰، و فیض در صحیفه مهدویه: ۴۸ این دعا را آورده اند.

۱۱ - این دعا را سید بن طاووس در مهج الدعوات: ۶۸ از کتاب عمل رجب و شعبان و ماه رمضان، تألیف احمد بن عبد الله بن عیاش، از ابی الطیب حسن بن احمد بن محمد بن عمر بن عبد الله بن صباح قزوینی، و ابی الصباح محمد بن احمد بن محمد بن عبد الرحمان بغدادی، از استادشان نقل کرده است. علامه مجلسی این دعا را در بحار الانوار ۸۵: ۲۳۳ از آن کتاب نقل نموده است.

همچنین کفعمی در بلد الامین: ۵۷۰ و فیض در صحیفه مهدویه: ۵۲ و لطف الله صافی در منتخب الاثر: ۵۲۲ این دعا را آورده اند.

۱۲ - این دعا در کتاب شیفتگان حضرت مهدی (علیه السلام): ۱۳۳ بنقل از آیت الله مرعشی نجفی ذکر شده است.

۱۳ - این دعا را سید بن طاووس در فتح الابواب: ۲۶۵ نقل کرده و علامه مجلسی در کتاب بحار ۹۱: ۲۳۹ و محدث حر عاملی در کتاب وسائل ۸: ۷۲ این دعا را از آن کتاب نقل کرده اند.

۱۴ - این دعا را علامه حلی در منهاج الصلاح با سندش از پدرش از سید رضی الدین محمد بن محمد آوی حسینی نقل کرده است.

علامه مجلسی در بحار الانوار ۹۱: ۲۴۸، ۵۳: ۲۷۱، و محدث نوری در مستدرک ۶: ۲۶۳ این دعا را از آن کتاب نقل کرده اند.

همچنین کفعمی در بلد الامین: ۱۶۰، و در مصباحش: ۳۹۱ و سید بن طاووس در فتح الابواب: ۲۷۲، و شهید اول در ذکری: ۲۵۲ این دعا را نقل کرده اند.

محدث حر عاملی در کتاب وسائل ۸: ۸۱، و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۱۴ این دعا را از مصادر فوق آورده اند.

۱۵ - این دعا را سید بن طاووس در کتاب فتح الابواب: ۲۰۶ با سندش از محمد بن علی بن محمد در کتاب جامعش ذکر کرده که می گوید: این دعا آخرین توقیع آن حضرت می باشد.

علامه مجلسی در بحار ۹۱: ۲۷۵ و محدث نوری در مستدرک ۶: ۲۳۷ این دعا را از آن کتاب نقل کرده اند.

همچنین کفعمی در بلد الامین: ۱۶۳، و در مصباحش: ۳۹۵، و فیض

در صحیفه مهدویه: ۱۱۲ این دعا را آورده اند.

۱۶ - این دعا را سید در مهج الدعوات: ۲۸۱، با سندش از علی بن حماد مصری، از حسین بن محمد علوی، از محمد بن علی علوی مصری ذکر می کند. علامه مجلسی این دعا را در بحار ۹۵: ۲۶۶ از آن کتاب نقل می کند. همچنین کفعمی در بلد الامین: ۳۹۳، و فیض در صحیفه مهدویه: ۳ این دعا را ذکر کرده اند.

این دعا را سید بن طاووس در مهج الدعوات: ۲۸ بسند دیگری آورده و گوید:

این دعا را در کتابی قدیمی که کاتب آن حسین بن علی بن هند بوده و آن را در شوال سال ۳۹۶ نوشته است پیدا کردم، در آن چنین آمده: دعائی که امام زمان (علیه السلام) به مردی از شیعیانش که مورد ستم واقع شده بود آموخت و خداوند او را

رهایی داد و دشمنی بقتل رسید، حدیث کرد مرا ابو علی احمد بن محمد بن حسین بن اسحاق بن جعفر بن محمد علوی عریضی، و او از محمد بن علی علوی حسینی مصری، که گفت: موضوع سختی برای پیش آمده - تا آخر حدیث.

علامه مجلسی در بحار ۵۱: ۳۰۷ و محدث نوری در دار السلام ۱: ۳۰۲ این دعا را نقل کرده اند.

۱۷ - این دعا را کفعمی در بلد الامین: ۳۳۳، و فیض در صحیفه مهدویه ۵: ۳۱ نقل و آن را به امام زمان (علیه السلام) منسوب کرده اند.

همچنین سید بن طاووس آن را در مهج الدعوات ۳۳۹ با سندش از محمد بن محمد قاضی آوی نقل کرده، و بحار ۹۵: ۳۷۸ و ۵۳: ۲۲۲ آن را از این کتاب ذکر

کرده است.

و نیز سید این دعا را با نقصان و زیاده بسیاری در مهج الدعوات: ۳۴۲

آورده است.
می‌گوییم: علامه حلی در آخر کتاب منهاج الصلاح این دعا را به امام صادق (علیه السلام) منسوب کرده، ومحدث نوری در دار السلام ۲: ۱۳۱ این دعا را از آن کتاب ذکر کرده است.

۱۸ - این دعا را سید علی خان شیرازی در کلم الطیب آورده، و در کتاب منتخب الاثر: ۵۲۱ از آن کتاب دعا را ذکر می‌کند.
۱۹ - مرحوم طبرسی در کتاب کنوز النجاح این دعا را ذکر کرده و گوید: دعائی که امام زمان (علیه السلام) به محمد بن احمد بن ابی لیث در شهر بغداد در قبرستان

قریش آموخت، و او از ترس کشته شدن به آنجا پناه برده و به آن حضرت متوسل شده بود، و ببرکت این دعا نجات یافت.

محدث نوری در کتاب جنة المأوی که در بحار الانوار ۵۳: ۲۷۵ به چاپ رسیده این دعا را از آن کتاب نقل می‌کند.

ابن المشهدی در کتاب مزارش: ۱۹۶، و شهید اول در مزارش: ۲۱۰، و مفید در مزارش، و کفعمی در مصباحش: ۲۷۶، این دعا را با اختلافاتی ذکر کرده اند.

علامه مجلسی این دعا را در بحار ۱۰۲: ۱۱۹ از مزار مفید نقل کرده است.

۲۰ - این دعا را سید بن طاووس در جمال الاسبوع: ۱۷۰ نقل کرده است.

علامه مجلسی در بحار ۹۱: ۱۹۰، ومحدث حر عاملی در وسائل ۸: ۱۸۵ و فیض در صحیفه مهدویه: ۲۹ و راوندی در قصص الانبیاء این دعا را ذکر کرده اند.

۲۱ - این دعا را علامه مجلسی در بحار ۹۴: ۱۸۷ از کتاب شهید بنقل از کتاب استدراک یکی از قدماء اصحاب ذکر کرده، که او این دعا را با سندش از دوریستی، از جدش، از پدرش، از شیخ صدوق، از احمد بن ثابت نقل کرده است.

کفعمی در مصباحش: ۳۰۵، و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۱۱ این دعا را آورده اند.

۲۲ - این دعا را طبري در دلائل الامامة: ۳۰۴، با سندش از محمد بن هارون تلعبری، از ابی بغل کاتب نقل کرده است، علامه مجلسي در بحار ۲۰۰: ۹۵ و ۳۴۹: ۹۱ این دعا را از آن کتاب نقل می کند. همچنین سید بن طاووس این دعا را در فرج المهموم: ۲۴۵ نقل کرده است، علامه مجلسي در بحار ۳۰۴: ۵۱ ومحدث نوري در مستدرک ۳۰۸: ۶ این دعا را از آن کتاب نقل می کنند، مرحوم فیض در صحیفه مهدویه: ۱۳۸ این دعا را آورده است.

۲۳ - این دعا را شیخ طوسی در مصباحش: ۲۲۰ و کفعمی در بلد الامین: ۵۹، با سندشان از محمد بن صلت قمی آورده اند. علامه مجلسي در بحار ۱۷۱: ۸۶ و فیض در صحیفه مهدویه: ۶۷ این دعا را از این دو کتاب نقل کرده اند.

می گویم: در مصادر این دعا بعنوان اضافه أي بر دعاء حریق که در ضمن ادعیه پیامبر و حضرت فاطمه (علیهما السلام) آورده ایم نقل شده است. ۲۴ - این دعا را کفعمي در مصباحش: ۲۶۵ و بلد الامین: ۳۴۹، و فیض در صحیفه مهدویه: ۴۶ نقل کرده اند.

۲۵ - این دعا را سید بن طاووس در مهج الدعوات: ۲۹۴ به نقل از کتاب النجاح مرحوم طبرسي، با سندش از احمد بن دربی، از خامة از حسین بن محمد بزوفری آورده است.

علامه مجلسي در بحار ۳۲۳: ۸۹، ومحدث نوري در مستدرک ۶: ۷۵ این دعا را از آن کتاب نقل کرده اند.

همچنین کفعمی در مصباحش: ۳۹۶ و طبرسی در مکارم الاخلاق ۲: ۱۳۵ فیض در صحیفه مهدویه: ۹۸ این دعا را آورده اند.

۲۶ - این دعا را سید در مهج الدعوات: ۳۰۲ و کفعمی در مصباحش: ۲۱۹، و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۱۵ نقل کرده اند.

علامه مجلسی در بحار ۹۴: ۳۷۸ این دعا را از کتاب مهج الدعوات آورده است.

۲۷ - این دعا را سید در مهج الدعوات: ۴۵ و کفعمی در مصباحش: ۳۰۵ و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۰۰ آورده اند.

علامه مجلسی در بحار ۹۴: ۳۶۵ آن را از کتاب مهج الدعوات ذکر می کند.

۲۸ - این دعا را محدث نوری در کتاب جنة المأوی که در ضمن بحار ۵۳: ۲۲۶ چاپ شده، از خط سید زین الدین علی بن حسین نقل کرده است.

۲۹ - این دعا را سید در کتاب اقبال: ۶۴۴، با سندش از کتاب معالم الدین، از محمد بن ابن دواد، از محمد بن جعفر دهان، از امام زمان (علیه السلام) نقل کرده است.

علامه مجلسی در بحار ۹۸: ۳۹۱ آن را از کتاب اقبال نقل می کند.

همچنین شهید در مزارش: ۲۶۴، وان مشهدی در مزار کبیر ۱۷۹ از علی بن محمد بن عبد الرحمان شوشتری نقل کرده اند.

علامه مجلسی در بحار ۱۰۰: ۴۴۶، و محدث نوری در مستدرک ۳: ۴۴۱ و ۴۴۳ این دعا را از این دو کتاب نقل کرده اند.

و نیز سید در مصباح الزائر: ۵۶، و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۳۸ این دعا را آورده اند.

می گویم: ابتدای این دعا از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است، مراجعه شود به عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ۲: ۱۷۲، بحار الانوار ۸۵: ۲۵۸.

۳۰ - این دعا را سید بن طاووس در کتاب اقبال: ۶۴۶، با سندش از شیخ طوسی، از گروهی از اصحاب، از ابن عیاش، از خیرین عبد الله، از محمد بن عثمان بن سعید، از ناحیه مقدسه روایت کرده است.

علامه مجلسی در بحار ۹۸: ۳۹۲ آن را از این کتاب آورده است. همچنین شیخ در مصباحش: ۸۰۳، و کفعمی در بلد الامین: ۱۷۹، و در مصباحش: ۵۲۹ این دعا را آورده اند.

۳۱ - این دعا را سید در اقبال: ۶۴۷، با سندش از جدش شیخ طوسی، از ابن عیاش، از ابی القاسم حسین بن روح نقل کرده است.

علامه مجلسی در بحار ۹۸: ۳۹۳ این دعا را از آن کتاب نقل می کند. همچنین شیخ در مصباحش: ۸۰۴، و کفعمی در مصباحش: ۵۳ و بلد الامین: ۱۸۰، و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۰۲ این دعا را آورده اند.

۳۲ - این دعا را شیخ در مصباحش: ۸۲۱، با سندش از ابن عیاش، از خیر بن عبد الله، از ابی القاسم حسین بن روح نقل می کند.

سید در اقبال: ۶۳۱ و مجلسی در بحار ۱۰۲: ۱۹۵ آن را از شیخ نقل کرده اند.

۳۳ - این دعا را سید در اقبال: ۶۷۵ با سندش از طرازی در کتابش، از احمد بن علی بن روح، از محسن بن عبد الحکم شجری، از کتاب ابی نصر جعفر بن محمد

بن حسین بن هبثم، از حسین بن روح نقل کرده است.

محدث نوری در مستدرک ۶: ۲۹۱ آن را از این کتاب نقل کرده است. سید بن طاووس این دعا را با اختلاف از شیخ در اقبال: ۶۷۷ نقل نموده است.

۳۴ - این دعا را ابن مشهدی در مزارش: ۱۹۰ بنقل از محمد بن علی بن ابی

قرة با سندش از كتاب محمد بن حسين بزوفرى نقل نموده است.
سيد بن طاووس اين دعا را در مصباح الزائر: ۲۳۰ از ابن مشهدى نقل کرده،
و در اقبال: ۲۹۰ نیز آن را آورده است.

علامه مجلسي در تحفة الزائر: ۳۴۲ و فيض در صحيفه مهدويه: ۷۵ اين
دعا را از اين دو مصدر نقل کرده اند.

می گویم: ظاهر کلام ابن المشهدي در مزارش و سيد در مصباح الزائر
آنست که دعا از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام بوده و قرائتش در اعياد
چهارگانه

مستحب است، اما علامه مجلسي اين دعا را در زاد المعاد نقل کرده و به امام صادق
عليه السلام منسوب نموده است.

۳۵ - فيض در صحيفه مهدويه: ۱۰۳ اين دعا را نقل کرده و گوید: دعائی
که امام زمان (عليه السلام) برای شيعيانش نوشته و آنان را امر فرمود که در هر شب
از

شبهای ماه رمضان بخوانند.

همچنين سيد در اقبال: ۵۸ با سندش از محمد بن ابی قرة از ابی الغنائم
محمد بن محمد بن محمد بن عبد الله حسنی، از محمد بن محمد بن نصر سکوني،
نقل کرده که گوید:

از احمد بن عثمان بغدادی خواستم که ادعیه ماه رمضان که عمویش محمد
بن عثمان بن سعید عمری آنها را در این ماه می خواند را برایم بیاورد، او دفتری
آورد که جلدش قرمز بود و من دعاهاى زيادى را از آن نقل کردم و از جمله آنها
این دعا بود که در آن دفتر چنین نگاشته شده بود: این دعا را در هر شب از ماه
رمضان می خوانی، دعا در این ماه را فرشتگان شنیده و برای خواننده آن دعا
می کنند.

شيخ طوسى در مصباح ۵۷۷ اين دعا را بدون سند نقل کرده است.

۳۶ - این دعا را سید در اقبال ۲۷۵، با سندش از محمد بن ابی قره در کتابش، از محمد بن محمد بن نصر سکونی، از احمد بن محمد بن عثمان بغدادی، از عمویش محمد بن عثمان بن سعید عمری نقل کرده است. علامه مجلسی در بحار ۹۱: ۱ این دعا را از آن کتاب آورده است. همچنین شیخ در مصباحش: ۶۵۵، و کفعمی در بلد الامین: ۲۴۱، و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۲۴ این دعا را ذکر کرده اند.

۳۷ - این دعا را سید در جمال الاسبوع: ۳۱۵ با سندش از شیخ طوسی از گروهی از اصحاب، از تلکبری، از ابن همام، از عثمان بن سعید عمری نقل کرده است.

علامه مجلسی در بحار ۹۵: ۳۳۰، ۵۳: ۱۸۷ این دعا را از آن کتاب آورده است.

همچنین شیخ صدوق در کمال الدین ۲: ۵۱۹، با سندش از ابی محمد حسن بن احمد مکتب از ابی علی بن همام نقل کرده است که شیخ عمری نائب اول امام زمان (علیه السلام) این دعا را برای او خواند تا در ایام غیبت آن حضرت بخواند.

علامه مجلسی در بحار ۹۵: ۳۲۷ و ۵۳: ۱۸۲ این دعا را از آن کتاب نقل می کند. و نیز شیخ در مصباحش: ۴۱۱، و کفعمی در بلد الامین: ۳۰۶، و سید در مصباح الزائر: ۲۲۰، و فیض در صحیفه مهدویه: ۸۹ این دعا را ذکر کرده اند. علامه مجلسی در بحار ۱۰۲: ۸۹ این دعا را از سید آورده است.

۳۸ - این دعا را شیخ صدوق در کمال الدین ۲: ۴۲۸، با سندش از ابن ادریس، از پدرش، از محمد بن اسماعیل، از محمد بن ابراهیم کوفی، از محمد بن عبد الله مطهری، از حکیمه دختر امام هادی (علیه السلام)، نقل کرده است. علامه مجلسی در بحار ۵۱: ۱۳ و ۵۲: ۳۰ آن را از این کتاب نقل کرده است.

فتال در روضة الواعظین: ۲۵۹ وحلی در عدد القویة: ۷۲ این دعا را آورده اند

۳۹ - میرزا عبد الله اصفهانی در جلد پنجم ریاض العلماء در شرح زندگانی شیخ ابی جواد نعمانی، این دعا را از زین الدین علی بن حسن بن محمد خازن حائری، شاگرد شهید اول، از پسر ابی جواد نعمانی نقل می کند. محدث نوری در جنة المأوی که در ضمن بحار ۵۳: ۲۷۰ چاپ شده این دعا را از آن کتاب نقل کرده است.

۴۰ - این دعا را شیخ در کتاب الغیبة: ۱۵۱، با سندش از گروهی از اصحاب، از محمد بن علی بن حسین، از پدرش و محمد بن حسن و محمد بن موسی بن متوکل، از حمیری، از محمد بن عثمان نقل کرده است. علامه مجلسی در بحار ۵۱: ۳۵۱ این دعا را از آن کتاب نقل می کند. همچنین شیخ صدوق در فقیه ۲: ۵۲۰، و در کمال الدین ۲: ۴۴۰ این دعا را آورده است.

۴۱ - این دعا را شیخ در الغیبة: ۱۵۲ با سندش از محمد بن عثمان نقل کرده است، و علامه مجلسی در بحار ۵۱: ۳۵۱ این دعا را از این کتاب آورده است. همچنین شیخ صدوق در فقیه ۲: ۵۲۰ و کمال الدین ۲: ۴۴۰ آن را آورده است.

۴۲ - این دعا را حلی در عدد القویة: ۷۵ نقل می کند، و علامه مجلسی در بحار ۹۴: ۳۶۵، ۵۲: ۳۹۱ آن را از این کتاب آورده است. همچنین طبری در دلائل الامامة: ۲۴۴ با سندش از محمد بن هارون بن موسی از پدرش از محمد بن همام، از جعفر بن محمد حمیری، از احمد بن جعفر، از علی بن محمد روایت کرده است.

فیض در صحیفه مهدویه: ۱۳۳ این دعا را آورده است.
۴۳ - این دعا را سید در جمال الاسبوع: ۲۷، از کسی که آن حضرت را در روز یکشنبه در بیداری مشاهده کرده که جدش حضرت علی (علیه السلام) را زیارت می کرده است، نقل می کند.
علامه مجلسی در بحار ۱۰۲: ۲۱۲، ۵۳: ۲۷۱ این دعا را از این کتاب آورده است.
۴۴ - این دعا در مزار کبیر: ۱۶۵ از ناحیه مقدسه روایت شده، و علامه مجلسی در بحار ۱۰۱: ۳۲۸ و فیض در صحیفه مهدویه: ۱۴۲ آن را از این کتاب نقل نموده اند.
و نیز در بحار ۱۰۱: ۳۱۷ این دعا از مزار شیخ مفید نقل شده است.

٢ - فهرست منابع احاديث

* (فهرست منابع احاديث) *

- (١) بحار الانوار ٥٢ : ٢ ، كمال الدين شيخ صدوق ٢ : ٤٤٥ .
- (٢) بحار الانوار ٥٢ : ٢٤ ،
- (٣) بحار الانوار ٥٣ : ١٩٣ ، الغيبة شيخ طوسي : ١٧٥ ، احتجاج طبرسي : ٤٦٨ .
- (٤) بحار الانوار ٥٣ : ١٩١ ، كمال الدين ٢ : ٥١١ .
- (٥) بحار الانوار ٥٣ : ١٩١ ، كمال الدين ٢ : ٥١١ .
- (٦) بحار الانوار ٥٣ : ١٩١ ، كمال الدين ٢ : ٥١١ .
- (٧) بحار الانوار ٥٢ : ٥١ .
- (٨) بحار الانوار ٥٣ : ١٩١ ، كمال الدين ٢ : ٥١٠ .
- (٩) بحار الانوار ٥٣ : ١٩١ ، كمال الدين ٢ : ٥١٠ .
- (١٠) كتاب دين وفطرت ، بنقل از استاد ميرزا مهدي اصفهاني .
- (١١) بحار الانوار ٥٣ : ١٨٣ ، الغيبة : ١٨٠ .
- (١٢) احتجاج ٢ : ٤٧٤ .
- (١٣) بحار الانوار ٥٣ : ١٨٠ ، كمال الدين ٢ : ٤٨٤ .
- (١٤) احتجاج ٢ : ٤٧٤ .
- (١٥) بحار الانوار ٥٣ : ١٨٣ ، الغيبة : ١٨٠ .
- (١٦) بحار الانوار ٥٣ : ١٨٠ ، كمال الدين ٢ : ٤٨٤ .
- (١٧) بحار الانوار ٥٣ : ١٨١ ، كمال الدين ٢ : ٤٨٥ ، احتجاج ٢ : ٤٧١ .
- (١٨) بحار الانوار ٥٣ : ١٨١ ، كمال الدين ٢ : ٤٨٥ ، احتجاج ٢ : ٤٧١ .

- (١٩) بحار الانوار ٥٣ : ١٨١ ، كمال الدين ٢ : ٤٨٥ ، احتجاج ٢ : ٤٧١ .
- (٢٠) بحار الانوار ٥٢ : ٣٠ ، كمال الدين ٢ : ٤٤١ .
- (٢١) بحار الانوار ٥٣ : ١٨١ ، الغيبة : ١٧٧ ، كمال الدين ٢ : ٤٨٤ ، احتجاج ٢ : ٤٧٠ .
- (٢٢) بحار الانوار ٥٣ : ١٩٦ ، احتجاج ٢ : ٤٦٨ ، الغيبة : ١٧٥ .
- (٢٣) بحار الانوار ٥٣ : ١٧٥ ، احتجاج ٢ : ٤٩٧ .
- (٢٤) بحار الانوار ٥٣ : ١٧٥ ، احتجاج ٢ : ٤٩٧ .
- (٢٥) بحار الانوار ٥٣ : ١٩٦ ، احتجاج ٢ : ٤٦٨ ، الغيبة : ١٧٥ .
- (٢٦) بحار الانوار ٥٣ : ١٨١ ، كمال الدين ٢ : ٤٨٤ ، الغيبة : ١٧٧ .
- (٢٧) بحار الانوار ٥٣ : ١٩٦ ، احتجاج ٢ : ٤٦٨ ، الغيبة : ١٧٥ .
- (٢٨) بحار الانوار ٥٣ : ١٨١ ، كمال الدين ٢ : ٤٨٥ ، الغيبة : ١٧٧ .
- (٢٩) بحار الانوار ٥٣ : ١٧٦ ، احتجاج ٢ : ٤٩٧ .
- (٣٠) احتجاج ٢ : ٤٩٩ ، بحار الانوار ٥٣ : ١٧٧ .
- (٣١) بحار الانوار ٥٣ : ١٧٧ ، احتجاج طبرسي ٢ : ٤٩٩ .
- (٣٢) بحار الانوار ٥٣ : ١٧٧ ، احتجاج طبرسي ٢ : ٤٩٩ .
- (٣٣) بحار الانوار ٥٣ : ١٨١ ، الغيبة : ١٧٧ ، احتجاج ٢ : ٤٧٠ ، كمال الدين ٢ : ٤٨٤ .
- (٣٤) بحار الانوار ٥٣ : ١٩١ ، كمال الدين ٢ : ٥١١ .
- (٣٥) بحار الانوار ٥٣ : ١٩٣ ، الغيبة : ١٧٥ ، احتجاج ٢ : ٤٦٨ .
- (٣٦) بحار الانوار ٥٣ : ١٩١ ، كمال الدين ٢ : ٥١١ .
- (٣٧) بحار الانوار ٥٣ : ١٩١ ، كمال الدين ٢ : ٥١١ .
- (٣٨) بحار الانوار ٥٣ : ١٩٤ ، الغيبة : ١٧٥ ، احتجاج طبرسي : ٤٦٨ .
- (٣٩) كمال الدين ٢ : ٥٠٢ .
- (٤٠) بحار الانوار ٥٣ : ١٨٢ ، كمال الدين ٢ : ٥٢٠ ، الغيبة : ١٨٠ .